

# توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارگران (توفان)



پرولترهای جهان متحد شوید!

شماره ۱۹۳ مرداد ۱۴۰۱

## فهرست مطالب

- ۲..... نولیبرالیسم مشخصه دولت‌های سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است.....
- ۴..... پنجاه و پنجمین سالگرد پایه‌گذاری تشکیلات توفان بر طبقه کارگر و ایران مبارک باد!.....
- ۵..... مبارزه تدافعی کارگران برای دریافت حقوق معوقه.....
- ۶..... چرا قیمت غلات در جهان سر به فلک می‌کشد؟.....
- ۷..... سالانه بیش از هزار کارگر در ایران بر اثر حوادث کاری جان می‌دهند.....
- ۸..... گزارشی از یک تفریح ساده در خیابان‌های بالای شهر در نظام سرمایه‌داری ایران.....
- ۱۰..... تبعیض و بی‌عدالتی در پرداخت حقوق.....
- ۱۱..... پایان اعتصاب غذا.....
- ۱۱..... همبستگی بین‌المللی اتحادیه کارگری سراسری آلمان با کارگران و معلمان زندانی در ایران.....
- ۲۱..... در حاشیه بازداشت «مصطفی تاج‌زاده».....
- ۱۳..... «رابرت مالی» کیست و چه می‌گوید؟.....
- ۱۳..... از مبارزه مردم سریلانکا حمایت کنیم.....
- ۱۴..... معنی و مفهوم «صهیونیسم» چیست؟.....
- ۱۵..... نگاهی به پیامدهای اخیر جنگ در اوکراین.....
- ۱۶..... در حاشیه صدور رای نهایی دادگاه استکهلم و هلهله شیفتگان امپریالیسم و مداخله نظامی.....
- ۱۷..... در جبهه نبرد طبقاتی.....
- ۲۷..... ۱۸ تیر سالگرد قیام پُرشکوه دانشجویان گرامی باد!.....
- ۲۸..... امپریالیسم آمریکا نه تنها دشمن شماره یک ملت‌های جهان، بلکه دشمن مردم آمریکا.....
- ۲۹..... سخنی در مورد بلوای «حجاب اجباری» و سرکوب زنان.....
- ۳۱..... برگی از تاریخ.....
- ۲۳..... سالگرد انقلاب ساندینستای نیکاراگوئه و دست‌آوردها.....
- ۳۴..... چند یادداشت کوتاه.....
- ۳۶..... ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
- ۳۷..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
- ۳۸..... پاسخ به دو پرسش در شبکه تلگرام.....

ایران را صادر کرد. این مجموعه نظامی خیلی سریع چنگال خود را در عرصه عمران و ساختمان سازی تحت نام «قرارگاه خاتم الانبیاء»، انرژی، پتروشیمی، بانکداری و صنعت فروبرد و تبدیل به بزرگ‌ترین رقیب بخش خصوصی شد. سپاهیان هر روز بیش‌تر از روز قبل شرکت‌های موفق خصوصی را به لطایف‌الحیل از دست صاحبان آنها در آوردند.

مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی و خصولتی و نیز بازار بورس در زمان هاشمی رفسنجانی راه اندازی شدند و راه را برای دزدی و کلاهبرداری‌های کلان هموار ساختند. و بالاخره فراموش نکنیم که سرکوب و خفقان و کشتار سیاسی در دوره «سردار سازندگی» به اوج خود رسید که افرادی مانند «ابراهیم رئیسی» در آن دوران شریک دزد و رفیق قافله بودند.

«احمدی نژاد» در اجرای سیاست‌های نئولیبرالی دست کمی از سلف خود نداشت. او در خصوصی سازی مدارس، خصوصی سازی بانک‌ها و نیز درمان نقش اساسی داشت و برخلاف ادعاهای عوام‌فریبانه عدالت خواهانه‌اش به تبعیض‌های ساختاری و ژرفابخشیدن به فاصله طبقاتی دامن زد. در ضمن ۸۰۰ میلیارد پول نفت و چندین دکل نفتی در زمان ریاست جمهوری درخشان او مفقود شدند و هیچ کس هیچ اثری از آنها نیافت و کسی هم پاسخ گو نیست!

چنین به نظر می‌رسد که نظام اقتصادی نئولیبرالی ایران، که از دوره رفسنجانی حاکم گشته، غیرقابل بازگشت و تغییر است و با روند اقتصادی کشور گره خورده است. اساساً اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان در عرصه اقتصاد از یک سیاست پیروی می‌کنند و آن چیزی نیست جز نئولیبرالیسم. زمانی که «روحانی» سکان‌دار سیاست اقتصادی ایران بود، اصول‌گراها در «مشرق نیوز»، ارگان وابسته به سپاه، در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۹۹ نوشتند:

«سیاست تعدیل اقتصادی دارای مولفه‌های تندی همانند سیاست‌های شوک درمانی برای افزایش و واقعی کردن قیمت حامل‌های انرژی، کاهش یکباره ارزش پول ملی در لوای حمایت از صادرات، خروج یکباره دولت از اقتصاد، خصوصی سازی گسترده و واگذاری نهادهای دولتی در پوشش کاهش هزینه دولت و اصلاح و چابک‌سازی دولت است که به نظر می‌رسد تکنوکرات‌ها، در حال اجرایی کردن بند بند این سیاست‌ها هستند.»

اینها «انتقادات» صریح ارگان اصول‌گراها به دولت «روحانی» هستند. حیرت‌انگیز آنکه ما امروز شاهدیم که مجموعه همین سیاست‌های «روحانی» از جانب «ابراهیم رئیسی»، این «نماینده محرومین و فرودستان»!! مو به مو اعلام و اعمال می‌شوند و اصول‌گرایان منتقد «رفسنجانی» و «روحانی» مهر سکوت بر لب زده‌اند. پس می‌بینیم که «رئیسی»، این رئیس «دولت محرومان» همان قدر عوام‌فریب است که «احمدی نژاد» بود. «جراحی اقتصادی» «ابراهیم رئیسی» در واقع همان «تعدیل اقتصادی» اکبر هاشمی رفسنجانی است.

خصوصی سازی، حذف یارانه، آزادسازی قیمت‌ها، شناور



## نئولیبرالیسم مشخصه دولت‌های سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است

تعدیل (ریاضت) اقتصادی و اجرای طرح توسعه نئولیبرالی اساساً در دوره «سردار سازندگی» هاشمی رفسنجانی آغاز شد. او پایه‌گذار اقتصاد نئولیبرالی در ایران بود، که به زیان کارگران و زحمتکشان و حتی بخش عظیمی از اقشار بورژوازی (اقشار متوسط) تمام شد.

خصوصی سازی مؤسسات و نهادهای دولتی؛ پائین نگهداشتن سطح دستمزد؛ افزایش ساعات کار؛ بی‌توجهی به بیمه‌های اجتماعی، رفاهی و درمانی به اختلاف طبقاتی دامن زد. از سوی دیگر جذب سرمایه خارجی و ورود اقتصاد کشور به عرصه جهانی، هدف رفسنجانی بود. نگرش نئولیبرالی، که راه حل چیره‌شدن بر مشکلات اقتصادی کشور را در کوتاه‌کردن نقش دولت در اقتصاد و ادغام اقتصاد ایران را در شبکه سرمایه‌داری جهانی می‌دید، در سرلوحه برنامه رفسنجانی قرار داشت. سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همانند سایر کشورها با اعطاء وام با بهره کلان و نیز دیکته کردن بکار بستن وام نتیجه‌ای جز فربه‌شدن عده معدودی و زیان دیدن اکثریت جامعه به دنبال نداشت. این سیاست همراه با افزایش فروش نفت بعد از جنگ ایران - عراق به افزایش نقدینگی و در نتیجه رشد نرخ تورم ۵۰ درصدی انجامید. اما پس از کاهش ۴۵ درصدی قیمت نفت، اصلاحات و رشد اقتصادی رفسنجانی به بن‌بست رسید. بدهی دولت بالا رفت، قیمت دلار ۴ برابر شد و از ۹۶ تومان به ۴۴۴ تومان افزایش یافت. فراموش نکنیم که این «سردار سازندگی» بود که دستور ورود سپاه به اقتصاد

را «اراذل اجاره‌ای» می‌نامند. کارگران، معلمین و بازنشستگان اعتصابی را به زندان می‌اندازند، و در کمال رذالت و بی‌شرمی می‌نویسند: «اعدام با طناب‌دار در انتظار اراذل اجاره‌ای است». دولت «رئییسی» در عمل با تداوم بخشیدن به سیاست‌های دولت‌های قبلی از جمله چاپ اسکناس بی‌رویه شوک ارزی که نتیجه آن دلار ۳۲۰۰۰ تومانی است در کنار تحریم‌های ضدبشری آمریکا عوامل اصلی افزایش نرخ تورم و گرانی را زنده نگاه داشته است. حراج زمین‌های ساختمانی میان «خودی‌ها» و خصوصی‌سازی کامل مسکن یکی از نتایج مستقیم سیاست نئولیبرالی است که امروز سهم هزینه مسکن - که در برخی کشورها ۳۰ درصد از درآمد مردم است - در ایران بین ۶۰ تا ۷۰ درصد از درآمد ماهانه مردم را می‌بلعد. کار به جایی رسیده که یک خانوار ایرانی برای خرید یک مسکن ۷۵ متری باید ۱۰۰ سال پس‌انداز کند! امروز بسازفروش‌ها با برخورداری از پشتیبانی دولت «رئییسی» «شخرها» را برای تخلیه خانه‌های اجاره‌ای علنا استخدام کرده و برای تخلیه هر خانه اجاره‌ای بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان به آنها «دستمزد» می‌دهند!!

تجربه به ما ثابت کرده است که نظام حاکم - چه اصلاح‌طلب، چه اصول‌گرا تنها راه چاره را «جراحی نئولیبرالیستی» می‌داند که نتیجه‌ای جز گسترش بیکاری و فقر در جامعه و فربه‌تر شدن هر چه بیش‌تر سرمایه‌داران فاسد، رانت‌خور، دزد و غارت‌گر به بار نیآورده و نخواهد آورد.

آزادسازی قیمت‌ها در ایران، به قسمی که همه قیمت‌ها - از جمله محصولات حامل انرژی - به قیمت‌های جهانی برسد ولی دستمزد کارگران و کارمندان در سطح فعلی باقی بماند نتیجه مستقیم سیاست نئولیبرالی حاکم بر کشور ماست. به یک کلام ادامه چنین وضعی تنها می‌تواند افزایش فاصله طبقاتی و تعمیق دره فقر و ثروت را تداوم بخشد.

مادام که در بر این پاشنه می‌گردد، پیوستن ایران به «بریکس»، جاده ابریشم و گرایش به شرق هم دردی از مردم محروم ستم‌دیده ما دوا نخواهد کرد.

در بحبوحه اعمال سیاست‌های نئولیبرالی، در بحبوحه تورم، گرانی و بیکاری بی‌سابقه، در بحبوحه افزایش بی‌حد و مرز قیمت و اجاره مسکن... دولت «رئییسی» به عوض اینکه چاره‌ای برای معضلات بی‌شمار جامعه بیابد، موج شدید برخورد با زنان «بدحجاب» را به راه انداخته است، تا افکار مردم را منحرف سازد و سیاست‌های اقتصادی ضد مردمی خود را به پیش برد. دستور برخورد با «بدحجابی» در وسایل نقلیه عمومی، عدم ارائه خدمات در ادارات و بانک‌ها به زنان «بدحجاب» و بگیر و ببندهای آنان در خیابان‌ها توسط ماموران «ستاد امر به معروف و نهی از منکر» همه و همه قصدی جز زهر چشم گرفتن از زنان دلاور و منحرف کردن افکار از معضلات واقعی و مبارزات مردم ندارد. ●

کردن ارزشها (شوک ارزی)، کاهش دستمزدها، حذف حتی الامکان بیمه‌های اجتماعی و به یک کلام اجرای فرامین بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول ...

رهاسازی قیمت، یا روش شوک درمانی، که شاگردان «فریدمن»، موسوم به «جوانان شیکاگو» در شیلی، بعد از کودتای پینوشه اجرا کردند و یا بعد از فروپاشی شوروی توسط «بگورگایدار»، نخست وزیر «یلتسین» به اجرا درآمد، فرق چندانی با سیاست «ابراهیم رئیسی» و اسلاف‌اش ندارد. تنها با این فرق که در ایران مفسدین، دزدان و غارتگران بیش‌تری سر دیزی حاضرند!

«رئییسی» در جلسه‌ای، که به مناسبت روز صنعت و معدن در تهران برگزار شد، علنا به تعریف و تمجید مولفه‌های اساسی نئولیبرالی پرداخت و (به دستور ساکنین اطاق بازرگانی) خواهان اجرای آنها شد. او آزادسازی قیمت‌ها را - که همان روش شوک درمانی ۵۰ ساله نئولیبرالی است - مدت‌هاست که به اجرا گذارده است. او علنا و آشکار در آن جلسه بیان می‌دارد که: «دولت باید تصدی‌گری‌های خود را در اقتصاد رها کند...» و خواستار «لاغر کردن دولت» می‌شود.

«رئییسی» همانند اسلاف خود تکرار کرد که «میدان فعالیت باید به بخش خصوصی واگذار شود». «جلوگیری از فربه شدن دولت... خصوصی‌سازی، کاهش تصدی‌گری دولت، لاغر کردن دولت، رهاسازی نقش دولت و...»، که امروز «رئییسی» در جلسه مذکور بیان می‌دارد، نشخوار خزعبلات سردمداران و مجریان سیاست نئولیبرالی ۷۰ سال پیش «ریگان» در آمریکا و «تاچر» در انگلستان است. به بیان دیگر او نیز مجری فرامین سازمان‌های سه گانه تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی گشته و در مقابل آنها زانو زده است.

چنین به نظر می‌رسد که «رئییسی»، تنها برای ارضای خاطر مستمعین خود در جلسه صنعت و معدن به تشریح خط اقتصادی دولت‌اش نپرداخته، بلکه پیامی است که او برای غرب نیز می‌فرستد، که این خود جای بسی شگفتی دارد. چگونه می‌توان از سوتی با پذیرفتن دعوت «بریکس» به ظاهر با اتخاذ سیاست گرایش به شرق و نظام چندقطبی در جهان، در جلسه «بریکس» حضور یافت و از محسنات آن سخن راند، ولی در عمل در پیشگاه صاحبان غرب‌گرایی صنعت و معدن کشور کمر خم کرد؟!

همین دولت «رئییسی»، که واژه «جراحی اقتصادی» را جایگزین «تعدیل اقتصادی» رفسنجانی و شرکاء کرد، هنگامیکه با همان شیوه استدلال به آرد و نان، این آذوقه اصلی اکثریت مردم، به ویژه محرومین، یورش برد و با حذف یارانه آرد، نان را گران کرد، از طرف رسانه‌های اصول‌گرا نظیر «سازندگی»، «دولت رایین‌هود» لقب گرفت!! همه می‌دانند که «رایین‌هود» بنابر افسانه‌های انگلیسی از ثروتمندان سرق می‌کرد و به فقرا می‌داد. اما همین «دولت رایین‌هود» و یادی‌اش معترضین فقیر

کنار رفقا «قاسمی» و «فروتن» قرار گرفت. رفیق «امیرخیزی»، عضو قدیمی «حزب کمونیست ایران» و «حزب توده ایران» نیز در طی نامه‌ای پیوستن خویش را به «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» اعلام کرد و به طرد رویزیونیست‌های حزب توده ایران پرداخت. پیدایش حزب کار ایران (توفان) با بیان مختصر در خطوط کلی محصول این شرایط تاریخی بود.

حزب کار ایران (توفان) معتقد است که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر فصل نوینی در تاریخ بشریت آفرید. بلشویک‌های قهرمان شوروی تحت رهبری حزب کبیر کمونیست شوروی و رفیق لنین در پی آن برآمدند که دنیائی بسازند که تا به آن روز بشریت نظیر آن را به خود ندیده بود و تصور آنرا در مخیله خود نداشت؛ دنیائی بدون استثمار؛ دنیائی متکی بر دیکتاتوری بر ضد ستمگران و دموکراسی وسیع برای اکثریت شکننده خلق. در شوروی بزرگ‌ترین دموکراسی تاریخ بشریت مستقر شد؛ در شوروی ساختمان سوسیالیسم برای نخستین بار تحت رهبری معمار سترگ سوسیالیسم، رفیق استالین برپا شد. حزب ما از سی سال دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی دفاع می‌کند و دستاوردهای این دوران تاریخی را الهام‌بخش مبارزه مردم و طبقه کارگر جهان برای پیروزی مجدد سوسیالیسم می‌داند. حزب ما پیرو ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم است و بویژه بر «لنینیسم»، که مارکسیسم دوران زوال امپریالیسم و انقلابات پرولتاریایی بوده و صحت‌اش در عمل به ثبوت رسیده است، تکیه می‌کند.

حزب ما ارزیابی تاریخی از دست‌آوردهای دوران رفیق استالین و دفاع از لنینیسم را ملاک تشخیص کمونیست‌ها از غیر کمونیست‌ها می‌داند. حزب ما در پی آن است که در ایران یک حکومت سوسیالیستی مستقر سازد که از منافع طبقه کارگر ایران و جهان حمایت کند. حزب ما تشکیلاتی کمونیستی، ضد سرمایه‌داری، ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی است. حزب ما خواهان سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با دست پُر توان کارگران و زحمتکشان ایران برای استقرار سوسیالیسم است.

جهت مطالعه در مورد تاریخچه مختصر حزب کار ایران (توفان) لطفاً به لینک زیر رجوع کنید.

<http://20tarikh%20va%Barnameh/org.toufan//:http.htm.20kar%20hez%20tarikhche>



## پنجاه و پنجمین سالگرد

## پایه‌گذاری تشکیلات توفان بر طبقه

## کارگر و تمامی کمونیست‌ها و

## انقلابیون ایران مبارک باد!

پنجاه و پنج سال پیش در ۲۵ تیر ۱۳۴۶ برابر با ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۷ «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» قدم به عرصه وجود نهاد. در ترازنامه فعالیت یکساله سازمان در مرداد ۱۳۴۷ چنین آمده است:

«سازمان ما پرچم پر افتخار مارکسیسم - لنینیسم، پرچم پُرافتخار انقلاب ایران را که رویزیونیست‌های ایرانی به دور افکنده‌اند، از نو برافراشت و هم اکنون این پرچم یگانه مرکز تجمع وفاداران به جهان‌بینی و آرمان‌های طبقه کارگر ایران است. خط مشی و جهان‌بینی ما ضامن پیشرفت‌های آینده ماست. پیشرفت‌های سازمان همچنین مدیون علاقه‌مندی، صمیمیت و پشتکاری است که رفقای سازمان از خود نشان داده‌اند. صمیمیت و معاضدت رفقا عامل بزرگی در پیشرفت کار سازمان است. صمیمیت نشانه وحدت است و وحدت سرچشمه موفقیت. بکوشیم تا وحدت خود را حفظ کنیم و پیوسته استحکام بخشیم. با هرگونه عامل تشتت و تفرقه با شیوه‌های سازمانی به مبارزه برخیزیم».

حزب کار ایران (توفان) ادامه دهنده «حزب کمونیست ایران»، «حزب توده ایران» است تا زمانی که خط مشی رویزیونیستی و ضد کمونیستی «خروشچف» را نپذیرفته بود. بنیان‌گذاران «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» رفقا «احمد قاسمی»، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئول ماهنامه مردم و «دکتر غلامحسین فروتن»، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئول مجله تئوریک دنیا بودند. در کنار این رفقا، رفیق «عباس سغائی»، عضو رهبری سازمان افسری حزب توده ایران به مخالفت با رویزیونیسم خروشچف پرداخت و حاضر به قبول خط مشی ضدانقلابی رویزیونیست‌ها نگردید و در

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



## مبارزه تدافعی کارگران برای دریافت حقوق معوقه

اعتصابات و اعتراضات کارگران ادامه دارد و فزونی هم گرفته، اما عمده اعتراضات معطوف به گذشته است؛ دستمزدهای پرداخت نشده، طرح طبقه‌بندی اجرا نشده و حقوق نادیده گرفته شده. در غیاب تشکل‌های نیرومند مستقل کارگری، کارفرمایان و دولت دست در دست هم کارگران را از حقوقشان محروم کرده‌اند.

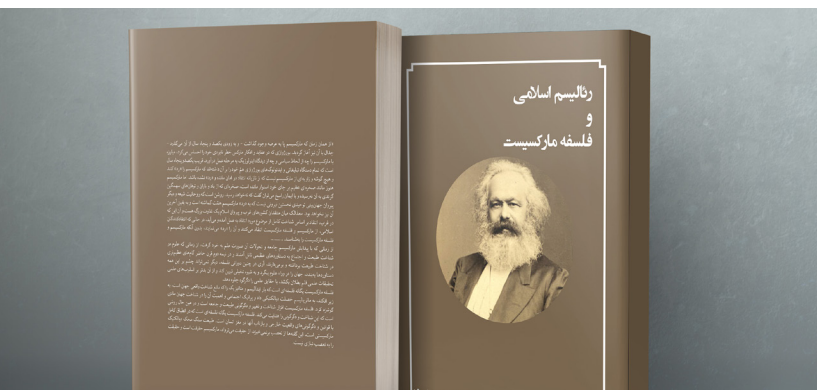
کارگران در ایران برای دست‌یابی به ابتدایی‌ترین حقوقشان باید در میدانی نابرابر مبارزه کنند. در نبود نظارت بر بازار کار، کارفرمایان بخش خصوصی و پیمانکاران به اشکال مختلف همین قانون کار فعلی خودشان را هم زیر پا می‌گذارند. سال‌هاست که معوقات مزدی و عدم پرداخت حق بیمه و سنوات به مسایل عادی بازار کار در ایران بدل شده‌اند و بخشی از روند معمول شرکت‌ها و کارگاه‌ها به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، معوقات مزدی، دیرپرداخت کردن حقوق و عیدی، پرداخت علی‌الحساب و غیره بخشی از «فرهنگ کار» در ایران شده است. نتولیرالیسم دمار از روزگار کارگران درآورده و فرقی نمی‌کند اصلاح طلب بر مسند قدرت باشد، یا اصول‌گرا!

پاسخ این پرسش که چرا کارگرانی که ماه‌ها حقوقی دریافت نمی‌کنند، باز هم به کار کردن در همان وضعیت ادامه می‌دهند، در وضعیت کلی بازار کار ایران نهفته است و نشان‌دهنده کم و کیف استثمار بی‌رحمانه‌ای است که بر بازار کار ایران مسلط شده است: بازرسان اداره کار نظارتی بر

پرداخت منظم دستمزدها و حق بیمه و عیدی و سنوات ندارند و چشم بر تخلفات کارفرمایان در بازار کار می‌بندند، دولت دهه‌هاست که اجازه تشکیل سندیکاها را مستقل کارگری را نمی‌دهد، دولت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کارفرما در بازار کار ایران است، بیکاری مسئله همیشگی بازار کار ایران بوده است و... این مسائل در طول چند دهه و در دولت‌ها مختلف تکرار شده‌اند و در کنار هم وضعیتی را ساخته‌اند که پاسخ پرسش فوق در بطن آن نهفته است.

کارگران راهی جز تشکل و آگاهی ندارند و در شرایط کنونی بهترین ابزار برای ادامه مبارزه و به‌عقب‌راندن کارفرما، تشکیل سندیکای مستقل و تحمیل آن بر دولت و کارفرمایان است. سختی کار نباید کارگران پیشرو را مایوس کند و با طرح شعارهای زودرس از مسیر مبارزه منطقی خارج شوند. عدم وجود سندیکاها مستقل و تدافعی بودن ماهیت مبارزه، توازن قوای طبقاتی اینها همه باید برای طرح مطالبات و سبک مبارزه و عبور از شرایط کنونی مورد توجه قرار گیرند تا پیروزی را گام به گام به دست آورد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است!



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتنی با ما تماس حاصل فرمائید

اینکه قیمت غلات تنزل نکند، قبلا آنها را به سرمایه‌دار می‌فروشد و سرمایه‌داران نیز روی قیمت بالاتر شرط‌بندی می‌کنند و به این ترتیب قیمت غله به طور مصنوعی و به صورت نجومی افزایش پیدا می‌کند. اگر در سال ۱۹۹۶ تنها ۱۰٪ از محصول گندم در چنگال بورس‌بازان بود، امروز ۷۲٪ آن در اختیار این غارت‌گران است. امری که سال به سال بر تعداد گرسنگان جهان می‌افزاید و آنها را روز به روز بیش‌تر به مرگ تهدید می‌کند. هم‌اکنون قیمت گندم در جهان ۵۰ تا ۱۰۰٪ گران‌تر شده است. و این در حالی است که کمبود غله در بازارهای جهانی مشاهده نمی‌شود. طبق نظر کارشناسان در حال حاضر حداکثر کمبود غله ۲٪ می‌باشد که نوسانی بسیار عادی به نظر می‌رسد. این در حالی است که در شرق آفریقا خشک‌سالی بی‌داد می‌کند. تنها در این منطقه از جهان ۱۷ میلیون نفر به علت گرسنگی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. قیمت گندم و سایر مواد غذایی در این بخش از آفریقا (سومالی) دو برابر شده است و مردم قادر به سیر کردن شکم کودکان خود نیستند. ۸۰٪ از درآمد مردم را غذای بخور و نمیر می‌بلعد. «ماتیاس وولف شمیدت» Matthias Wolfschmidt نماینده سازمان نگرهان غذا Food Watch به خبرنگار مذکور می‌گوید: «کمبود غله در بازار مصنوعی و ساخته و پرداخته سرمایه‌داران است». به این ترتیب سرمایه‌داران کلان، بانک‌ها و فوندها مسئولان اصلی افزایش قیمت غله در سطح جهان‌اند و نه روسیه. پروفیسور الیور شوتر Oliver Schutter از سازمان Pes Food می‌گوید: «آنچه از دید رسانه‌ها فرو می‌ماند، نقش سرمایه‌گذاران و بورس‌بازانی است که با قیمت گندم قمار می‌کنند. برای نمونه در سال ۲۰۱۹، ۷ بار بیش از محصول برداشت شده معامله انجام گرفته است». آنها با تحریک مصنوعی بازار از طریق شرط‌بندی، قیمت غلات را افزایش می‌دهند و در نتیجه میلیون‌ها دلار سود برده و در مقابل شکم میلیون‌ها انسان را گرسنه نگه می‌دارند. گرسنه نگه‌داشتن ۸۵۰ میلیون انسان در جهان به خاطر حرص و ولع سرمایه‌داران عین حقوق بشر و دموکراسی است!! از جمله بانک‌هایی که در این تجارت کثیف و ضدبشری سهیم هستند، دوپچه بانک آلمان و شعبه وابسته به آن DWS می‌باشند. جالب اینجاست که کمیسیون پارلمان اروپا قراردادهای خرید و فروش غله در بازارهای بورس را به بهانه «تضمین فروش کشاورزان» قانونی اعلام کرده است! مادام که دولت‌ها، این نمایندگان خدایان سرمایه، افسار سرمایه را رها کرده و خود نقش تماشاگر را ایفا می‌کنند انسان‌های فرو دست به دلیل کمبود مواد غذایی برای خود و فرزندان‌شان یا معلول می‌مانند و یا از بین می‌روند. و این جنایت‌نگین و ضدبشری در حالی رخ می‌دهد که طبق آمار ارائه شده از سازمان Food Watch «گندم به اندازه کافی برای تغذیه جمعیت کره زمین وجود دارد»، ولی تا زمانی که سرمایه‌داران طماع با شرط‌بندی و تحریک بازار، قیمت غله را به قیمت جان انسان‌ها رو به صعود سوق می‌دهند، در بر همین پاشنه خواهد چرخید.



## چرا قیمت غلات در جهان سر به فلک می‌کشد؟

قیمت غلات، به ویژه گندم، در سطح جهان آنچنان افزایش یافته است که در بسیاری از کشورهای فقیرتر جهان، بخصوص در آفریقا، مردم قادر به تهیه نان خالی هم نیستند. از بیش از دو دهه پیش سران کشورهای سرمایه‌داری قدرتمند، همه ساله به جهانیان قول کاهش تعداد گرسنگان را دادند. حتی در سال ۲۰۰۵ آنها متفقا تصویب کردند که تا سال ۲۰۱۵ پنجاه درصد از تعداد گرسنگان جهان خواهند کاست. اگر در سال ۲۰۱۵ آمار انسان‌هایی را که در چنگال گرسنگی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردند، ۷۹۵ میلیون نفر بود، امروز پس گذشت ۷ سال این تعداد نه تنها نصف نشده، بلکه ۵۵ میلیون نیز بر آن افزوده گشته و به رقم ۸۵۰ میلیون نفر رسیده است! البته رسانه‌های دروغ‌گوی غربی در ماه‌های اخیر می‌کوشند که گناه این فاجعه انسانی را به گردن «جنگی که روسیه در اوکراین به راه‌انداخته است» بیاندازند! بگذریم از اینکه تحریم روسیه دلیل عدم ارسال غله از این کشور است. مضافاً اینکه پس از توافق روسیه با اوکراین از ۲۲/۷/۱۶ میلیون‌ها تن غله از از سواحل اوکراین روانه اروپای غربی شده است. مشکل اصلی اما از جای دیگری آب می‌خورد. مشکل اصلی ریشه در سرمایه‌داری وحشی جهانی دارد. مشکل اصلی افزایش قیمت غله در جهان را سرمایه‌داران هار با شرط‌بندی بر سر قیمت آن در بازار بورس می‌آفرینند. برای نمونه یک سرمایه‌دار آلمانی بنام Andreas Wolters که روی ۴۲۰۰ هکتار زمین در اوکراین گندم می‌کارد، به خبرنگار Plus Minus برنامه ۱ تلویزیون آلمان می‌گوید: «در حال حاضر ۲۰۰۰ تن گندم را انبار کرده» و اضافه می‌کند که «در اوکراین هر یک تن ۲۰۰ دلار قیمت دارد در صورتی که در بازار جهان ۴۰۰ دلار معامله می‌شود». یک کشاورز آلمانی (از مونیخ) به نام Anton stürze به خبرنگار مذکور می‌گوید: «من شاهد بوده‌ام که سرمایه‌داران روی قیمت غلات برای فصل بعد شرط‌بندی می‌کنند». قاعده چنین است که کشاورزان برای

ساختمانی، که نرخ پوشش بیمه آن‌ها را افزایش می‌دهد، نزدیک به یکسال است که در مجلس شورای اسلامی معلق مانده است.

### بازهم یک معدنکار جانش را از دست داد

یک تن دیگر از کارگران فوت شده، بنابر گزارش خبرگزاری فارس، یک معدنکار در آمل بود. هویت این کارگر تا به حال فاش نشده است، اما علت این حادثه، که در یک معدن رخ داد، «ریزش سنگ» اعلام شد.

مرکز فوریت‌های پزشکی مازندران گفته که این کارگر در حین انجام کار دچار حادثه شد و جانش را از دست داد.

کارگران معدن نیز از جمله گروه‌ها با نرخ حادثه کاری منجر به مرگ بالا هستند. ناامنی معادن و عدم نظارت مستمر بازرسان از معدن‌هایی که اغلب به بخش خصوصی واگذار شده، از اصلی‌ترین دلایل حادثه‌های کاری در معادن هستند.

۱۴ تیر امسال رسانه‌های ایران «مرگ دلخراش» یک کارگر ۱۸ ساله را در یکی از معادن سنگ «محلات» گزارش کردند. در ۱۰ خرداد نیز یک کارگر معدن زغال سنگ طبس بر اثر ریزش دیوار جانش را از دست داد.

### مصدومیت یک کارگر شهرداری

چهارمین حادثه کاری که به مصدومیت یک کارگر منتهی شد، سه شنبه ۲۱ تیر در ایلام رخ داد. «رکنا» که اخبار «حوادث» را به صورت ویژه پوشش می‌دهد، به نقل از سرپرست جمعیت هلال احمر ایلام نوشت: «بر اثر برخورد یک دستگاه خودرو سواری با کارگر شهرداری ۴۴ ساله حین کار در شهرستان دره شهر به داخل سیل بند سقوط کرده بود».

### کارگران بخش عمومی نیز از جمله گروه‌هایی با نرخ حادثه کاری بالا هستند.

جان باختن دست کم ۹ کارگر این بخش در سه ماه نخست سال ۱۴۰۱ ثبت شده است. در همین دوره دست کم ۱۲ کارگر بخش خدمات عمومی مصدوم شدند.

بنابر اعلام وزارت کار سالانه بیش از ۷۰۰ کارگر بر اثر حوادث کار جانانشان را از دست می‌دهند. شمار کارگران جان‌باخته از آمارهای رسمی، که تنها کارگران دارای قرارداد و گزارش شده به مراجع قانونی را شامل می‌شود، بیش‌تر برآورد می‌شود.

طبق معاون وزیر کار سالانه ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار در ایران رخ می‌دهد که ۷۰۰ تا ۸۰۰ مورد آن به فوت منجر می‌شود».

به گزارش ایسنا «حادثه شغلی یا حادثه ناشی از کار، به حادثه‌ای گفته می‌شود که حین انجام وظیفه شغلی یا مرتبط با آن در داخل یا خارج از محل فعالیت رخ داده و جراحت، بیماری، صدمه یا فوت از جمله پیامدهای آن به شمار می‌رود».

فقدان سندی‌های مستقل و عدم نظارت بر وضعیت ایمنی و شرایط کار، بویژه در بخش خصوصی، قراردادهای موقت و نبود بیمه‌های اجتماعی مهم‌ترین دلایل افزایش مرگ و میر و مصدومیت در حوادث کاری هستند.

جان کارگر برای سرمایه‌داری ارزشی ندارد آنچه مهم است نیروی کار ارزان و کاهش هزینه‌های کار برای کسب حداکثر سود است و جز این نیست! •



## سالانه بیش از هزار کارگر در ایران بر اثر حوادث کاری جان می‌دهند

ایران یکی از حادثه‌خیزترین نقاط برای کارگران است. سالانه بیش از هزار کارگر بر اثر حوادث کاری جان می‌دهند.

بنابر گزارش رسانه‌های داخلی ایران، در یک سانحه حین کار، که در مهاباد رخ داد، یک کارگر جوشکار و راننده تانکر حامل سوخت جان‌شان را از دست دادند. مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مهاباد گفت که: این حادثه شامگاه دوشنبه ۲۰ تیر رخ داد. او بدون توضیح در باره جزئیات حادثه «بی‌احتیاطی» راننده تانکر و جوشکار را علت این حادثه عنوان کرد و گفت: «بی‌احتیاطی موجب تبخیر سوخت داخل تانکر سوخت و منجر به انفجار شد».

هویت جان‌باختگان این حادثه اعلام نشده است. کارگاه‌های کوچک در ایران براساس قانون کار، مشمول قوانین کار و تأمین اجتماعی نمی‌شوند و نظارت دقیقی بر وضعیت ایمنی و شرایط کار در این بخش نمی‌شود. در بهار امسال مرگ دستکم ۳۱ کارگر کارگاه‌های کوچک ثبت شد و ۱۵ کارگر این بخش نیز مصدوم شدند.

### سقوط از بلندی جان یک کارگر ساختمانی دیگر را گرفت

در همین روز، یعنی ۲۰ تیر، یک کارگر ساختمانی هم در تهران از یک برج نیمه کاره سقوط کرد و جانش را از دست داد.

رسانه‌های داخلی ایران به نقل از مرکز فوریت‌های پلیسی علت حادثه را «نامشخص» گزارش کردند و نوشتند: «بازپرس پرونده با توجه به مشکوک بودن مرگ کارگر ۲۱ ساله دستور تحقیقات را صادر کرد».

کارگران ساختمانی بالاترین نرخ حوادث کاری و مرگ بر اثر حوادث کاری را دارند. بنابر اعلام مقام‌های دولتی و صنفی حدود نیمی از حوادث کاری منجر به مرگ در بخش ساختمان رخ می‌دهد. در بهار امسال مرگ حداقل ۴۸ کارگر ساختمانی در رسانه‌های داخلی ایران گزارش شد و ۲۴ کارگر نیز مصدوم شدند. آمار واقعی حوادث کاری در بخش ساختمان حداقل دو برابر آنچه که در رسانه‌ها گزارش می‌آید، برآورد می‌شود.

بیش‌تر کارگران ساختمانی بدون قرارداد و بیمه تأمین اجتماعی به صورت روزمزد مشغول کار هستند و اصلاح قانون بیمه کارگران



## گزارشی از یک تفریح ساده در خیابان‌های بالای شهر در نظام سرمایه‌داری ایران

پاساژگردی لاکچری‌ها؛ ۲۰۰ میلیون تومان ناقابل از عطر ۲۲  
میلیونی تا عینک ۸۹ میلیونی

«زندگی لاکچری؛ سبک و سیاقی که طرفداران خاص خود را دارد و خیلی‌ها در رویای این شیوه زندگی‌اند. خیابان الهیه و مال‌های شیک و سر به فلک کشیده‌اش پاتوق اکثر لاکچری‌بازان است، از سانستر، که همان ابتدای خیابان واقع شده گرفته تا برلیان‌مال و کوین‌سنتر؛ مجموعه‌هایی که وقتی واردشان می‌شویم در و دیوار براق و دکوراسیون خیره‌کننده‌شان هوش از سر می‌پراند. به محض ورود، سر اندر پایمان زیر ذره‌بین نگاه نگهبان مجتمع برانداز می‌شود. اخمی درهم می‌کشد و چپ‌چپ نگاه می‌کند. انگار کاملاً مشخص است اهل خرید از این مرکز نیستیم! کمی جلوتر می‌رویم. اغلب ویتترین‌ها تنها با یک یا نهایتاً دو دست لباس دکوربندی شده است. وقتی قصد ورود به یکی از این مزون‌های لباس زنانه را داریم با درب قفل روبه‌رو می‌شویم. داخل مغازه روی مبل قرمز رنگی، بانویی مشغول خواندن روزنامه است و با تکان دادن دست از پذیرشمان عذرخواهی می‌کند. تکرار این رفتار از سوی صاحبان یکی دو مغازه دیگر ما را برآن می‌دارد تا از نگرانی درباره این رفتار سؤال کنیم. پاسخ این است: «مشتریان این فروشگاه‌ها شناخته‌شده و از چهره‌های مشهورند، درب

مغازه را به روی همه باز نمی‌کنند!»  
باورش کمی سخت است، اما حقیقت دارد. راهی مجتمع تجاری دیگری در میانه خیابان الهیه می‌شویم. شکوه معماری این مجموعه هم آدم را اسیر می‌کند. همین‌طور که محو تماشای ویتترین فروشگاه‌ها هستیم، صحبت چند جوان کم‌سن و سال درباره قیمت عطرها یک فروشگاه توجه‌مان را جلب می‌کند. به راحتی می‌شود فهمید که تنها مسئله بی‌اهمیت برای آنها قیمت میلیونی عطرها مغازه است. سن و سالی ندارند، اما مبلغی که قرار است بابت یک شیشه عطر اریجینال بپردازند، به اندازه سه ماه حقوق یک کارمند ساده است. از سر کنجکاوی وقتی داخل مغازه می‌شوند همراه‌شان می‌شویم. عطری که انتخاب کرده «کلایو کریستین نابل کالکشن هفت کوین‌انی راک رز» است. قیمت: حدوداً ۱۷ میلیون تومان و در فروش پرتخفیف فروشگاه ۱۶ میلیون و ۱۹۷ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت خورده است! پسرک با هیجان به دوستانش می‌گوید: «مفت است» و با تکرار این جمله مالک مغازه را از تصمیم‌اش برای خرید مطمئن‌تر می‌کند. فروشنده با لبخند تعارف می‌زند و شروع می‌کند به معرفی برندهای خوب از عطرهایی که دارد. البته در میان این پرزنت عطرها اشاره‌ای هم به قیمت آنها می‌کند و می‌گوید: پیشنهاد می‌کنم کلایو کریستین اورجینال کالکشن نو وان را امتحان کنید. مطمئن باشید تجربه متفاوتی خواهد بود. قیمت را می‌پرسیم. می‌گوید ۲۲ میلیون و ۸۷ هزار و ۵۰۰ تومان. طوری این اعداد و ارقام را با بی‌ربطی اعلام می‌کند که حتی اگر به ریال هم می‌گفت، خریدش برای هر کسی ممکن نبود.

### برندپوشی شرط پذیرش

خرید پسرک‌ها تمام می‌شود. همراه‌شان از مغازه خارج می‌شویم. به درخواست‌مان برای گفت‌وگویی کوتاه پاسخ مثبت می‌دهند. نامش کامران است. می‌گوید ۱۸ ساله است و از وقتی چشم باز کرده وسط یک زندگی لوکس و راحت بوده است و اغلب خریدهایش را در سفرهای خارجی انجام می‌دهد. او می‌گوید: «در طبقات مرفه جامعه، زندگی برندی، یک سبک زندگی است. شما نمی‌توانید در جمعی حاضر شوید که مارک کوچک‌ترین وسیله شخصی‌تان زیر ذره‌بین است، آن وقت خرید وسایل برند در اولویت زندگی‌تان نباشد. اصلاً این شیوه را قبول هم نداشته باشید، مجبور به رعایت‌اش هستید و گرنه پذیرفته نمی‌شوید!»  
البته او این سبک زندگی را سبکی پرطرفدار در دنیا می‌داند: «شاید باورتان نشود، اما پوشش برند، لازمه یک زندگی



## کسی دغدغه قیمت ندارد

به یکی دیگر از مجتمع‌های تجاری می‌رویم، در محله محمودیه، خیابان مقدس اردبیلی. اینجا هم یکی از پاتوق‌های خرید برای عاشقان برندهای خارجی است. از مانتهای برند ۴ تا ۷ میلیون تومانی گرفته تا روسری‌های دو - سه میلیون تومانی! در خیلی از مغازه‌های این مجموعه هم فقط به روی مشتریان خاص خودشان باز می‌شود. در کنار تمام فروشگاه‌های لوکس فروشی فعالیت فروشگاه‌های مواد غذایی لوکس هم در این میان خیره‌کننده است. نان فانتزی که این روزها افزایش قیمتش در محله‌های پایین شهر به دغدغه‌ای برای مردم تبدیل شده است، سال‌های سال در این فروشگاه‌ها با قیمت‌های بالا به فروش می‌رسد. از گوشت بره تازه تا گوشت آهو هم در قسمت پروتئین‌فروشی آن دیده می‌شود. اکثر محصولات وارداتی و خارجی و قیمت درج شده روی آن اهمیتی برای خریداران ندارد.

زندگی لاکچری آدم‌هایی که در عصرهای بهاری برای پر کردن اوقات فراغت سری به این پاساژها می‌زنند، فارغ از دغدغه قیمت‌هاست. شاید مهم‌ترین دغدغه‌شان اصل بودن برندهایی است که بهایی گزاف بابت‌شان به فروشندها پرداخت می‌کنند و آبرویی که ممکن است از بابت فیک بودن آنچه همراه دارند در مهمانی‌های پر زرق و برق‌شان برود. این زندگی بدون برند هیچ لذتی برای مردمش ندارد! از آخرین مجتمع تجاری که بیرون می‌زنیم دیگر خبری از روشنایی روز نیست، اما خیابان پر از نور چراغ ماشین‌های گران‌قیمتی است که گویا هر شب محلی برای جولان و دوردور لاکچری‌بازهاست. صدای سرعت گرفتن خودروها گاه چنان در فضای خیابان می‌پیچد که رشته افکارت را می‌برد در حالی که مشغول قیاس زندگی آدم‌ها زیر سقف یک آسمان در این شهر هستی.

گزارش از ایران «فاطمه عسگری نیا»، همشهری آنلاین».

لاکچری است و جزئی از زندگی ما محسوب می‌شود». سفارش اجناس یونیک از سوی مشتریان

همین‌طور که مشغول گپ‌وگفت هستیم، جلو یک مغازه عینک‌فروشی می‌ایستد و می‌گوید: «باورتان می‌شود این مغازه اجناس یونیک‌ی دارد که قیمت‌هایشان برای خیلی از مردم عادی جامعه نجومی است، اما برای پولدارها یک قیمت عادی و معمولی؟» برای نمونه، عینکی مردانه از برند چوب قیمت می‌کند، ۲۲ میلیون و ۲۶۰ هزار تومان! فروشنده وقتی نگاه متحیر ما را بر عینک می‌بیند، از ویتترین، عینک آفتابی برند «چوپارد» اصلی را معرفی می‌کند به قیمت ۲۱ میلیون و ۲۸۰ هزار تومان. عینک‌های ورساچه، دایتا و پرادا هم که در این فروشگاه طرفداران زیادی دارد.

## پاساژگردی ۲۰۰ میلیون تومانی!

قیمت‌هایشان حسابی بالاست. فروشنده در پاسخ به این سؤال که واقعاً عینک‌هایتان با این قیمت مشتری هم دارد، خنده سر می‌دهد. سپس از میان عینک‌هایی که در ویتترین دارد، عینکی با قاب طلایی بیرون می‌آورد و می‌گوید این عینک یونیک به قیمت ۹۸ میلیون تومان به سفارش یکی از مشتریان از کشور ایتالیا وارد شده است. با لبخندی غرورآمیز می‌گوید: «گاهی یک دور زدن ساده جوان‌ها در این پاساژها برایشان حدود ۲۰۰ میلیون تومان آب می‌خورد و کک کسی هم نمی‌گزد، چون این سبک زندگی آنهاست!»

## زندگی لاکچری پیر و جوان ندارد

حرفش پرپی‌راه نیست. طرفداران کالاهای لوکس را فقط جوان‌های بالای شهر تشکیل نمی‌دهند، حتی پدر و مادرهایشان هم پیرو این سبک زندگی هستند. این را می‌شود از خرید لوازم خانگی برند فهمید. وارد فروشگاه صنایع‌دستی می‌شویم. مشتریانش کم نیستند و همین هم فروشنده را حسابی سرکیف آورده است و می‌گوید: «تمام اجناسی که در مغازه است به سفارش مشتریان تهیه شده است. در حال بسته‌بندی گلدانی کوچک از جنس نقره است. قیمتش را ۸ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان اعلام می‌کند و می‌گوید یکی از مشتریانم تمامی دکوراسیون منزل جدیدش را از نقره تهیه کرده است. باورتان نمی‌شود رقمی که هزینه کرده است حدود ۴ میلیارد تومان است». شگفت‌آورتر اینکه می‌گوید خیلی از مشتریان گاه سالانه چنین هزینه‌هایی بابت دکور زندگی‌شان می‌کنند.

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

## تبعیض و بی عدالتی در پرداخت حقوق

فاجعه: نود و نه درصد از معلمان کشور زیر خط فقر هستند.

بیش از سی سال تلاش کردیم تا شاید بتوان دولت‌ها و مجلسیان را متوجه بی‌عدالتی‌ها و تبعیضات آشکارا و غالباً قانونی کنیم. بر اساس ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، افزایش سالانه حقوق باید متناسب با نرخ تورم باشد اما سال‌هاست که دولت‌ها به پشتیبانی مجلس‌ها، تمرداً از اجرای این قانون شانه خالی کرده‌اند. در سال ۱۴۰۱ حقوق‌ها ۱۰ درصد افزایش داشت در حالی که تورم موثر در زندگی مردم طی یکسال اخیر، قطعاً از ۱۰۰ درصد بیش‌تر بود. دولت‌ها در نادیده گرفتن معیشت و منزلت حقوق‌بگیران، روحیه‌ای تقریباً یکسان داشته‌اند، هم اصلاح‌طلبان و هم اصول‌گرایان، در نادیده گرفتن اعتراضات مردم به معیشت خود، همیشه ناشنوا بوده و فقط شعاردرمانی و وعده درمانی را پیشه خود کرده‌اند.

### ما گذشتیم و گذشت آنچه تو با ما کردی تو بمان و دگران، وای به حال دگران

فشارهای معیشتی در حال عبور از مرحله غیرقابل تحمل است، از ما گذشت اما وقت آن رسیده که این مشکلات دقیقاً ریشه‌یابی شده و هرچه سریع‌تر برای حل آن چاره‌ای اندیشیده شود، البته ناگفته پیداست که حل مشکلات جامعه از عهده این سیستم بیمار و معیوب خارج است، فرقی هم ندارد که مجلس و دولت در اختیار چه کسانی باشد، نتیجه کار همیشه برای مردم یکسان بوده است.

وقتی طبق اعلام بانک مرکزی خط فقر برای یک خانواده متوسط در کشور، بیش از ۱۱.۵ میلیون تومان است، چگونه مجلس و دولت می‌پذیرند که حقوق دریافتی یک نفر شاغل در کشور، از خط فقر مطلق هم کم‌تر باشد؟ این موضوع تاییدی آشکار برای فقر مردم توسط دولت و مجلس است. مشکلات امروزه معلمان تازه استخدام شده، همان مشکلاتی است که ما، سی سال پیش در زمان استخدام داشتیم. شوربخانه، نمایندگان مجلس همواره از تبعیضات در بستر قانون حمایت کرده‌اند و هرگز برای چالش‌های معیشتی مردم چاره‌جویی نکردند، میانگین حقوق پرداختی در سال ۱۴۰۰ به معلمان و بسیاری از دیگر حقوق‌بگیران در کشور، کم‌تر از ۷.۵ میلیون تومان و میانگین حقوق کارمندان دولت در بودجه همان سال، بیش از ۱۲.۵ میلیون تومان بوده است. با یک استدلال ساده ریاضی می‌توان دریافت که حداقل ۳۰۰ هزار نفر در کشور، حقوق‌های چند صد میلیون تومانی رسمی و قانونی دارند.

اشاره به برخی بندها، که در فیش حقوقی معلمان وجود ندارد و از فیش‌های حقوقی پرسنل سایر وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌ها استخراج شده است، شاید بخشی از تلخی ماجرا را روشن کند. این موارد را بارها به نمایندگان، وزرا و نهادهای نظارتی و بازرسی‌ها اعلام کرده‌ایم، اما اراده‌ای برای رفع تبعیض در کشور وجود ندارد. اگر این ردیف‌ها در حقوق همه یکسان باشد، بخش عمده‌ای از ناراضی‌هایی ناشی از تبعیضات در حقوق، رفع خواهد شد.

۱. حق معیشت: متغیر
۲. حق مسکن: متغیر
۳. کمک هزینه مسکن: متغیر (با حق مسکن فرق دارد)
۴. حق نهار (نهاری): متغیر
۵. نوبت کاری: متغیر
۶. حق جمعه کاری: متغیر
۷. اضافه کاری: متغیر (با اضافه کار ساعتی متفاوت است)
۸. حق رتبه (رتبه): متغیر
۹. بن کارگری و بن خرید کالا: متغیر
۱۰. فوق‌العاده جذب: از ۳.۵ تا ۸ میلیون تومان
۱۱. فوق‌العاده خاص: از ۳ تا ۱۸ میلیون تومان
۱۲. کمک هزینه ایاب و ذهاب: از ۲۲۵ هزار تومان
۱۳. نهار مدیریت‌های امور: از ۳۵۰ هزار تومان
۱۴. اضافه کار مدیریت امور: از ۴ تا ۶ میلیون تومان
۱۵. پاداش حسن انجام خدمت: از ۴.۷ میلیون تومان
۱۶. کمک هزینه رفاهی: از ۹۴۰ هزار تومان
۱۷. امتیاز ویژه: از ۲۱۱ هزار تومان
۱۸. حق خواروبار: از ۶۰۰ هزار تومان
۱۹. فوق‌العاده ویژه خدمت: از ۱.۴ میلیون تومان
۲۰. پاداش طرح‌ها: از ۶ تا ۱۲ میلیون تومان
۲۱. تطبیق حقوق: از ۲ تا ۶ میلیون تومان
۲۲. کارانه: از ۲.۹ تا ۶ میلیون تومان
۲۳. پاداش بهره‌وری: از ۶۰۹ هزار تومان
۲۴. پاداش بیلان: از ۶.۵ تا ۱۲ میلیون تومان
۲۵. فوق‌العاده حق جذب: از ۱.۲ تا ۵ میلیون تومان
۲۶. هدیه عید مبعث: از ۱.۶ میلیون تومان
۲۷. هدیه روز مرد: از ۱.۷ میلیون تومان
۲۸. کمک هزینه غذا: از ۱.۱ تا ۳ میلیون تومان
۲۹. کمک هزینه تلفن همراه روسا: متغیر
۳۰. منزلت شغلی: از ۶۳۱ هزار تومان
۳۱. هدیه اعیاد شعبانیه: متغیر
۳۲. آب و برق: متغیر
۳۳. حق حضور ورزشی: متغیر
۳۴. کشیک: ۲.۱ تا ۴ میلیون تومان
۳۵. اضافه کار ساعتی: ۴ تا ۹ میلیون تومان
۳۶. رفاه اولاد: متغیر
۳۷. فوق‌العاده مقطوع: متغیر
۳۸. حق ماموریت: متغیر

دولت و مجلس اگر اراده‌ای برای حل مشکلات معیشتی و حقوقی مردم دارند، باید حقوق، مزایا و فوق‌العاده‌های حقوق خود را کم‌تراز همه اقشار تعیین کنند. با توجه به سی سال پیگیری برای رفع تبعیض‌های حقوقی، که هیچ نتیجه‌ای نداشته، لطفاً به ما بگوئید برای رفع تبعیض‌ها، پیگیری از اعتراضات معلمان و پرداخت حقوق معوق خود، به کجا باید شکایت کنیم؟

مزیان حبیبی

هفتم تیر هزار و چهار صد و یک، مسئول تیم ریاضی پژوهشکده معلم استان فارس، آموزشگر و پژوهشگر ریاضی.

## همبستگی بین‌المللی اتحادیه کارگری سراسری آلمان با بیش از ۶ میلیون عضو با کارگران و معلمان زندانی در ایران

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

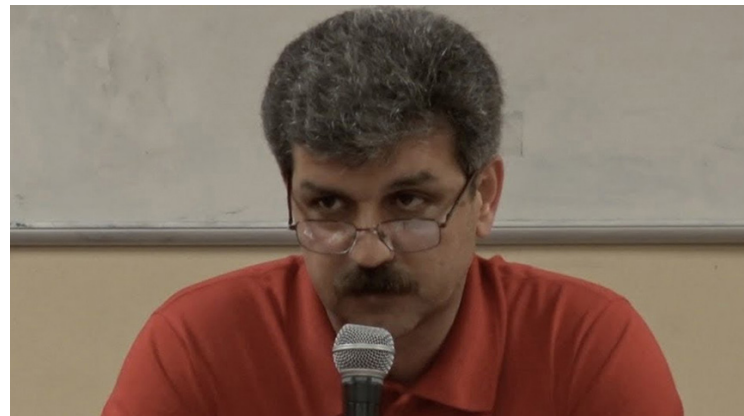
در جمهوری اسلامی ایران اعضای اتحادیه‌ها همچنان دستگیر می‌شوند. اتحادیه کارگری سراسری آلمان خواستار آزادی فوری آنهاست. از چندین ماه پیش کارگران ایران از حق انسانی تجمع برای گرفتن مطالبات خویش استفاده می‌کنند. مسئولین و دولت ایران به جای گفتگو با کارگران اعتصابی و معترض اتحادیه‌ها، فعالین شان را مورد سرکوب و پیگرد قرار می‌دهند. برخی از اعضای اتحادیه، که فراخوان به اعتراض داده بودند، دستگیر و از اوائل ماه مه بدون تفهیم اتهام در سلول‌های انفرادی زندانی‌اند. به نظر می‌رسد که قصد دارند آنها را با دلائل نخنمای حقوقی دادگاهی نموده و به حبس‌های طولانی مدت محکوم کنند. این سرکوب‌ها فقط به این دلیل اعمال می‌شوند که آنها از حق تشکل و تجمع خویش استفاده می‌کنند.

اتحادیه کارگری و سراسری آلمان همه اشکال سرکوب دولتی علیه فعالیت اتحادیه‌ای را اکیدا محکوم می‌کند.

ما بیش از همه از مسئولین و دولت ایران خواهان:

آزادی فوری فعالین اتحادیه‌ای «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» از اتحادیه اتوبوس‌رانان و اعضای اتحادیه معلمان «جعفر ابراهیمی» و «محمد حبیبی» و تضمین آزادی تجمع و تشکل برای مردم ایران و حفظ آن هستیم.

اتحادیه کارگری و سراسری آلمان در سازمان جهانی کارگران برای تحقق حق پایه‌ای و انسانی کارگران ایران تلاش خواهد نمود.



## پایان اعتصاب غذا

طبق اطلاعیه سندیکای شرکت واحد:

رضا شهابی دیروز دوم مرداد ماه در چهل و دومین روز اعتصاب غذا، در ملاقات حضوری با خانواده‌اش به اعتصاب غذایش پایان داد. «رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که بیش از دو ماه است در بازداشت وزارت اطلاعات در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس است در اعتراض به پرونده سازی و رفتارهای توهین آمیز بازجو و نداشتن حق تلفن و ملاقات در چهل و دومین روز اعتصاب غذا بسر میبرد، که خوشبختانه امروز دوم مرداد ماه با ملاقات حضوری که با خانواده اش انجام داد به اصرار بیش از حد خانواده به درخواست های مکرر سندیکای کارگران شرکت واحد و پنج سندیکای کارگری فرانسوی و دلسوزان و حامیان طبقه کارگر پاسخ مثبت دادند و قول دادند که دوم مرداد پایان اعتصاب غذای ایشان باشد. خانواده شهابی در توصیف وضع جسمانی رضا گفتند وزن بدنش به نصف کاهش پیدا کرده بود بطوری که در نگاه اول رضا قابل شناسایی، حتی برای خانواده اش هم نبود، ضعف شدید جسمانی و رنگ پریدگی چهره از علائم قابل مشاهده این فعال سندیکایی بود که علیرغم تمام مشکلات جسمانی ۴۲ روز را بدون خوردن غذا در انفرادی های بند ۲۰۹ گذرانده است. حسن سعیدی دیگر عضو شناخته شده سندیکای واحد هم بیش از دو ماه در بندهای ۲۰۹ زندان اوین می‌باشد و امروز دوم مرداد سی و دومین روز اعتصاب غذا را در اعتراض به پرونده سازی و بازجویی های طولانی و متعدد پشت سر گذاشته و ممنوع الملاقات هم می‌باشد. درحال حاضر خبری از سلامتی و وضعیت جسمانی ایشان در دسترس نمی‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد از پایان یافتن اعتصاب غذای رضا شهابی بسیار استقبال میکند و خواستار رسیدگی فوری پزشکی در بیمارستانی خارج از زندان به این فعال سندیکایی در بند می‌باشد و امیدوار است آقای سعیدی نیز هرچه زودتر به اعتصاب غذایش پایان دهد. سلامتی این دو فعال سندیکایی برای سندیکای کارگران شرکت واحد و جنبش مستقل کارگری در ایران بسیار ارزشمند می‌باشد. سندیکای کارگران شرکت واحد خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی، حسن سعیدی و دیگر فعالان کارگری و معلمی بازداشتی می‌باشد.»

رضا شهابی و حسن سعیدی را تنها نگذاریم! •



## در حاشیه بازداشت «مصطفی تاجزاده»

بازداشت «مصطفی تاجزاده»، فعال «اصلاح طلب» بازتاب گسترده‌ای در عرصه سیاسی ایران داشته است. «تاجزاده» با فعالیت گسترده در فضای عمومی، به ویژه مجازی، نظیر «کلاب هاووس» و انتقاد به سیاست‌های رژیم و نقض حقوق دموکراتیک مردم در ایران، نفوذ قابل توجه‌ای کسب کرده و خواهان تغییراتی در چهارچوب نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است. ولی همین «تاجزاده» یکی از حامیان سیاست‌های اقتصادی خانمان‌برانداز نئولیبرالی «رفسنجانی» بوده و هنوز هم هست، سیاستی که ثروت‌های عمومی را برباد داده، به فقر اکثریت جامعه ایران و به ویژه زحمتکش‌ها منجر شد و هنوز هم ادامه دارد. وی در عرصه اقتصادی همواره در کنار مافیای قدرت قرار داشته و هیچگاه به دفاع از حقوق کارگران و زحمتکش‌ها، که اکثریتی از جامعه ایران هستند، به پا نخاسته است. معذالک این جناح از بورژوازی ایران خواهان برخی اصلاحات اجتماعی نظیر تعدیل قوانین مذهبی و یا جدایی دین از دولت و در عرصه اقتصادی ادامه اصلاحاتی در عرصه رانت‌خواری و مبارزه با فساد می‌باشد. «تاجزاده» در عرصه بین‌المللی عقب‌نشینی از برنامه هسته‌ای ایران و تسلیم شدن در قبال سیاست‌های فشار آمریکا را، که تا به امروز در تمام حکومت‌های گذشته وجود داشته است و فاجعه به بار آورده، توصیه می‌نماید، دوری از سیاست صحیح نزدیکی به شرق و اور و آسیا، عضویت در «بریکس» و سازمان همکاری

شانگ‌های، خلع سلاح ایران و کاهش نفوذ ایران در منطقه در مقابل زورگویی‌های آمریکا، اروپا و اسرائیل ... سیاست‌های کلی وی را تعریف می‌نماید. فشار جناح «اصلاح طلب» به ویژه در سایه مناقشات روسیه و اوکراین و تضعیف دلار و یورو و نزدیکی ایران به شرق، به صورت هیستریک، خشمگینانه افزایش یافته است و نقض حقوق دموکراتیک مردم، حمایت از سیاست‌های خصوصی‌سازی، رانت‌خواری، چشم‌اسفندیار حاکمیت کنونی است که هر کس برای نیل به نیت خود به آن اشاره کرده و بر روی آن انگشت می‌گذارد و «تاجزاده» از این جمله است. «مصطفی تاجزاده» فرد نیست، بلکه نماینده سیاسی جناحی از بورژوازی «اصلاح طلب» رانده شده از قدرت سیاسی است که در تمام این انحرافات و سرکوب‌ها دست داشته است و اکنون با توجه به جهت‌گیری حاکمیت به سوی شرق و ایجاد جاده ابریشم و جبهه همکاری شانگ‌های تضادش با جناح مقابل تشدید شده که سرانجام مجدداً به بازداشت وی انجامیده است. «تاجزاده» عامل و کارگزار امپریالیسم نیست، بلکه منافع کوتاه‌نظرانه طبقاتی‌اش حکم می‌کند که از غرب دفاع کند و آینده ایران را قربانی این سیاست سنتی و مخرب بنماید. وی مخالف تحریم و تجاوز نظامی به ایران و تجزیه کشور است و معتقد به برخی اصلاحات نیم‌بند در خدمت حفظ حاکمیت در چهارچوب نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است. وی در سیاست خارجی کوتاه‌بینانه وظیفه دفاع از منافع امپریالیسم در منطقه را و جبهه همت خود قرار داده است.

فارغ از مواضع سیاسی غیرقابل تأیید «مصطفی تاجزاده»، بازداشت خودسرانه وی بدون دلیل محکمه‌پسند، نقض حقوق دموکراتیک است و نمی‌تواند مورد تأیید هیچ نیروی مستقل و دموکراتی قرار گیرد. بازداشت «تاجزاده» ادامه سرکوب کارگران و معلمان و سایر اقشار اجتماعی معترض جامعه و نشان از ضعف و درماندگی رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی است که حتا فردی مانند او را که امید به تغییر و تحول در نظام اسلامی کنونی را دارد، بر نمی‌تابد و بازندان و سرکوب پاسخ می‌دهد. ما خواهان احترام به حقوق دموکراتیک و رعایت موازین حقوقی به رسمیت شناخته شده جهانی در مورد «تاجزاده» و هر زندانی سیاسی صرف‌نظر از ایدئولوژی، اعتقادات دینی و تمایلات سیاسی آنها هستیم.

بازداشت «تاجزاده» و سایر منتقدین و معترضین جامعه، به ویژه کارگران و زحمتکش‌ها، به نفع ویرانی‌طلبان و بیگانگان است و با چنین شیوه‌های ضددموکراتیک و مستبدانه‌ای نمی‌توان به معضلات مردم ایران پاسخ داد.

اعلامیه حزب کار ایران (توفان)

۱۹ تیرماه ۱۴۰۱ •



## «رابرت مالی» کیست و چه

### می‌گوید؟

رابرت مالی (Robert Malley)، یک صهیونیست متولد مصر است که در دولت «کلینتون» و «اوباما»، نقش فعالی در پیش‌برد سیاست‌های آمریکا در خلیج فارس و خصوصاً خاورمیانه داشته و اخیراً هم مباشر و نماینده ویژه «جو بایدن» در امور ایران است! وی عضو اصلی تیم مذاکره‌کننده آمریکا در «برجام» و مدت زمانی هم رئیس «گروه بین‌المللی بحران» بود؛ گروهی که به عنوان بازوی اثرگذار وزارت امور خارجه آمریکا و سازمان «سیا» نقش فعالی در مناقشات خاورمیانه و سیاست نزدیکی دول عرب به اسرائیل در منطقه داشته است! دولت‌های «رفسنجانی» و «روحانی» همکاری نزدیکی با «گروه بین‌المللی بحران» داشتند و دولت‌مردان اصلاحات‌چی، خصوصاً «محمد جواد ظریف» در جلسات این گروه در منطقه، شرکت می‌کردند.

دخالت قدرتمندانه دولت‌مردان آمریکایی در امور کشورهای جهان از جمله ایران و سیاست‌های «شتر- گاو- پلنگی» جمهوری سرمایه‌داری اسلامی در داخل، به «رابرت مالی صهیونیست، این گستاخی و جسارت را داده که علناً برای کشور ایران خط و نشان بکشد و تعیین و تکلیف کند! توجه کنید! ایران می‌تواند بین احیای برجام (منظور بازگشت به برجام!!!) یا ماندن در کنار روسیه یکی را انتخاب کند!» و «در صورتی که ایران به روسیه پهلپاد بدهد، از طرف آمریکا مجازات و تنبیه خواهد شد!»

سیاست‌های مخرب داخلی رژیم سرمایه‌داری اسلامی ایران به جایی کشیده شد که بخش قابل توجهی از مردم ناآگاه و بخشی زیادی از اصلاح‌طلبان غربگرا و فرومایه، از این اندازه توهین گستاخانه «رابرت مالی»، نماینده آمریکا اظهاررضایت نمایند و تحریم‌های جنایتکارانه آمریکا را هم نیندند و غرب را «ناجی» خود بدانند! «رابرت مالی» می‌فرماید: ایران حق ندارد به روسیه و یا هر کشور دیگری پهلپاد بدهد، اما آمریکایی‌ها و متحدان اروپایی‌اش حق دارند صدها میلیارد دلار تجهیزات نظامی به هر کشوری که بخواهند، بفروشند از جمله به رژیم فاشیستی اوکراین!

گستاخی آمریکا و متحدان ناتوی‌اش و تهدیدهای توخالی اسرائیل علیه ایران، همه ناشی از تلاش‌های مذبوحانه و در حال افول نظام تک‌قطبی ضد انسان و ضد طبیعت غرب است که در دو قرن اخیر جهانی را به سیاهی و تباهی کشانده است! •

## از مبارزه مردم سریلانکا حمایت

### کنیم

اعلامیه کمیته هماهنگی کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست (ICMLPO)

در اوضاع و احوال کنونی بن‌بست‌های اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه‌داری امپریالیستی در مقیاس جهانی احساس می‌شود. تورم، بیکاری و هزینه‌های زندگی در همه کشورها در حال افزایش است. همچنین نارضایتی، تظاهرات گسترده در حال افزایش است. اعتراضات کارگران و زحمتکشان فقرزده، که شرایط کار و معیشتی آنها رو به وخامت است، رو به فزونی است. تقریباً هر روز اخباری از تجمعات، اعتراضات، اعتصابات و قیام‌های کارگران و زحمتکشان از کشوری به کشور دیگر به گوش می‌رسد. در حالی که اعتراضات مردم بومی کارگران و کارگران در اکوادور همچنان ادامه دارند، مردم سریلانکا به کاخ رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر یورش بردند. سریلانکا با طمع سود انحصارها، همدستان امپریالیسم و امپریالیسم به مرز ورشکستگی رسیده است. سیاست‌های نئولیبرالی و فساد کاست سیاسی سودجوی حاکم. بیکاری و قیمت‌ها افزایش یافته است. ابتدایی‌ترین نیازها نمی‌تواند محقق شود. واردات به دلیل کمبود ارز مختل شده است. قطع برق طولانی شد. مدارس تعطیل و بدهی‌های خارجی غیرقابل پرداخت شد.

## معنی و مفهوم «صهیونیسم» چیست؟

«صهیون» کلمه‌ای است عبری و نام تپه‌ای است در نزدیکی شهر اورشلیم که یکی از اماکن مقدس یهودیان به شمار می‌رود! «صهیونیسم» برگرفته از «صهیون» و به معنای بسیار ساده یعنی «یهودیت سیاسی». مثل «اسلام سیاسی» و یا «مسیحیت سیاسی»! هنگامی که پسوند «سیاسی» به دنبال دینی بیاید به این معنی است که پیروان آن دین، به استثنای دین یهود، که دلیل آنرا در ادامه خواهیم گفت، در پی تشکیل حکومت دینی بر اساس تعالیم کتاب «آسمانی» خویش هستند!

چرا «یهودیت سیاسی» را «صهیونیسم» می‌نامند؟

از دیدگاه صهیونیست ها یهودیت یک جریان دینی نیست بلکه قومی و نژادی است. لذا یهودیان برخلاف پیروان دین اسلام و مسیحیت هیچگونه تبلیغی و اجباری برای پیوستن مردم به دین خود انجام نمی دهند زیرا که از نظر یهودیان تنها کسانی یهودی به حساب می آیند که اجدادشان یهودی باشند. مثلا اگر مردی یهودی بازن غیر یهود ازدواج کند، فرزندان آنها یهودی نخواهند بود و در این راستاست که قوم گرای و نژادپرستی جزو بنیان های دین یهود و صهیونیست ها به شمار می رود!

صهیونیسم (Sehyunism) مسلک و مرام یهودیانی است که خواهان سلطه بر ملل و تصرف سرزمین دیگر ملت ها هستند! ایده تسلط و اشغال سرزمین ها، بویژه سرزمین های ازنیل تا فرات در کتاب «آسمانی تورات» آمده که «بپوه» خدای یهودیان در گفتگویی با «ابراهیم پیامبر» عهد بست که در صورت ختنه خود و ذریه اش «این سرزمین را از نهر مصر (نیل) تا به نهر عظیم، یعنی فرات، به نسل تو بخشیده ام»!

پرچم اسرائیل این نکته را به روشنی آشکار می کند. پرچمی بازمینه سفید و طرح ستاره داوود و دو نوار آبی رنگ بالا و پایین پرچم که مشخصا یادآور رود نیل و رود فرات است! اولی در کشور مسلمان مصر و دومی در کشور مسلمان عراق!

در تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام ما شاهد یهود آزاری و کشتار یهودیان نیستیم. اما در اروپای مسیحیت، خصوصا در دوران فاشیسم هیتلری، اذیت و آزار و کشتار یهودیان چنان بود که اصطلاح «یهودستیزی» توسط صهیونیست های حاکم بر اسرائیل، تبلیغ و ترویج شد و بهانه به دست نژادپرستان اسرائیلی داد تا اولاً خود را مظلوم ترین قوم در تاریخ بدانند و ثانیاً تاوان کشتار و نسل کشی یهودیان توسط «نازیسم» را فلسطینیان و اعراب مسلمان به پردازند! صهیونیست ها بر این باورند که سرزمین فلسطین متعلق به قوم یهود است و این سرزمین باید از مسلمانان پاکسازی شود! لذا در تحقق چنین هدفی نژادپرستانه و ضد انسانی، به کمک امپریالیسم غرب به رهبری آمریکا، نظامی گری و تشکیل ارتش منظم و مجهز به پیشرفته ترین تسلیحات اتمی و کشتار جمعی را در دستور کار قرار داد. صهیونیست های حاکم بر اسرائیل هیچگاه حد و مرزی را در گسترش سرزمین خویش، به تعبیری برای «اسرائیل بزرگ»، به رسمیت نمی شناسند! بر این اساس وسعت کشور اسرائیل و مرزهای آن، به دلیل اشغال زمین های سوریه، فلسطین و لبنان، همواره در حال تغییر بوده و وسعت آن از سرحدات اولیه خویش بسیار فراتر رفته است!

همه کشورهای جهان دارای دولت و ارتش هستند، اما اسرائیل تنها کشور جهان است که ارتش آن دارای دولت است! بنابراین کشور است جنگ افروز، متجاوز و اشغالگر که دشمن خلق فلسطین و خلق های خاور میانه می باشد! همانگونه که امپریالیسم آمریکا بزرگترین دولت تروریستی و دشمن شماره یک ملت های جهان است، صهیونیست های اسرائیلی هم بزرگترین کانون بی ثباتی منطقه و یک دولت کاملاً تروریستی در جهان هستند!!

مردم از ماه مارس سال جاری به خیابان ها آمدند و در نهایت کاخ ریاست جمهوری را اشغال کردند و خواستار استعفای رئیس جمهور «گوتایا راجاپاکسا» شدند. او از کشور فرار کرد و اکنون به دنبال پناه گاهی می گردد. سپس استعفای خود را ارسال کرد. «قهرمان» بودن با سرکوب خونین مقاومت مردم تأمل از طریق دامن زدن به نفرت ملی برای نجات ریاست جمهوری او کافی نبود. نخست وزیر «رانیل ویکرمسینگه»، که اکنون به عنوان معاون او عمل می کند، وضعیت فوق العاده اعلام کرد و از ارتش و پلیس خواست تا تظاهرات را متوقف کند. از سوی دیگر مردم به تظاهرات خود برای استعفای وی ادامه می دهند. مردم سریلانکا و رهبران قیام در این مرحله مسئولیت مهمی دارند. مانند قیام های مشابه قبل، آنها باید بر تعیین سرنوشت خود پافشاری کنند و دستاوردهای خود را به دسته های مختلف بورژوازی تسلیم نکنند. مردم باید موفق شوند از درون جنبش خود ارگان های قدرت را، که اساس حاکمیت آنها خواهد بود، بیرون بیاورند.

متحد شدن دستجات مختلف بورژوازی در قدرت، حیل های دولت موقت، وعده های انتخاباتی مرتبط با اصلاحات و تداوم نظم موجود، فقط آتش قیام را خاموش می کند و تداوم نظم قدیمی را با نام های مختلف تضمین می کند. کسانی که سریلانکا را به باتلاق اقتصادی و سیاسی کشانده اند، نمی توانند کشور را نجات دهند. برنامه هایی که آنها به عنوان نسخه هایی برای «رستگاری» ارائه خواهند کرد، فقط می تواند مردم را فقیرتر کند و آنها را به گرسنگی محکوم و سلطه سیاسی بورژوازی را تحکیم کند. کارگران و کارگران جهان در کنار مردم سریلانکا ایستاده اند. پیروزی و تجربه آنها برای همه ما یک ارزش مشترک خواهد بود. ما به مبارزات مردم سریلانکا درود می فرستیم و از آن حمایت می کنیم.

مرگ بر سرمایه داری نتولیرال!

مرگ بر حکومت ظالمانه همدستان امپریالیسم!

زنده باد انقلاب و سوسیالیسم!

کمیته هماهنگی کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های مارکسیست - لنینیست (ICMLPO).

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم

علی‌رغم کهنوت سن تلو تلو خوران، خود را به ریاض رساند و به دیدار «محمد بن سلمان»، این قاتل بالفطره مردم یمن و «جمال قاشقچی» شتافت، تا بلکه با اضافه تولید نفت عربستان راهی بیاید، ولی گویا خاطره انفجارات پالایشگاه‌های عربستان توسط موشک و پهپادهای یمنی مانع از نوکری بی چون و چرای «بن سلمان» به ارباب بی‌رمقش شد!

بحران جنگ با روسیه ولوله در آمریکا و اروپا انداخت و پیداست که این رشته سر دراز دارد!

«بوریس جانسون»، نخست وزیر انگلستان، این آدم بی‌شخصیت و بی‌بندوبار، فیلس یاد قدرقدرتی سال‌های دور ابرقدرتی انگلستان کرد و خواست در جنگ اوکراین، «دُن کیشوت» وار به جنگ آسیاب بادی برود و خودی بنماید ولی در پره‌های آسیاب بادی گیر کرد و سپس سقوط نمود و باعث خنده حضار گردید!

خانم «کایا کالاس»، نخست وزیر کشور «استونی»، نیز، که در ابتدای جنگ اوکراین با روسیه، از خوشحالی هر روز هفت قلم آرایش می‌کرد، از مقام خود استعفا داد تا به کارهای شخصی‌اش برسد!

«ماریو دراکی»، نخست وزیر ایتالیا، هم اعلام کرد که دیگر نمی‌تواند برنامه‌های دولت‌اش را اجرا کند و لذا او هم استعفا فرمود! «امانوئل مکرون»، این مباشر بورژوازی وحشی فرانسه هم در انتخابات پارلمانی اخیر فرانسه چنگال‌هایش قیچی شد و به نظر می‌آید در مقابل ملت بزرگ روسیه کم آورده و مانند اسلاف‌اش (بناپارت) در جنگ با روسیه به گل نشسته است!

«ولودیمیر زلنسکی»، این پالانچی آمریکا و غرب، که ادای حرکات بندبازهای جنگ‌افروز ناتوی را درمی‌آورد، چند روز قبل، رئیس سازمان امنیت و دادستان کل کشور اوکراین را که مخالف جنگ علیه روسیه بودند، از مقام‌شان برکنار کرد! به گزارش «لوموند» آقای «ایلو لوهاانس»، کمیسرامور داخلی اتحادیه اروپا از قاچاق سلاح‌های ارسالی غرب به دیگر کشورها خبر داد! بورژوازی آلمان به صدراعظمی «اولاف شولتس»، «سوسیال دموکرات» و وزیرامور خارجه جوجه فاشیست‌اش، خانم «آنالنا بربوک» از «حزب سبزها»، به مصداق «ابله است آنکس که بار دوم دست‌اش را در سوراخ مار می‌کند»، سفاهت خودشان را به نمایش گذاشتند و از روی سرسپردگی به اربابان آمریکایی خود ابلهانه خود را برای باردوم، ولی اینبار به ظاهر غیرمستقیم، وارد جنگ با روسیه کردند. از مطالب بالا پیداست که جهان در حال تغییر است. هژمونی جنگ‌افروزان و غارت‌گران بین‌المللی نظیر آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان و دیگر امپریالیست‌های ریز و درشت دیگر در حال افول است. چنین روندی حتماً به نفع مردم جهان و به سود کشورهای استقلال‌طلب خواهد بود! اما هراس بخشی از حاکمیت و اصلاح‌طلبان مجری سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از نظم چندقطبی شدن جهان، خصوصاً دستگیری‌های اخیر آزادی‌خواهان و نیروهای مترقی و مبارز و سناریوی مسخره و تهوع‌آور علیه بی‌حجابی، چوبی است لای چرخ تحول تاریخی پیش رو در جهان و در ایران!

هرگونه غفلت در مبارزه علیه غرب‌گرایان ایرانی در داخل و خارج، نتایج وخیمی به‌بار خواهد آورد. باید با تمام توان آنها و اربابان غربی شان را افشا کرد!



## نگاهی به پیامدهای اخیر جنگ در اوکراین

در گلستان سعدی در باب «سیرت پادشاهان» آمده:

... چو عضوی به درد آورد روزگار - دگر عضوها را نماند قرار.  
این بیت سعدی به وضوح قانون دوم دیالکتیک، «تأثیر متقابل» پدیده‌ها را بیان می‌کند! قانون «تأثیر متقابل»، ثابت کرده است که همه چیز به هم وابسته و بر هم تأثیرگذار است. مثلاً سونامی در ژاپن سبب بالا آمدن سطح آب‌های ساکن در دره‌های کشور نروژ می‌شود. انقلابات، تأثیرات عمیقی در جوامع بشری می‌گذارند. چنانچه انقلاب ۵۷ ایران زلزله‌ای در خاورمیانه و جهان در انداخت که پس‌لرزه‌هایش هنوز ادامه دارد! باری!

جنگ نیابتی امپریالیست‌های ناتوی به رهبری آمریکا از طریق نئونازی‌های کودتاگر اوکراینی با هدف تجزیه و تسلط کامل بر روسیه و بعداً چین و بعدتر ایران و غیره و با ارسال پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی و گسیل نیروهای فاشیستی از کشورهای دیگر به اوکراین، چنان اوضاع جامعه مسخره «جهانی» و به ظاهر متمدن ولی به باطن وحشی آمریکا و اتحادیه اروپا را درهم ریخت که مجبور شدند برای برون رفت از بحران دست‌نیاز به سوی «محمد بن سلمان» و «الهام علی‌اف» و امارات و قطر و غیره دراز نمایند! با بحران انرژی نفت و گاز و تورم و گرانی در آمریکا و اروپا، که خود مسبب اصلی آن هستند و با ۱۰۰۰۰ انواع تحریم‌ها علیه روسیه، که با هزار چم و خم به اقتصاد اروپا وصل بود، ابلهانه تیشه به ریشه خویش زدند و نفهمیدند و نمی‌فهمند که دوران استعمار و قلدری و لشکرکشی و سلطه‌گری به سرآمده است!

بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اروپا خانم «اورسولا فُن درلاین»، رئیس کمیسیون اروپا را، که پیش از این امثال «علی‌اف» را داخل آدم نمی‌دانست، به دست بوسی و پاچه‌خواری «علی‌اف» وادار کرد! «امانوئل مکرون»، این کارگزار و مباشر امپریالیسم فرانسه، دست به دامان امارات متحده عربی زد! «جو بایدن»،

سرمایه‌داری اسلامی است. بر ما پوشیده نیست که علی‌رغم فقدان صلاحیت حقوقی، تشکیل چنین دادگاه‌هایی نه برای اجرای عدالت، بلکه به جهت عادی‌سازی و قبح‌زدایی از رفتار ممالک امپریالیستی در مقابل کشورهای مستقل خاورمیانه است. مشابه همان دادگاه‌هایی که حمله نظامی به افغانستان، عراق، لیبی و یوگسلاوی... را توجیه می‌کردند. زنجیره‌ای از تحرکات نمایشی در جهت احقاق حقوق این ملت‌ها در هم‌گرایی با یک جریان رسانه‌ای دارای هژمونی مثل «بی بی سی» و «صدای آمریکا»، توانست افکار عمومی در سطح جهان را برای شروع و ادامه تجاوز به این کشورها اقناع نماید. نمایش امروز دادگاه سوئدی نیز قطعه‌ای است از پازل تلاش همه‌جانبه دستگاه امپریالیستی برای مشروعیت بخشیدن به زورگویی‌های همه‌جانبه آنها در قالب تحریم کنونی و یا حمله نظامی احتمالی به ایران. بررسی اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر سیستم دادگاه‌های سوئد بیانگر عدم استقلال قضایی و فرمایشی بودن آن است. چگونگی صدور رأی علیه «جولیان آسانژ» گرداننده سایت افشاگر «ویکی لیکس» و زمینه‌سازی برای دستگیری و استرداد وی به ایالات متحده آمریکا بیانگر همین واقعیت است. در جریان دادگاه «حمید نوری» نیز نقش دستگاه‌های جاسوسی و امنیتی امپریالیستی و همکاری جریان‌های جنگ‌طلب و خائن به ملت ایران همچون فرقه مجاهدین رجوی انکارناشدنی است؛ فرقه‌ای که در رسیدن به اهداف رذیلانه خود تا به حال از هیچ‌گونه همکاری و خدمت‌گزاری به «سی آی ای»، «موساد» و عربستان سعودی فروگذار نکرده و یکی از بی‌شرم‌ترین جریان‌های مدافع حمله نظامی به ایران است.

نقش اپوزیسیون خودفروخته از سلطنت‌طلب و جمهوری‌خواه گرفته تا گروه‌های به اصطلاح «چپ» نیز در این نمایش مضحک خودنمایی می‌کند، صدور بیانیه‌هایی در قدردانی از صدور رأی اشد مجازات برای «حمید نوری» از قبیل «بیانیه شش سازمان جمهوری‌خواه»، که در شبکه‌های مجازی پخش گردید، نه تنها اعتباری به این کارناوال جنگ و تحریم نمی‌بخشد، که بیش‌تر فرمایشی بودن آن را افشا می‌کند. حمایت این جریان‌ها خائن یا در برخی موارد جاهل و نادان، که هیچ تحلیل مشخصی از شرایط مشخص ندارند، یادآور اپوزیسیون خودفروخته عراق در زمان حمله نظامی آمریکا به عراق می‌باشد که با استدلال‌های صد من یک غاز لزوم براندازی حکومت بعث عراق را با کمک حمله نظامی آمریکا توجیه می‌کردند.

انگار که ملت عراق مرغ عزا و عروسی بودند که روزی فرزندان‌شان در مسلخگاه صدام ذبح شدند و روز دگر با ادعای دفاع از حقوق بشر و جلوگیری از دستیابی صدام به سلاح کشتار جمعی وطن‌شان را زیر چکمه بیگانه یافتند. اگر چه امروز ایران مانند عراق سال ۲۰۰۱ نیست و چنان در گستره و عمق استراتژیک خاورمیانه قدرت‌نمایی می‌کند که دیگر حمله نظامی بدون هزینه هنگفت به آن رویایی دور از ذهن است، ولی ملت ایران هر آینه باید تجربه عراق را در خود آگاهی خود حفظ نماید و دچار خطای باصره نگردد. هر دادگاهی که به دست امپریالیست‌ها اداره می‌گردد، صلاحیت رسیدگی به جرائم ایرانیایی را که در ایران مرتکب جنایت شدند، ندارد و این تنها خود مردم ایران‌اند که تکلیف مجرمین را روشن خواهند ساخت. به امید فرا رسیدن آن روز. ●



## در حاشیه صدور رأی نهایی دادگاه استکهلم و هلله شیفگان امپریالیسم و مداخله نظامی در ایران

بی‌تردید یکی از شفاف‌انگیزترین لحظات برای بازماندگان کشته‌شدگان دهه شصت و اکثریت مردم ایران محاکمه و مجازات آمران و مجریان این اعدام‌هاست. وجدان آگاه و بیدار مردم ایران پس از گذشت سالیان دراز وقوع آن جنایات را نه فراموش می‌کند و نه می‌بخشد. اگر چه از نظر وجدان عمومی جامعه ایران و در پیشگاه دادگاه خاطره جمعی ایرانیان تمامی سردمداران جمهوری سرمایه‌داری اسلامی، که در آن زمان دستی در این جنایات داشته‌اند، گناهکار و مستحق مجازات شناخته می‌شوند، تشکیل یک دادگاه صلاحیت‌دار با رعایت تمام موازین قانونی جهت رسیدگی به این جنایات در سریع‌ترین زمان ممکن پس از سرنگونی حکومت ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. این حقی است که حصول آن به هیچ‌وجه به سبب مرور زمان زائل نخواهد گردید، اگر چه شاید بسیاری از مجرمین در زمان در قید حیات نباشند، ولی به هر حال نام ننگین‌شان در گذرگاه تاریخ به بدنامی ثبت خواهد شد.

ملت ایران در راه رسیدن به این حق شناخته شده خویش نیازمند هیچ مودتی از سوی بیگانگان بمتابه گران در پوست میش نیست. همان‌هایی که با پروژه‌های پُرهزینه و تبلیغاتی خویش سعی در قبح‌زدایی از تحریم و جنگ علیه کشورهای مستقل خاورمیانه در قالب دفاع از حقوق بشر و دموکراسی‌اند؛ از جمله این کشورها می‌توان به سوئد اشاره کرد؛ جایی که این روزها محل نمایشی از اجرای عدالت در قالب صدور رأی به محکومیت «حمید نوری» از دست‌اندرکاران جنایات دهه شصت در زندان‌های جمهوری





## در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در تیرماه ۱۴۰۱

خامنه‌ای در دیدار با رئیس قوه قضاییه و جمعی از مسئولان و کارکنان دستگاه قضایی گفت:

«امروز نیز همان قاعده و قانون جاریست و خداوند سال ۱۴۰۱ همان خداوند سال ۱۳۶۰ است» و شرایط داخلی و خارجی ایران را با سال ۶۰ همانند خواند و مانند خمینی شمشیر را از رو بست.

خامنه‌ای در توضیح نتایج جنگ با دشمن خارجی و سرکوب نیروهای داخلی، خود و جمهوری اسلامی را پیروز صحنه خواند و به نتایج حکومت ۴۳ ساله نظام سرمایه‌داری اسلامی اشاره‌ای نکرد. ولی ما در اینجا مجبوریم به خدای سال ۱۴۰۱ کمی از نتایج سرکوب داخلی و سیاست‌های اجرا شده سال ۶۰ به بعد را گوشزد کنیم، تا از آن درس بگیرد و چنان نکند که باز هم چنین نتایجی به بار آورد. از نتایج سیاست‌های خدای سال ۶۰ که خامنه‌ای نگفت، تسلط سیاست‌های نتولیرالی در تاراج سرمایه‌های ایران و بی‌حقوق‌سازی کارگران و زحمتکشان نیز می‌باشد. واقعیت این است که دشمنان خارجی ایران هنوز هم علیه ایران در حال توطئه هستند، ولی جمهوری اسلامی با اجرای سیاست‌های نتولیرالی سرمایه‌داران قدرتمند و مسلط بر سیاست حاکمیت، در اتاق بازرگانی، اجازه داده است تا دشمنان در خانه لانه کنند و با چنگ‌اندازی بر ثروت بی‌کران ایران، کارگران و زحمتکشان را به چنان فلاکتی بیاندازند که

نان! به قوت غالب مردم تبدیل شود. و برای همان نیز با وجود قیمت رو به افزایش در صف‌های طولانی بایستند. شرایط چنان وحشتناک شده است که زحمتکشان گیلانی نیز به سختی برنج تهیه می‌کنند. قیمت اجاره مسکن چنان بالا رفته است که رؤیای «مالکیت خانه» به رؤیای «خانه مناسب اجاره‌ای» تبدیل گشته است. و حاشیه‌نشینان کشور به ۱۳ میلیون نفر رسیده‌اند. بیکاری و تجرد جوانان دیگر معضل بزرگی نیست! زیرا رهاسازی خانواده از طرف سرپرست بیکار و بی‌پول و البته شرمنده و سرشکسته در جامعه مطرح گشته است. رانت‌خوارها و حقوق‌ها و درآمدهای نجومی‌شان، چنان فاصله طبقاتی به وجود آورده‌اند که به هیچ‌وجه نمی‌شود دره عظیم مابین ثروت و فقر را پُر کرد. اختلاس‌های چند هزار میلیاردی آقایان و آقازاده‌ها و جلوگیری از برابری رشد حقوق‌ها در مقابل رشد تورم، اکثریت مردم را به زیر خط فقر پرتاب کرده است.

خدای سال ۱۴۰۱ می‌بایست از کرده خدای سال ۶۰ در سرکوب مردم اعلام براءت کند و برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی و قدرت یافتن در مقابل دشمن خارجی، به سوی کارگران و زحمتکشان بیاید و از سرکوب و توطئه و بی‌حقوق‌سازی زحمتکشان دوری کند، زیرا بدون پشتوانه قوی مردمی، و تنها با تکیه بر نیروی نظامی، نمی‌توان در مقابل دشمنان خارجی، بدون خسارت‌های بزرگ، پیروز صحنه شد. البته اگر بتوان پیروز شد!

حکومت سرمایه‌داری اسلامی، که خواست و توان حل مشکلات مردم زحمتکش را ندارد، گمان برده است که با سرکوب و به غل و زنجیر کشاندن کارگران و زحمتکشان می‌تواند پشت جبهه را برای خود مستحکم کند، ولی بیچاره!

نمی‌داند که برای مبارزه با دشمنان قسم خورده ایران و ایرانی به پشتیبانی همین «پابره‌ها و بی‌چیزان» ولی «بزرگوار و مقاوم» نیاز دارد. نمی‌داند که هیچ نیروی نظامی قوی و مسلحی بدون پشتوانه کارگران و زحمتکشان توان شکست اهریمنان را ندارد. خدای سال ۱۴۰۱ بهتر است که از خر شیطان! که برایش جلوه برج عاج! را پیدا کرده است، پایین بیاید و با حل مشکلات شغلی و معیشتی کارگران و زحمتکشان، که در مبارزات صنفی خود طرح می‌کنند، پشت جبهه خود را قوی کند. حل مشکلات معیشتی و قانونی شدن تشکلات صنفی و سیاسی زحمتکشان آن مصالحی است که با آن می‌توان دژ مستحکمی در مقابل امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها و جیره‌خواران‌شان ساخت. در تیرماه مبارزات کارگران و زحمتکشان ادامه یافت، که در ذیل بخشی از وقایع و رخدادهای مبارزاتی در تیرماه می‌آید.

## سرکوب و مقاومت

### ۱ تیر

سندی‌کای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در دهمین روز از اعتصاب غذای «رضا شهابی» با انتشار اطلاعیه‌ای خواهان توقف فوری بازجویی‌ها، تهدیدها و توهین‌های بازجویان نسبت به «رضا شهابی» شد. در این اطلاعیه آمده است: «... رضا شهابی، حسن سعیدی، ریحانه انصاری نژاد، آنیسا اسداللهی، کیوان مهتدی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی و دهها فعال حقوق کارگری و صنفی هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و هیچ انسان آزاده‌ای اتهامات امنیتی نسبت داده شده به آنان را نمی‌پذیرد. ... رضا شهابی باید بلافاصله به یک بیمارستان مناسب خارج از زندان منتقل و پس از معاینه و مراقبت‌های پزشکی لازم آزاد شود. سندی‌کای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، همه یاران و حامیان جنبش کارگری و عموم انسان‌های آزادی‌خواه و تشکلات مستقل را به حمایت هرچه گسترده‌تر از مطالبه قطع فوری پیگیری و پرونده‌سازی‌های امنیتی و آزادی همه فعالین سندی‌کایی و صنفی فرا می‌خواند.»

«آرام ابراهیمی» از فعالین صنفی سندج امشب ساعت ۲ بامداد در منزل پدری‌اش در سندج توسط ماموران امنیتی دستگیر شد. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران، هر نوع برخورد قهری، با فعالان صنفی را، اقدامی غیرقانونی و غیراخلاقی می‌داند و انتظار دارد که این برخوردهای غیرقانونی برچیده شود و آرامش به جامعه فرهنگیان کشور باز گردد. «محمد علی زحمتکش» با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام داشت که در اعتراض به دستگیری و بازداشت غیرقانونی و اتهامات واهی دستگاه‌های امنیتی و قضایی شیراز از اول تیرماه دست به اعتصاب غذا می‌زند و چنانچه در مدت ۳ روز شرایط آزادی بدون قید و شرط ایشان فراهم نگردد، از مورخه ۴ تیرماه ۱۴۰۱ دست به اعتصاب غذای خشک خواهد زد. «صادق کنعانی»، از فعالین صنفی سندج، ساعت ۱ در سندج

توسط ماموران امنیتی دستگیر شد. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران، هر نوع برخورد قهری، با فعالان صنفی را، اقدامی غیرقانونی و غیراخلاقی می‌داند و انتظار دارد که با درایت برخی از مسئولان، این برخوردهای غیرقانونی برچیده شود و آرامش به جامعه فرهنگیان کشور باز گردد.

### ۲ تیر

نیروهای امنیتی با حضور در محل کار «حمید قندی»، عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، این فعال صنفی را دستگیر و سپس به منزل برده و ضمن واریسی منزل گوشی همراه او و همسرش را ضبط کردند. «شهریار نادری» ساعت ۱ نیمه شب توسط ماموران امنیتی دستگیر شد.

«محمدعلی زحمتکش»، معلم زندانی، که از ۱ تیرماه ۱۴۰۱ در اعتصاب غذای تر بوده روز ۲ تیرماه با مذاکرات صورت گرفته اعتصاب غذای خود را شکسته است.

در ادامه فشار بر فعالان صنفی معلمان، «محمد حبیبی» ممنوع الملاقات شد. لازم به ذکر است، از زمان بازداشت تاکنون حقوق این معلم زندانی قطع شده است.

به دنبال بی‌خبری از وضعیت «شعبان محمدی»، «مسعود نیکخواه» و «اسکندر لطفی»، با پیگیری مداوم خانواده‌های این عزیزان، در نهایت مسئولان زندان اوین به آن‌ها اجازه ملاقات کوتاهی را دادند.

### ۳ تیر

تعدادی از اعضای سندی‌کای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با همراهی جمعی از فرهنگیان بازنشسته و کنشگران مدنی در سیزدهمین روز اعتصاب غذای «رضا شهابی»، با خانواده‌های «رضا شهابی»، «حسن سعیدی» و «اسماعیل گرامی» کارگر بازنشسته دیدار و حمایت خود را از زندانیان اعلام داشتند.

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای اعتراض خود را نسبت ممنوع الملاقات شدن زندانیان اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «... کانون نویسندگان ایران ممنوعیت ملاقات با زندانیان سیاسی از جمله کیوان مهتدی و آنیسا اسداللهی و پرونده‌سازی برای آنان را محکوم می‌کند، حمایت خود را از حق تشکلات یابی و ارتباط با نهادهای همسو اعلام می‌دارد و از نویسندگان و آزادی‌خواهان مستقل سراسر دنیا می‌خواهد که صدای رسای اعتراض به این سرکوب‌ها و آزارها باشند.»

### ۴ تیر

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلات کارگری تشدید فشار به «ریحانه انصاری نژاد» و دیگر فعالان کارگری و معلمان زندانی را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... تلاش‌ها و فعالیت‌های چندین و چند ساله این فعالان در ارتباط با پیگیری حقوق و مطالبات کارگران و معلمان به حد

هر گونه اتفاق ناگوار پیرامون «محمد علی زحمتکش» را متوجه نیروهای امنیتی و قضایی استان فارس می‌داند و امیدوار است قبل از اینکه فاجعه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر روی دهد، دست اندرکاران امر با آزادی این معلم زندانی و دیگر کنشگران صنفی شیراز راهی برای زدودن انسداد فعلی به وجود آورند. خانواده‌های «جعفر ابراهیمی»، «آئینا اسداللهی»، «رسول بداقی»، «محمد حبیبی»، «حسن سعیدی»، «رضا شهابی»، «اسکندر لطفی»، «شعبان محمدی»، «کیوان مهتدی»، «مسعود نیکخواه» در نامه سرگشاده‌ای آوردند: «... ما به عنوان اعضای خانواده بازداشت‌شدگان اخیر، خواستار توقف فوری پرونده‌سازی‌های دروغین علیه عزیزانمان و پایان یافتن بازجویی‌های مکرر و موهن و تهدیدآمیز آن‌ها هستیم. هیچ توجیهی برای تداوم بازداشت آنها وجود ندارد. تهدیدها و توهین‌های مقامات زندان و بازجوها در برخورد با بازداشتی‌ها و اعضای خانواده‌شان، مصداق بارز آزار و شکنجه است و باید فوراً خاتمه یابد. از تمام همکاران و همراهان و نهادهای مدافع حقوق کارگران و معلمان در ایران و جهان تقاضا داریم تا ضمن دفاع از حقوق اولیه و ابتدایی این عزیزان، از مقامات جمهوری اسلامی و مسئولان قضایی بخواهند تا فوراً آنان را آزاد کنند و بیش از این، آن‌ها و ما را عذاب ندهند. از رسانه‌های جمعی نیز درخواست داریم که دادخواهی و مطالبه ما خانواده‌های کارگران و معلمان بازداشتی را بدون معذوریت انعکاس دهند». سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه‌ای با محکوم‌ساختن پرونده‌سازی‌ها و ایجاد شرایط پرخطر برای جان فعالین صنفی، آورده است: «سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در شرایط دشوار کنونی که جان فعالین‌اش در زندان در خطر است، دست یاری و حمایت به سوی همه فعالین صنفی، کنشگران مدنی، تشکل‌های مستقل کارگری، صنفی و سندیکایی دراز می‌کند تا در هر کجای جهان که هستند از هر طریقی که می‌توانند حمایت خود را از فعالین اسیر دریغ نکنند.

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) طی بیانیه‌ای اعتراضی، خواهان آزادی فوری «رضا شهابی»، «حسن سعیدی» و دیگر کارگران و معلمان و فعالان بازداشتی از روز جهانی کارگر به این سوی شد. در این بیانیه آمده است: «... ما از دولت ایران می‌خواهیم که فوراً و بدون قید و شرط تمامی کارگران اتوبوسرانی، معلمان، فعالان کارگری و حقوق بشری را که برخلاف حقوق انسانی خود در زندان به‌سرمی‌برند، آزاد کند. ایران باید به سرکوب کارگران و فعالین صنفی پایان دهد و به حقوق آنها احترام بگذارد».

## ۸ تیر

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران با انتشار اطلاعیه‌ای خواهان آزادی زندانیان صنفی و سیاسی شد. در این اطلاعیه آمده است: «... سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران

کافی روشن و قابل دفاع بوده و هیچ نقطه تاریک و ناروشتی در آن دیده نمی‌شود. ... کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری بازداشت و اعمال فشار به «ریحانه انصاری‌نژاد» و دیگر فعالین کارگری و معلمان را محکوم نموده و خواستار آزادی هر چه سریع‌تر ایشان و سایر فعالین در بند می‌باشد».

## ۵ تیر

«حسن سعیدی»، از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد طی تماسی کوتاه، که با دخالت عوامل امنیتی قطع شد، اعلام کرد «چهار روز است در اعتصاب غذا به‌سرمی‌برد و در انفرادی بند ۲۰۹ می‌باشد» که با فریادی از پشت خط تلفن‌اش قطع گردید، چند دقیقه بعد تلفن زنگ خورد و شخصی که خودش را بازجو «حسن سعیدی» معرفی کرده است. «نسرین رحیمی»، همسر این فعال سندیکایی در بند را تهدید کرد که اگر گفته‌های «سعیدی» درز پیدا کند و اطلاع‌رسانی شود، حکم قضایی علیه شما می‌گیرم و برخورد خواهیم کرد. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به وضعیت جسمانی دو عضو زندانی سندیکا «حسن سعیدی و رضا شهابی»، اعلام داشت: «هرگونه تهدید و فشار بازجو به همسر آقای سعیدی را بشدت محکوم می‌کند و این برخوردها را از سوی بازجو، مصداق شکنجه خانواده زندانی می‌داند». سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ای، ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت جسمانی «رضا شهابی» و «حسن سعیدی»، خواستار رسیدگی فوری پزشکی به این دو فعال سندیکایی شد و تهدید خانواده «سعیدی» توسط بازجو را شدیداً محکوم ساخت و خواستار آزادی بی‌قید و شرط این دو فعال سندیکایی و معلمان و دیگر فعالین در بند شد.

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه دیگری آورده است: «سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در شرایط دشوار کنونی که جان فعالین‌اش در زندان در خطر است، دست یاری و حمایت به سوی همه فعالین صنفی، کنشگران مدنی، تشکل‌های مستقل کارگری، صنفی و سندیکایی دراز می‌کند تا در هر کجای جهان که هستند از هر طریقی که می‌توانند، حمایت خود را از فعالین اسیر دریغ نکنند».

## ۷ تیر

«محمد علی زحمتکش»، که چند روز قبل به این دلیل که به او گفته شده بود در صورت ادامه اعتصاب‌اش، معلمان زندانی دیگر را به بندهای جدا از هم منتقل می‌کنند، به اعتصاب خود پایان داده بود، از امروز به علت انتقال‌اش به بندی خطرناک و عدم تحقق وعده‌های داده شده، اعتصاب خود را مجدداً از سر گرفت. شورای هماهنگی ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت این فعال صنفی و جانباز شیمیایی جنگ، عواقب

عالیشوندی»، دیگر معلمان زندانی فارس هستند که همچنان در بازداشت و بلا تکلیفی به سر می‌برند.

#### ۱۴ تیر

در بیست و سومین و چهاردهمین روز اعتصاب غذای «رضا شهابی» و «حسن سعیدی»، چهار سندیکای فرانسوی با انتشار بیانیه مشترکی نگرانی خود را از خطر موجود برای جان این دو عزیز ابراز کردند. در این بیانیه آمده است: «جان سندیکالیست‌های ایرانی «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» در خطر است! ... ما از تمامی سازمان‌ها و افراد مدافع حقوق مزدبگیران و حقوق بشر می‌خواهیم که بار دیگر به مقامات ایرانی اعتراض کنند و خواستار آزادی فوری سندیکالیست‌های زندانی و رفع اتهامات علیه آنها شوند».

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با انتشار اطلاعیه‌ای خواستار آزادی «اسماعیل گرامی» شد. در این اطلاعیه آمده است: «کارگر بازنشسته اسماعیل گرامی ۱۵ ماه (حدود ۵۰۰ روز) است که در زندان تهران بزرگ در بند می‌باشد! جرم ایشان مطالبه‌گری و خواهان افزایش حقوق طبق تورم که همانا اجرای قوانین هست، بوده است...».

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط «ریحانه انصاری نژاد» شد. در اطلاعیه‌ای بدین منظور آمده است: «ریحانه انصاری نژاد از فعالین مستقل و خوشنام کارگری و یک زن کارگر زحمتکش و تنها نان‌آور خانواده‌اش است. او از ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ به دنبال هجوم نیروهای امنیتی به منزلش دستگیر و مدت ۵۴ روز است در بازداشت به سر می‌برد و با وجود تعیین قرار وثیقه کماکان از آزادی او جلوگیری می‌کنند...».

دادگاه تجدید نظر «روح الله (رادا) مردانی» نسبت به اتهام ایشان، رأی قطعی به برائت این فعال صنفی داد.

#### ۱۵ تیر

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) با انتشار بیانیه‌ای نسبت به خطر جانی برای «محمدعلی زحمتکش» هشدار داد. در این بیانیه آمده است: «... کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن هشدار، از مسئولان ذیربط می‌خواهد، نسبت به رفع نگرانی‌هایی که در این رابطه وجود دارد، سریعاً اقدام نمایند و با آزادی این همکار گرانقدر، موجب رفع نگرانی‌های خانواده‌ی ایشان و همه‌ی همکاران فرهنگی شوند. بی‌تردید، ادامه‌ی برخوردهای امنیتی با معلمانی که تنها سلاح‌شان قلم و کلامشان حق است، حاصلی جز ناامید کردن جامعه در استفاده از راه‌های مسالمت‌آمیز مطالبه‌گری به همراه نخواهد داشت».

سندیکای کارگران شرکت واحد در بیست و چهارمین روز اعتصاب غذای «رضا شهابی» و پانزدهمین روز اعتصاب غذای «حسن سعیدی»، ضمن محکوم کردن سناریو تکراری و نخ‌نمای اعتراف‌گیری برای سرکوب فعالین کارگری و

ضمن محکوم کردن این شیوه‌های غیرقانونی، برخورد غیرمسئولانه مقامات زندان و بازجوها در مواجهه با اعضای خانواده‌های اسیران ما را مصداق بارز آزار و شکنجه دانسته و باید فوراً خاتمه یابد. ما خواستار آزادی بی‌درنگ این عزیزان و اعزام‌شان به بیمارستان هستیم. جان ما جان اسیران ماست!»

#### ۱۰ تیر

در حالیکه «رضا شهابی» و «حسن سعیدی»، به ترتیب نوزدهمین و دهمین روز اعتصاب غذایشان را در انفرادی زندان اوین پشت سر می‌گذارند و اوضاع جسمانی هر دو وخیم می‌باشد، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» درخواست کردند تا به اعتصاب غذای خود پایان دهند. در این درخواستنامه آمده است: «یاران و همراهان! اعتصاب غذای شما عزیزان در زندان همچنان ادامه دارد و ما همکاران شما ضمن حمایت قاطع از اعتراض و مطالبه به حق شما به شدت نگران سلامتی و به خطر افتادن جانتان می‌باشیم. خانواده‌های شما نیز عمیقاً از پیامدهای اعتصاب غذایی که عزیزان‌شان در انفرادی و در واکنش به بازجویی‌های پی در پی و اتهامات کاذب و تهدیدهای بازجویان به آن دست زده‌اند، نگرانند... سندیکای کارگران شرکت واحد و اعضای آن لحظه‌ای برای آزادی همکاران خود و دادخواهی آنها کوتاهی نخواهند کرد و کماکان و با تمام قدرت به کارزارهای داخلی و بین‌المللی برای آزادی بدون قید و شرط کارگران و فعالین سندیکایی و بطور مشخص «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» ادامه خواهند داد. در عین حال، از همکاران عزیزمان «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» صمیمانه تقاضا داریم که به نگرانی روزافزون ما، خانواده و دوستداران‌شان، به اعتصاب غذای خود پایان دهند. جان شما برای بازجو و زندانبان ارزشی ندارد، اما برای ما کارگران و خانواده‌هایتان بی‌نهایت پر ارزش و گرانقدر است. به امید اینکه به اعتصاب غذایتان هر چه زودتر پایان دهید».

#### ۱۱ تیر

«نسرین جوادی»، کارگر بازنشسته ۶۵ ساله، عضو هیئت موسسان شورای کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی (بستا) و عضو «اتحادیه آزاد کارگران ایران» جهت اجرای حکم ۷ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق، راهی زندان اوین شد.

#### ۱۳ تیر

هفت نفر «مژگان باقری»، «ایرج رهنما»، «بهنام محمدی»، «رمضان ابونصری»، «مراد نوشادی»، «حسام‌الدین مظلومی» و «مرتضی رشیدی» از اعضای انجمن صنفی معلمان فارس آزاد شدند. لازم به ذکر است «زهرا اسفندیاری» و «محمدعلی زحمتکش»، «غلامرضا غلامی کندازی»، «اصغر امیرزادگان»، «حمید عباسی»، «ناصر موسوی» و «محمد

طوفان‌های توییتری و بیانیه‌های حمایتی در ایران و کشورهای مختلف جهان، خواهان توقف فوری بازجویی اعضای خود «رضا شهابی» و «حسن سعیدی»، انتقال فوری آنها به بیمارستانی خارج از زندان برای معاینه و معالجات لازم و آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان شد. در بیانیه‌ای در این ارتباط آمده است: «ما همچنین خواهان توقف فوری پرنده‌سازی‌های کاذب، حبس، بازجویی‌های مکرر و اذیت و آزار فعالین تشکلات مستقل کارگری و معلمی هستیم. کلیه بازداشتی‌های مربوط به پرنده‌سازی‌های اخیر وزارت اطلاعات و اقدامات شرم‌آور صدا و سیما باید بدون قید و شرط آزاد شوند. کلیه کارگران و معلمان زندانی آزاد باید گردند!»

## ۲۱ تیر

«رضا شهابی» در تماسی کوتاه از بند انفرادی زندان اوین با خانواده خود اعلام داشت، همچنان در بند انفرادی و تحت بازجویی می‌باشد و تا حدود ۱۲ کیلو کاهش وزن داشته است. وقتی همسرشان اعلام کردند که دوستان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و پنج سندیکای فرانسوی درخواست پایان دادن به اعتصاب غذا را از شما دارند، ایشان ضمن تشکر و قدردانی از تمام دوستان و همکاران و نهادهای کارگری بین‌المللی، که نگران سلامت ایشان هستند، اظهار داشتند تا ادامه بازجویی‌ها و انفرادی و بلا تکلیفی به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد. در همین زمینه «حسن سعیدی» دیگر عضو سندیکای شرکت واحد، که همچنان در بند انفرادی زندان اوین می‌باشد و بیست و یکمین روز اعتصاب غذایش را پشت سر می‌گذارد، طی تماس کوتاهی از کاهش وزن و ضعف جسمانی شدید خبر داده و ایشان هم علی‌رغم درخواست تمامی دوستان و اعضای سندیکای واحد و پنج سندیکای فرانسوی برای پایان دادن به اعتصاب غذا، ضمن تشکر و قدردانی از دوستان اعلام داشتند تا پایان وضعیت بلا تکلیفی و ادامه بازجویی‌ها به اعتصاب غذایش پایان نخواهد داد.

شورای هماهنگی تشکلات سندیکای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای در خصوص بازداشت هنرمندان مردمی کشور خواهان آزادی آنان شد. در این اطلاعیه آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن این دستگیری‌های بی‌ضابطه، خواهان پایان دادن به روند سرکوب شهروندان و کنشگران صنفی و مدنی و بازگشت به مدار حقوقی و قانونی است. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران با درخواست آزادی فوری و بدون قید و شرط این عزیزان، امیدوار است بیش از این حوزه آزادی‌های مدنی و شهروندی مورد تهدید قرار نگیرد.»

«لطیف روزی‌خواه»، عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی، پس از گذراندن دوران حبس از زندان جلفا آزاد شد.

معلمان، خواستار آزادی بی‌قید و شرط «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» دو عضو سندیکای واحد و تمامی معلمان بازداشتی و مرتب‌ترین با پرنده‌سازی دروغین جدید وزارت اطلاعات علیه تشکلات مستقل کارگران و معلمان شد. در بیانیه‌ای در این رابطه آمده است: «... از آنجایی که در دو ماه گذشته عوامل امنیتی با افزایش فشار از قبیل تمدید قرار بازداشت تا سه ماه، انفرادی و بازجویی‌های متعدد نتوانستند سناریو دروغین‌شان را به دو عضو زندانی سندیکا و معلمان و دیگر بازداشت شدگان در خصوص پرنده‌سازی و سناریو جاسوس‌سازی، تحمیل کنند و با شکست کامل این سناریو روبرو شدند. با افزایش فشار بر خانواده‌ها از طریق بی‌خبری در مورد زندانیان‌شان، می‌خواهند به تلاش‌های بی‌پهلو ادامه دهند تا بتوانند بلکه سربال تکراری نخنمای اعتراف‌گیری را کامل کنند...»

## ۱۷ تیر

دو کارگردان سین «محمد رسول‌اف و مصطفی آل‌احمد» با یورش ماموران امنیتی حکومت بازداشت شدند. در ماه‌های اخیر فشارها بر نویسندگان، هنرمندان و فعالان صنفی، مدنی و سیاسی افزوده شده است، آزارها و پرنده‌سازی‌ها ادامه دارد و هر روز اخباری از سرکوب فزاینده‌ی حاکمیت منتشر می‌شود. کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اسپانیا (کمیسون‌های کارگران)، بار دیگر، با انتشار بیانیه‌ای همبستگی خود را با کارگران و معلمان زندانی در ایران اعلام داشت.

## ۱۸ تیر

حال «محمدعلی زحمتکش» در دوازدهمین روز اعتصاب غذای ایشان رو به وخامت گذاشته و قادر به تکلم نمی‌باشند.

## ۲۰ تیر

ابراز نگرانی پنج سندیکای فرانسوی نگرانی خود را از اعتصاب غذای «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» اعلام داشتند و از این عزیزان درخواست کردند که به اعتصاب غذای خود پایان دهند. در بیانیه‌ای این پنج سندیکا آمده است: «... سندیکاهای فرانسوی (س.اف.د.ت.)، (س.ژ.ت.)، (اف.اس.او.)، سولیدر و اونس، اعضای کلکتیو سندیکایی برای ایران، با نگرانی فراوان تحولات وضعیت زندان شما و به ویژه شرایط غیرانسانی زندان را، که در معرض آن هستید، دنبال می‌کنند. وخامت وضعیت سلامتی شما پس از روزها اعتصاب غذا، ما را به شدت نگران کرده است... از نظر ما بهترین کار پایان دادن به اعتصاب غذا جهت ادامه مشارکت در مبارزه برای حقوق اساسی سندیکایی است. تصمیم شما هر چه باشد، ما البته خواهان آزادی شما و دسترسی به مراقبت‌های پزشکی مورد نیاز خواهیم بود.»

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن قدردانی و سپاس فراوان از حمایت‌های گسترده بین‌المللی طی دو ماه اخیر، طومارهای چندین هزار نفری،

## ۲۲ تیر

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای در اعتراض به موج اخیر سرکوب‌ها، خواهان آزادی فعالین زندانی شد. در این بیانیه آمده است: «... هر روز صدای اعتراض نویسندگان و هنرمندان معترض بلندتر می‌شود و صفی به صفوف ایستادگی کارگران و معلمان می‌پیوندد. هر روز زنان بیش‌تری هم‌پیمان می‌شوند، فریاد آزادی‌خواهی سر می‌دهند و سد استبداد و ارتجاع را در هم می‌شکنند. اکنون دیگر مردمان دادخواه، مردمان این ماه و آن ماه نیستند، مردمان هم‌صدا و خروشان سالیان‌اند. در این سالیان، گرچه سرکوب حکومت بی‌وقفه در کار بوده است، اما همواره بوده‌اند آزادی‌خواهانی که دم فرونیسته‌اند، یا پس نکشیده‌اند و درپچه‌هایی رو به آزادی گشوده‌اند. کانون نویسندگان ایران همراه این پایداری و ایستادگی، سرکوب سازمان‌یافته از سوی حاکمیت را محکوم می‌کند، خواهان آزادی بی‌قیدوشرط بازداشت‌شدگان اخیر و همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی است و از آزادی‌خواهان سراسر جهان می‌خواهد صدای رسای اعتراض به این سرکوب‌ها باشند.»

«خدیجه پاک‌ضمیر»، همسر «محمد حبیبی»، در توییتی آورد: «پس از بیش از یکماه بی‌خبری مطلق، محمد زنگ زد. مثل همیشه صدایش با صلابت و پراثری بود. حالش خوب بود و به همه رفقا سلام رساند.»

## ۲۵ تیر

«محمدعلی زحمتکش» به پیشنهاد و اصرار فعالین صنفی معلمان در سراسر کشور و قول مساعدت مسئولین قوه قضاییه و مسئولان زندان مبنی بر آزادی ایشان طی روزهای آینده، همچنین رایزنی‌های صورت گرفته در این خصوص به اعتصاب غذای خود در زندان عادل آباد شیراز پایان داد.

## ۲۶ تیر

بازجویان و مسئولان قضایی با بی‌توجهی به اعتصاب غذای طولانی دو فعال سندیکایی در بند می‌خواهند اراده آهنین کارگران حق‌طلب را بشکنند. در سی و پنجمین روز و بیست و ششمین روز اعتصاب غذای «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای همگان را به دفاع از آنان فراخواند. در این اطلاعیه آمده است: «... بازجویان و مسئولان قضایی فکر می‌کنند که با بی‌توجهی و اهمیت ندادن به اعتصاب غذای طولانی مدت رضا شهابی و حسن سعیدی، می‌توانند به اعتصاب پایان دهند. این در حالی است که ادامه راه و ایستادگی و مقاومت برای این دو فعال سندیکایی آنقدر اهمیت دارد که علی‌رغم درخواست خانواده، دوستان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و پنج سندیکای فرانسوی مبنی بر پایان دادن به اعتصاب برای حفظ جان‌شان، در کمال ادب و احترام به دوستان اعلام کرده‌اند که تا تحقق خواسته‌ها به اعتصاب غذا ادامه خواهیم داد. سندیکای

کارگران شرکت واحد ضمن ابراز نگرانی شدید برای سلامتی این دو عضو فعالش، از تمامی دوستداران جامعه کارگری و همکاران شرکت واحد؛ خاصه رانندگان خطوط بی‌آر تی و دیگر نهادهای کارگری مستقل داخلی و بین‌المللی درخواست دارد تا صدای به حق رضا شهابی و حسن سعیدی باشند. باشد که گوش‌های ناشنوی مسئولین بی‌درد سرانجام بشنود و نسبت به اعاده حق ناگزیر از پاسخگویی شود.»

«محمدتقی فلاحتی»، دبیر کانون صنفی معلمان ایران (تهران) از زندان اوین آزاد شد.

## ۲۷ تیر

«حمید قندی»، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان اسلامشهر، با قید وثیقه آزاد شد.

«محمدعلی زحمتکش» با زورس انجمن صنفی معلمان فارس از زندان عادل آباد شیراز آزاد شد. شورای هماهنگی ضمن استقبال از آزادی معلمان در بند امیدوار است که با پایان دادن به روند پرونده‌سازی و آزادی معلمان در بند روندی عقلایی و قانونی در تصمیم‌گیری‌های کشور ایجاد شود.

## ۲۸ تیر

اتحادیه کارگری سراسری آلمان با بیش از ۶ میلیون عضو با انتشار بیانیه‌ای همبستگی خود را با کارگران و معلمان زندانی در ایران اعلام داشت و خواهان آزادی فعالین سندیکایی زندانی در ایران شد. در این اطلاعیه آمده است: «... مسئولین و دولت ایران به جای گفتگو با کارگران اعتصابی و معترض اتحادیه‌ها، فعالین‌شان را مورد سرکوب و پیگرد قرار می‌دهند. ... ما بیش از همه از مسئولین و دولت ایران خواهان آزادی فوری فعالین اتحادیه‌ای رضا شهابی و حسن سعیدی از اتحادیه اتوبوسرانان و اعضای اتحادیه معلمان جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی، و تضمین آزادی تجمع و تشکل برای مردم ایران و حفظ آن هستیم. اتحادیه کارگری و سراسری آلمان در سازمان جهانی کارگران برای تحقق حق پایه‌ای و انسانی کارگران ایران تلاش خواهد نمود.»

## ۲۹ تیر

«غلامرضا غلامی کندازی»، از معلمان کنشگر استان فارس، با سپردن وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان عادل آباد شیراز آزاد شد.

جمعی از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان (سقر و زیویه) با خانواده‌های معلمان بازداشتی دیواندره («امید شاه محمدی»، «پرویز احسنی»، «هیوا قریشی» و «کاوه محمدزاده») دیدار و حمایت خود را از ایشان اعلام داشتند.

## ۳۰ تیر

مرخصی، وضعیت ناپایدار اشتغال و دیگر نابسامانی‌های شغلی دست به تجمع و اعتصاب زدند.

## ۲ تیر

پانصد کارگر از جمله کارگران فیترا شرکت پادجم عسلویه که زیر نظر شرکت اکسیر صنعت کار می‌کنند اعتصاب کردند. خواسته این کارگران اجرای مقررات کمپین ۱۰/۲۰ است. افزایش حقوق امسال طبق ابلاغیه وزارت کار و مدیر منطقه ویژه اجرایی نشده است و پیمانکاران با ترفندهای گوناگون از زیر بار حقوق قانونی کارگران شانه خالی می‌کنند.

کارگران پروژه‌های نیروگاه بوستانو از ۳۱ خردادماه دست به اعتصاب زدند. مسئولان نیروگاه بوستانو به کارگران اعلام کرده اند ۱۰/۲۰ را اجرا می‌کنیم به شرط آنکه عیدی و سنوات را حذف کنیم. این در حالی است که برخی از کارگران تا ساعت ۱۲ شب سرکار هستند. با این اقدام مسئولان نیروگاه بوستانو، کارگران دست به اعتصاب زدند. کارگران اعلام داشتند که خواستار حقوق اردیبهشت و خرداد خود هستند و تا اجرای دقیق ۱۰/۲۰ دست از اعتصاب بر نخواهند داشت.

## ۳ تیر

اعتصاب کارگران داربست‌بند به بیش از ۱۳ شرکت در ۹ پتروشیمی کشیده شد. کارگران داربست‌بند شاغل در پتروشیمی صدف، پتروشیمی آپادانا، پتروشیمی دماوند، پتروشیمی کیان، سایت یک و دو پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی آراین، پتروشیمی مرجان، پتروشیمی هنگام و پتروپالایش کنگان وارد اعتصاب شدند و تا آخر وقت نیروهای پیمانکاری حاجی پور، شرکت رستاک پویا، شرکت فراسکو، پیمانکاری شهبازی، پیمانکاری مطوری، شرکت ایده‌سازان، شرکت پایندان، شرکت اکسیر صنعت، شرکت پیمانکاری تناب، پیمانکاری رشیدی، پیمانکاری همتی و پیمانکاری موسوی به اعتصاب پیوستند.

## ۴ تیر

کارگران پروژه‌ای شاغل در شرکت (آی جی سی) و آبادراهان در فاز ۲ پالایشگاه آبادان در اعتراض به اجرانشدن قوانین کمپین ۱۰/۲۰ دست به اعتصاب زدند. کارگران داربست‌بند پیمانکاری سلحشور در پروژه «آی جی سی» فاز ۱۴ پارس جنوبی دست به اعتصاب زدند. خواست و مطالبه کارگران داربست‌بند، ۲۵ میلیون تومان حقوق و تغییر نوبت کاری به بیست روز کار ده روز استراحت است. در مجموع تا روز شنبه نیروهای پانزده شرکت پیمانکاری در اعتصاب هستند.

## ۵ تیر

کارگران پروژه‌ای عایق کار شاغل در پتروشیمی هنگام در

با گذشت بیش از دو ماه از بازداشت «رضا شهابی» و «حسن سعیدی» در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین، که با پرونده‌سازی وزرات اطلاعات و شوی تلویزیونی صدا و سیما صورت گرفته است، این دو فعال سندیکایی همچنان ۳۹ و ۳۰ روز از بازداشت‌شان را در اعتراض به اینگونه اتهامات واهی در اعتصاب غذا به سر می‌برند. سندیکای شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای نسبت به آزار و اذیت خانواده این دو فعال کارگری هشدار داد. در این اطلاعیه آمده است: «سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام می‌دارد بی‌خبر گذاشتن خانواده‌های دو راننده حق‌طلب و حق‌خواه در بند نه تنها مصداق اذیت و آزار و شکنجه خانواده‌های «شهابی» و «سعیدی» است، بلکه نشانگر ضعف و شکست‌تان در سناریوسازی و درهم‌شکستن مقاومت کارگران و معلمان و دیگر بازداشتی‌های این پرونده جدید به اصطلاح جاسوسی است. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن فشار به روی خانواده‌های معلمان و کارگران و دیگر بازداشتی‌ها در جهت اعتراف‌گیری دروغین، خواستار رسیدگی فوری پزشکی به رضا شهابی و حسن سعیدی و آزادی بی‌قید و شرط تمامی کارگران و معلمان و دیگر دربندان این پرونده می‌باشد».

## نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

### ۱ تیر

پرسنل دستگاه حفاری ۳۷ فتح طی نامه‌ای در اعتراض به بیش از دو ماه کمبود مواد غذایی و آب آشامیدنی که فعالیت حفاری را در دمای بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد غیرممکن کرده، از ۳۰ خرداد، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب‌کنندگان طی نامه‌ای نوشتند: «پرسنل دستگاه ۳۷ فتح تاکنون با جان و دل در شرایط سخت دمایی و کمبود شدید مواد غذایی و بهداشتی همکاری کرده‌اند، اما ادامه حفاری بر روی سکو و دیگر بخش‌های عملیاتی نه تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه سلامتی کارکنان را به خطر می‌اندازد و امکان بروز حوادث جانی و مالی را فراهم می‌سازد.

کارگران پروژه‌ای داربست‌بند شاغل در فاز ۱۴ عسلویه در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌های‌شان و مطابق فراخوان از پیش اعلام شده دست از کار کشیده و دست به اعتصاب زدند. کارگران شرکت‌های پایندان، شهبازی، مطوری، حاجی پور و زیرمجموعه‌های آنها وارد اعتصاب به قصد ترک کامل کارگاه‌ها شدند. کارگران پروژه‌ای داربست‌بند شاغل در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی خواستار افزایش دستمزد به میزان لیست پیشنهادی خودشان و اجرای نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند. لازم به ذکر است که کارگران داربست‌بند شاغل در پروژه‌های نفت از پیشتر فراخوانی را برای شروع اعتصاب گسترده از روز اول تیرماه اعلام کرده بودند. کارگران داربست‌بند میدان گازی پارس جنوبی در استان بوشهر، در اعتراض به پایین بودن دریافتی، شیوه زمان‌بندی

اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایشان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

#### ۷ تیر

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مستمری‌ها، عدم اجرای کامل همسان‌سازی و عدم تحقق دیگر مطالبات‌شان ادامه یافت.

#### ۸ تیر

بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مستمری‌ها، عدم اجرای کامل همسان‌سازی و عدم تحقق دیگر مطالبات‌شان به تجمعات خود ادامه می‌دهند.

#### ۹ تیر

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از مطالبات بازنشستگان اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «... در شرایطی تاریخی کنونی که روز به روز ضرورت پیوند جنبش‌های اعتراضی ملموس‌تر می‌گردد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن پشتیبانی و حمایت از تجمعات متحد و سراسری یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان، اعلام می‌دارد که تا رسیدن به مطالبات برحق این عزیزان، در کنار آنان همگام و هم صدا خواهد ماند. شورای هماهنگی، از باب توصیه به خیر، از مسئولان کشور می‌خواهد، صدای اعتراضات مدنی طبقات مختلف جامعه را، به موقع بشنوند و تا دیر نشده، برای رفع مشکلات، قدم‌های عملی بردارند».

#### ۱۱ تیر

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اهواز، رشت، اراک، کرمانشاه، شوش، شوشتر، زنجان، ساری، کرمان، کرج، اصفهان، دزفول، آبادان، اردبیل، تهران، قزوین و ... علیرغم شرایط امنیتی و بازداشت‌ها، دست به تجمعات اعتراضی و راهپیمایی‌های پرشور زدند. می‌جنگیم، می‌میریم، تا حق خود نگیریم، آروم نمی‌نشینیم!».

#### ۱۲ تیر

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اهواز، کرج، اراک، شوش، شوشتر، اندیمشک، همدان، دزفول، آبادان، زنجان، اصفهان، کرمان، ساری و ... راهپیمایی یا تجمع کردند. آنها خواستار لغو مصوبه دولت در افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان و اجرایی شدن مصوبات شورای عالی کار، افزایش دستمزد به نسبت تورم و همسان‌سازی دستمزدهای خود شدند.

#### ۱۳ تیر

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اهواز، اراک، کرج، شوشتر، شوش، همدان، کرمان، دزفول، زنجان، اصفهان، ساری، آبادان، خرم‌آباد، تهران، قزوین و ... دست به تجمع اعتراضی زدند. در شوش بازنشستگان کفن پوش شدند و در

#### ۶ تیر

کارگران اورهال (تعمیرات اساسی) پالایشگاه نفت تندگویان تهران در اعتراض به افزایش تایم کاری دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

#### ۲۱ تیر

گروهی از کارگران پتروشیمی تبریز در اعتراض به فاصله زیاد بین حقوق کارگران رسمی و شرکتی، و با مطالبه اجرای همسان‌سازی حقوق‌ها و رفع تبعیض، مقابل ورودی این شرکت تجمع کردند. علاوه بر افزایش حقوق خواست دیگر کارگران، حذف شرکت‌های پیمانکاری واسطه‌ای است.

### بازنشستگان

#### ۴ تیر

تعدادی از بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز در مقابل استانداری این شهر در اعتراض به عدم اجرای دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار دست به تجمع زدند. تعدادی از بازنشستگان شرکت واحد اتوبوسرانی در اعتراض به عدم پرداخت چهار درصد حق بیمه کارهای سخت و زیان‌آور برای چندمین بار در سال جاری مقابل اداره مرکزی شرکت واحد (سامانه سه) دست به تجمع اعتراضی زدند. نیروی‌های انتظامی با خشونت سعی در جلوگیری از این تجمع داشت و طبق اظهارات شاهدان حاضر در تجمع ۳۰ راننده بازنشسته توسط نیروهای امنیتی و انتظامی بازداشت شدند که در مرکز پلیس امنیت هفت حوض با گرفتن تعهد همگی آزاد شدند. عدم پرداخت حق چهار درصد بیمه کارهای سخت و زیان‌آور از سوی کارفرما باعث سردرگمی و بلا تکلیفی رانندگان شده است و در واقع نه شاغل محسوب می‌شوند و نه بازنشسته و دفترچه‌های تأمین اجتماعی‌شان هم بی‌اعتبار است.

#### ۵ تیر

بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرهای رشت، اراک، کرمانشاه، اردبیل، تهران، قزوین و ... همچون بازنشستگان اهوازی دست به تجمع و راهپیمایی اعتراضی زدند. در اهواز مانند همیشه راهپیمایی از استانداری به فرمانداری با شعار: «فریاد فریاد/از این همه بیداد» انجام شد. در قزوین جلوی استانداری و تأمین اجتماعی از پلیس انباشته شده بود و اجازه ایستادن به هیچکس داده نمی‌شد.

#### ۶ تیر

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز مقابل استانداری همچون روزهای گذشته برگزار شد.



بار ستم نمی کنیم زندگی / جان فدا می کنیم در ره آزادی /  
وای از این بندگی» خواستار اصلاح مصوبه‌ی افزایش مستمری  
بازنشستگان شدند.

## ۲۲ تیر

تجمع و راهپیمایی بازنشستگان در شهرهای شوش، شوشتر،  
اهواز و اردبیل در اعتراض به فقر و سفره‌های خالی، در  
اعتراض به تبعیض و نابرابری و مبارزه برای داشتن یک زندگی  
شایسته و انسانی برگزار شد. در شهر شوش بازنشستگان در  
حالی که کفن پوش بودند احکام «ده درصدی» را به آتش  
کشیدند.

## ۲۵ تیر

در سالروز تاسیس سازمان تامین اجتماعی، بازنشستگان تامین  
اجتماعی در تجمع و راهپیمایی سراسری در شهرهای مختلف  
شرکت کرده و اعتراض خود را به عدم اجرای همسان‌سازی  
حقوق و عدم افزایش دستمزد مصوب شورای عالی کار  
۱۴۰۱، و سرکوب و برخوردهای امنیتی و پلیسی به مطالبات  
بازنشستگان، نشان دادند. تجمعات و راهپیمایی بازنشستگان در  
شهرهای مختلف از جمله: کرج، قزوین، بابل، اهواز، اصفهان،  
اراک، خرمشهر، ایلام، کرمان، زنجان، تبریز، مشهد، شوش،  
رشت، اردبیل، سیرجان، شوشتر، خرم‌آباد، تهران، دزفول،  
همدان، بیرجند، کرمانشاه، ساری، رامهرمز و ... برگزار شد.  
در شهرهای تهران و رشت فرهنگیان به حمایت از بازنشستگان  
تامین اجتماعی با معترضین همراه شدند. در تهران و کرج  
برخوردهای وحشیانه‌ای با بازنشستگان صورت گرفت و در  
تهران بازداشت شدگان را با ۳ ون به مکان‌های نامعلوم بردند.

## ۲۶ تیر

بازنشستگان شهرهای شوش، اراک، کرمانشاه، شوشتر و ... در  
اعتراض به دستمزدهای نازل، تورم و گرانی و عدم افزایش  
دستمزد مصوب شورای عالی کار ۱۴۰۱ و برای داشتن  
زندگی شایسته و انسانی، دست به تجمع زدند.

## ۲۹ تیر

بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، شوش، بهبهان،  
شوشتر و ... در اعتراض به عدم اجرای همسان‌سازی حقوق،  
عدم افزایش دستمزد مصوب شورای عالی کار ۱۴۰۱، گرانی،  
تورم و سرکوب و برخوردهای امنیتی و پلیسی به مطالبات  
بازنشستگان، تجمع و راهپیمایی برگزار کردند.

## کارگران دیگر

### ۱ تیر

تعدادی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون نسبت به  
عملی نشدن مطالبات صنفی خود «همسان‌سازی حقوق و مزایای

اهواز راهپیمایی را به سمت استانداری و برگشت به فرمانداری  
برگزار کردند. در تهران در مقابل وزارت کار، نیروهای پلیس  
بیش از ۱۰ نفر را دستگیر و به پایگاههای پلیس سیاسی بردند و  
در قزوین مقابل استانداری و ساختمان تامین اجتماعی پلیس از  
رفت و آمد بازنشستگان جلوگیری کرد.

## ۱۴ تیر

بازنشستگان در ادامه تظاهرات روزهای قبل، در یک حرکت  
اعتراضی جهت احقاق خواسته‌هایشان در اعتراض به مصوبه  
روز ۱۵ خرداد مبنی بر افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان  
غیرحداقل‌بگیر در شهرهای تهران، کرمانشاه، اردبیل، بندر  
عباس و ... تجمع و تظاهرات برپا کردند. در استان کرمانشاه  
در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی تجمع کردند و پس از  
آن تا میدان فردوسی کرمانشاه راهپیمایی کردند و شعارهایی  
از جمله «قالیباف دروغگو شعار تو خالیه، رییس مجلس تویی  
یخچال ما خالیه»، «تحقیر و حبس و زندان، دیگر اثر ندارد»،  
«هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت»، «بازنشسته به پا  
خیز، برای رفع تبعیض» سر دادند.

## ۲۰ تیر

در شهرهای اصفهان، کرمان، رامهرمز، رشت، تهران، قزوین،  
بابل و ... در اعتراض به حقوق‌های کم و تورم افسارگریخته،  
تجمعات و راهپیمایی‌های پرشور توسط بازنشستگان تامین  
اجتماعی برگزار شد. بازنشستگان تامین اجتماعی در کرمان  
کفن پوش به خیابان آمدند و با شعار «زیربار ستم نمی کنیم  
زندگی / جان فدا می کنیم در ره آزادی / وای از این بندگی»  
خواستار اصلاح مصوبه‌ی افزایش مستمری بازنشستگان شدند.  
بازنشستگان می‌گویند: متناسب‌سازی و پرداخت‌های جبرانی  
نمی‌تواند جای اجرای ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی را بگیرد.  
قانون باید اجرا شود!

## ۲۱ تیر

بازنشستگان شرکت مخابرات شهرهای تبریز، کرمان، قزوین  
و خرم‌آباد در برابر شرکت مخابرات استان‌های خود دست به  
تجمع اعتراضی زدند. «بیمه‌های تکمیلی، قطع شده باب میلی!».  
جمعی از بازنشستگان مخابرات کرمانشاه مقابل ساختمان  
مرکزی مخابرات در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.  
«سفره ما خالیه - ظلم و ستم کافیه!».

تعدادی از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش،  
بابل، کرمانشاه، اصفهان، کرمان، رامهرمز، رشت، تهران،  
قزوین و ... نسبت به عدم اجرای مصوبات مزدی شورای عالی  
کار، تجمع اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان در شهر  
شوش با حضور مقابل فرمانداری، سفره‌ی خالی پهن کردند  
و خواستار پاسخگویی مسئولان شدند و بازنشستگان تامین  
اجتماعی در کرمان کفن پوش به خیابان آمدند و با شعار «زیر

برای سومین روز متوالی به اعتصاب ادامه دادند و در محوطه معدن تجمع کردند. شب گذشته نیز تعداد بیشتر ۱۲۰۰ نفر از کارگران شب را در داخل محوطه در دمای هوای حدود ۱۰ درجه گذراندند. از ابتدای صبح، نیروهای یگان ویژه با حمله وحشیانه به کارگران و ضرب و شتم آنها، تعدادی را دستگیر کردند تا بلکه بتوانند به اعتصاب کارگران پایان دهند.

### ۱۹ تیر

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران با انتشار اطلاعیه‌ای حمایت خود را از مطالبات کارگران معدن مس سونگون ورزقان اعلام داشت. در این اطلاعیه آمده است: «... آنچه مسلم است با روی کار آمدن دولت جدید و نادیده گرفتن قانون، پیمانکاران هم به تأسی از آنان قوانین را زیر پا نهاده کارگرانی را که با سوابق بیش از ۱۰ سال برایشان کار می‌کنند و کارشان حالت مستمر دارد و در حقیقت رسمی به حساب می‌آیند را از حقوق قانونی خود از جمله همسانسازی حقوق با دیگر کارگران و اجرای طبقه بندی محروم کرده اند. این در حالی است که توقف کار معدن به درآمدهای دولت هم ضرر رسانده و پیمانکاران بی‌وطن برای نابودی صنایع تلاش می‌کنند و دولت به جای آنکه از منافع بودجه‌ای خود دفاع کند، با گسیل پلیس هم به منافع کارگران و هم کشور پشت کرده است. ما خواهان آزادی برادرانمان از زندان اهر آذربایجان شرقی بوده و اجرای بی‌کم و کاست خواسته‌های قانونی کارگران را داریم و از هیچ کوششی برای کمک به آنان دریغ نخواهیم ورزید».

### ۲۰ تیر

کارگران پارک مهر بندر ماهشهر خوزستان نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان پنجمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند

### ۲۱ تیر

کارگران کارخانه داروگر تهران برای چندمین بار نسبت به محقق نشدن پرداخت مطالبات مزدی و بیمه‌ای، تامین امنیت شغلی، سرویس ایاب و ذهاب و همچنین تعیین تکلیف وضعیت کارخانه اعتراض کردند. کارکنان مخابرات منطقه یزد در اعتراض به قطع و کاهش حق جذب و ثابت ماندن کمک هزینه رفاهی و نپرداختن معوقه‌های قانونی پاداش بهره‌وری، حق جذب و همچنین اجرانشدن آیین‌نامه استخدامی کارکنان مخابرات مصوب سال ۱۳۸۹، تجمع کردند

### ۲۳ تیر

سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای حمایت خود را از کارگران معدن مس سونگون ورزقان اعلام داشت. در

کارگران با شرکت‌های همجوار و مشابه کشت و صنعت نیشکری، تبدیل وضعیت کارگران قراردادی و پیمانکاری» و اجرانشدن رای انفصال از خدمت مدیریت مجتمع «به اتهام امتناع از عرضه شکر در بازار» اعتراض کردند.

### ۲ تیر

در همبستگی با کارگران اعتصابی در بخش حمل و نقل بریتانیا، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به عنوان عضو فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل طی نامه‌ای به مقامات مربوطه، از جمله وزیر حمل و نقل بریتانیا، همبستگی خود را با کارگران حمل و نقل بریتانیا و سندیکاهای آنها، که برای حفاظت از خدمات ریلی و پروژه‌های زیرساختی، توسعه و ترویج حمل و نقل عمومی، از جمله راه آهن، و علیه کاهش مشاغل، انجماد دستمزدها و حمله به شرایط کار و حقوق بازنشستگی شان مبارزه می‌کنند، اعلام نمود.

### ۴ تیر

جمعی از کارگران کارخانه داروگر تهران، در اعتراض به حُلف وعده مدیران، سه ماه حقوق معوقه و عدم رسیدگی به مطالباتشان، دست به تجمع زدند. گروهی از کارگران نگهداری از خطوط راه آهن درود (ایستگاه سیریز زرند. جلال آباد. کرمان) که تحت مسئولیت شرکت‌های پیمانکاری رضوان درود مشغول کارند، در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهای خود در سال جاری دست به تجمع زدند.

### ۶ تیر

کارگران شرکت ایران افق دهلران (پایدار غرب آبان و تعمیرات چشمه خوش) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. با وجود گرانی‌های کمرشکن، حقوق کارگران ۳ ماه عقب افتاده است و حقوق رانندگان هم ۵ ماه است پرداخت نشده است.

### ۱۴ تیر

کارگران پیمانکاری شرکت‌های آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی شاغل در مجتمع مس سونگون ورزقان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان «همسانسازی حقوق با کارگران رسمی و کارگران سایر معادن، اجرای کامل و صحیح طبقه‌بندی مشاغل» و همچنین بازداشت دو نفر از همکاران‌شان توسط نهادهای امنیتی دست از کار کشیده و در محوطه معدن دست به تجمع زده‌اند. کارگران بدلیل بی‌توجهی مسئولان شرکت مس ایران و مسئولان این معدن و عمل نکردن به قول‌های داده شده در مورد کارگران، اقدام به بستن وردی این معدن کردند.

### ۱۶ تیر

کارگران شرکت‌های پیمانکاری مجتمع مس سونگون ورزقان

## ۱۸ تیر سالگرد قیام پُرشکوه دانشجویان گرامی باد!

۲۲ سال از قیام شکوهمند دانشجویان گذشت. ۱۸ تیرماه ۷۸، انفجار خشم فروخته هزاران توده دانشجو بود که تضادهای عمیق جامعه را بازتاب داد و موجب چنان تکانی گردید که رهبر بی کفایت جمهوری اسلامی همانند شاه خائن سراسیمه به میدان آمد و ناله سرداد که «صدای انقلاب» را شنید. دانشجویان انقلابی و مبارز پس از سالها سرکوب و خفقان و بی پروا از زندان و شکنجه به میدان آمدند و تنفر و انزجار خویش را علیه دو دهه استبداد و ترور و پیگرد و نابرابریهای اجتماعی نشان دادند و به کلیت نظام فاسد و مستبد تف ریختند.

این خیزش، که به قیام شش روزه دانشجویان معروف گشت، نقطه عطفی در مبارزات توده دانشجو بود و با درهم کوبیدن دیوار کاهگلی و رفرمیستی دوم خردادی نشان داد که تنها راه رهایی مردم ایران از ظلمت استبداد فاشیستی، فقر و فاقه، فساد و فحشا و همه نابسامانیهای موجود سرنگونی قهرآمیز رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران است.

قیام هیجده تیرماه ۷۸ مرزبندی روشنی با تمامی جریاناتی که پشت واژه‌های بی محتوا نظیر «گفتگوی تمدن‌ها» و «نفی خشونت و پیروی از مشی مبارزه مسالمت‌آمیز» سنگر گرفته بودند، نمود و از سوی دیگر به همه کسانی که چشم به بیرون از مرزها دوخته بودند و از امپریالیسم طلب حمایت می‌کنند، پاسخ نه داد. ۱۸ تیر سالگرد اعتراضات خونین دانشجویان، روزی که دانشگاه توسط نیروهای سپاه لباس شخصی و نظامی به خاک و خون کشیده شد و شماری از جوانان مبارز و انقلابی جان باختند، را گرامی و یاد و خاطره‌شان را زنده نگاه می‌داریم.

یادشان جاودان باد

این اطلاعیه آمده است: «... در سومین روز اعتصاب کارگران، یگان ویژه ضد شورش با حمله و ضرب و شتم کارگران قصد پایان دادن به اعتصاب را داشتند و چند نفر هم بازداشت شده بودند. ... سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن اینکه حق اعتراض و اعتصاب را برای کارگران از حقوق مسلم‌شان می‌داند. ضمن حمایت از تمامی مطالبات بحق کارگران معدن مس سونگون، برخوردهای امنیتی و پلیسی با کارگران را به شدت محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی معدن مس سونگون و رزقان می‌باشد». با حذف سازمان یافته کمک‌های نقدی و غیرنقدی رانندگان و کارگران شرکت واحد از سوی شهرداری و مدیریت ناکارآمد شرکت واحد سندیکای شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای به شهرداری هشدار داد. در این اطلاعیه آمده است: «... متأسفانه با ورود مدیریت جدید در چند سال گذشته این مزایا از حالت مستمر بیرون آمده و در چندین ماه گذشته بطور کامل قطع گردیده در صورتی که شهردار تهران در یک مصاحبه تصویری در رسانه ملی از برقراری عدالت در پرداختی‌ها مابین نیروی انسانی و تخصیص دادن پنج هزار میلیارد تومان بودجه اضافی برای پرسنل زحمتکش شهرداری سخن گفتند. ... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به مسئولین شهرداری و شرکت واحد توصیه می‌کند که مطالبات معوقه رانندگان و کارگران شرکت واحد را هرچه زودتر پرداخت نمایند در غیره اینصورت رانندگان حق اعتراض را برای خود محفوظ می‌دانند و عواقب این اعتراضات گریبانگیر خود مسئولین خواهد شد».

### ۲۶ تیر

کارکنان مخابرات منطقه‌ای یزد و خوزستان در محوطه مخابرات شهرهای خود، در اعتراض به قطع و کاهش حق جذب و ثابت ماندن کمک هزینه‌های رفاهی تجمع اعتراضی برپا کردند. آنها همچنین خواستار پرداخت معوقه‌های قانونی پاداش بهره‌وری و اجرا شدن آیین نامه استخدامی کارکنان مخابرات مصوب سال ۱۳۸۹ شدند.

\*\*\*

جمهوری اسلامی کماکان بر سیاست‌های ایران برپادده خود اصرار می‌ورزد و امیدی نیز بر اصلاح آن نیست، ولی این کارگران و زحمتکشان هستند که می‌بایست با تشکیل یابی بر حول محور طبقه کارگر چنین سیاستی را بر جمهوری سرمایه‌داری اسلامی تحمیل کنند. تا زمانی که فعالین طبقه کارگر در چهارچوب تشکیلاتی «واحد و سراسری» با تکیه بر اندیشه و جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی جمع نگردند و با برنامه‌ای مدون کارگران و زحمتکشان را به صحنه مبارزه نکشاند در بر همین پایه می‌چرخد.

چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است! •

## امپریالیسم آمریکا نه تنها دشمن شماره یک ملت‌های جهان، بلکه دشمن مردم آمریکا نیز هست

«ویلیام بلوم» در کتاب‌اش «کشتن امید»، (مداخلات ارتش آمریکا و سازمان اطلاعات و امنیت «سیا» پس از جنگ جهانی دوم)، فهرستی از ۵۶ کشور منتشر کرده که ایالات متحده آمریکا در عرض ۴۹ سال، از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۴، یعنی سالی حداقل به یک کشور، یا حمله نظامی کرده یا از طریق کودتا، توطئه، خرابکاری، تحریم و تبلیغات دروغین در امور داخلی آنها مداخله و حکومت‌های وابسته و دست‌نشانده در این کشورها بر سر کار آورده است. به این فهرست کتاب «کشتن امید» حمله نظامی به یوگسلاوی و تجزیه آن، بیست سال اشغال افغانستان، تجاوز نظامی و اشغال عراق، حمله نظامی به لیبی و جنگ نیابتی در سوریه و یمن و اخیراً جنگ علیه روسیه از طریق اوکراین را هم باید اضافه کرد.

تاریخ حیات آمریکا بیش از ۲۵۰ سال نیست. به جرات می‌توان گفت که تقریباً اکثر این سال‌ها را (۲۳۲ سال) در جنگ سپری کرده است. خوی جنگ‌افروزی و تجاوزگری به آمریکا اجازه می‌دهد تا حق حاکمیت هر کشوری را که مورد دلخواه و پسند او نیست نقض نماید! ۸۰۰ پایگاه نظامی در جهان داشته باشد، کشورها را تحریم و تهدید به حمله نظامی کند، دارایی‌هایشان را در بانک‌ها مصادره و بدزدد! ناوهای جنگی‌اش را در دریاهای اقیانوس‌ها جولان دهد و شبکه‌های اینترنتی را قبضه کرده و با خبرهای دروغ و جعلی و تحریک‌آمیز جهان را متشنج نماید. آیا امپریالیسم آمریکا با این روش می‌تواند هژمونی‌اش را بر جهان تحمیل کند؟ مسلماً خیر!! شکست در ویتنام، افغانستان، عراق، سوریه و یمن و نشانه‌های شکست در اوکراین پاسخی روشن به پرسش فوق است!

متن بالا اشاره‌ای گذرا به سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا در جهان بود. بد نیست نگاهی هم به سیاست داخلی دولتمردان آمریکا بیندازیم.

بنابه گفته پلیس آمریکا، دستکم پنج نفر در مراسم «روز استقلال» آمریکا در شهر «هایلند پارک» شیکاگو در اثر تیراندازی کشته شدند که باعث لغو مراسم گردید. نشریه «این‌دینند» در گزارشی در روز پنجشنبه گذشته از ثبت ۲۳۳ مورد تیراندازی عمومی در سال ۲۰۲۲، که تنها پنج ماه از آن سپری شده، خبر داد! طبق گزارش اخیری بی‌سی‌سی و خبرگزاری‌ها، هشت پلیس آمریکا، به جوان ۲۵ ساله سیاهپوست به نام «جیلند واکر»، به دلیل «تخلف» در رانندگی و بدون سلاح، دستکم ۹۰ بار

شلیک کردند که ۶۰ گلوله به وی اصابت نمود! تیراندازی‌ها در تگزاس، نیویورک، واشنگتن، مدارس آمریکا، مرکز خرید در ویرجینیا و در اکثر شهرهای آمریکا بی‌شبهت به شروع یک جنگ داخلی نیست!

رشد جنبش‌های سال‌های اخیر نظیر «وال استریت را اشغال کنید»، «جان سیاهان مهم است» و اتفاقات شهر «فرگوسن» در میسوری، اشغال کنگره آمریکا، تصویب قوانین طالبانی ضدزن توسط قضاات دست‌راستی انتصابی و مادام‌العمری، فقر و بیکاری و بی‌خانمانی و تورم ۶/۹ درصدی در اثر راه‌اندازی جنگ در اوکراین و اعمال ده هزار انواع تحریم‌ها علیه ملت روسیه، که به مانند تف‌سربالابرای تحریم‌کنندگان خواهد بود، اختلافات و درگیری‌های «جمهوری خواهان» و «دموکرات‌ها»، بی‌اعتمادی مردم از نمایندگان کنگره و کاهش محبوبیت زیر ۳۸ درصدی «جوزف بایدن»، آمار بالای اعتیاد و خودکشی و مصرف زیاد داروهای مسکن و ده‌ها موارد دیگر حکایت از نابسامانی و یاس مردم آمریکا از سیاست‌های هیئت حاکمه، چه دموکرات و چه جمهوری خواه دارد که هیچ تمایل و اراده‌ای در بهبود زندگی، بیمه درمانی، آموزش و بهداشت و تعمیر و نوسازی زیرساخت‌های قدیمی و محتاج به تعمیر، نظیر جاده‌ها، پل‌ها، سدها، حمل و نقل با قطارهای سریع‌السیر، برق‌رسانی با کابل‌های زیرزمینی و به سبک کشورهای اروپایی، در حاکمیت نمی‌بینند.

تولید و فروش تسلیحات جایگاه اول اقتصاد آمریکا را دارد! «مجمع نظامی - صنعتی» آمریکا که پنج کارخانه معروف اسلحه‌سازی لاکهید مارتین، بوئینگ، نورث گرومن، ریتون و جنرال داینامیکس، که همواره به دنبال ناامنی و ایجاد تشنج در جهان‌اند، سالانه ده‌ها میلیارد دلار از فروش اسلحه به جیب می‌زنند. این در حالی است که سیاست اقتصاد «آزاد» آمریکا حاضر به بخشودگی وام ۷/۱ میلیارد دلاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها نیست! وقتی اقتصاد غالب در کشوری تولید و فروش اسلحه و تجهیزات نظامی باشد، حتماً جنگ‌افروزی و تجاوز و اشغالگری هم سیاست غالب و راهبردی آن کشور خواهد بود! طبق تحقیقات به عمل آمده آمریکا تنها کشور جهان است که تعداد انواع تفنگ‌ها در دست مردم از تعداد آدم‌های آن کشور بیش‌تر است!

حال با این اشاره مختصر به سیاست خارجی و داخلی آمریکا، صداهایی از گروه‌ها و سازمان‌های «چپ» و راست شنیده می‌شود که جنگ‌ها و تجاوزات آمریکا به کشورهای دیگر و حتی جنگ نیابتی کنونی در اوکراین علیه روسیه را جنگ بین ارتجاع و امپریالیست و یا جنگ بین امپریالیست‌ها ارزیابی می‌کنند؟!

اینجاست که باید از «حافظ» کمک گرفت و گفت: «... مدعی گر نکنند فهم سخن، گو: سر و خشت!» •

که بسیاری از زنان مدت‌های طولانی خانه‌نشین گشتند. اما اینبار گذاشتن «حجاب اجباری» بود که می‌توانست برای مدتی شرکت زنان در محیط کار را تقلیل دهد تا زمانی که سرمایه‌داری دوباره این نیروی عظیم و ارزان کار را فرا بخواند. به عنوان مثال حمایت بعضی سازمان‌های اروپایی برای زنان هند، بنگلادش و دیگر کشورهای سابقا مستعمره خود این کشورهاست. این سازمان‌ها به یکباره برای گرفتن حقوق زنان در این جوامعی که مردان دارای حقوق بیش‌تری در زمینه‌های اجتماعی هستند، به میدان می‌آیند. کشورهایی که تا زمانی که دولت‌های خودی اروپایی در آنجا بودند، تمایلی به پیشرفت زنان در زمینه آموزش و بهداشت آنان نداشتند. زنانی که هر روز هفته با ساعت‌های کار متمادی لباس‌های اروپائیان را می‌دوزند و زمانی که در آتش کارخانه‌ها می‌سوزند، کسی نیست تا از حقوق آنها دفاع کند. در واقع نزاع بر سر نیروی ارزان کار است و نه دفاع از «حقوق فمینیستی».

در ایران علی‌رغم سلطه حکومت اسلامی و قوانین ارتجاعی بر ضد زنان، آمارهای رسمی نشان می‌دهند که زنان ایرانی در تمامی زمینه‌های اجتماعی فعال بوده و بر همگان روشن است که بدون کار آنها چرخ بسیاری از کارخانه‌ها نمی‌چرخد. پرستاران سخت‌کوش ما چه زن یا مرد در دوران کرونا با از خود گذشتگی این دوران سخت را برای مردم ما آسوده‌تر ساختند. آیا در این دوران فرقی می‌کرد که این زنان حجاب دارند یا نه؟ و یا معلمان سخت‌کوشی که با حداقل حقوق در روستاهای ایران سرگرم آموزش کودکان این مملکت هستند، حجاب نقشی ایفا کرده است؟ مشکل این کودکان نداشتن مدرسه مناسب و کتاب و دفتر است و نه اینکه خانم معلم روسری دارد یا نه.

در این میان بعد از گذشتن از موانع اولیه، سرمایه‌داری در ایران دیگر مشکلی با حجاب ندارد و بخش عظیمی از مردم هم برایشان مقوله پوشاندن موی سر زنان با عرف و مسائل اخلاقی و حفظ حرمت زنان دو مقوله متفاوت هستند. پس علت اینکه هر از گاهی موضوع بحث بر سر حجاب داغ‌تر از همیشه می‌شود، چیست؟ چرا دولت جمهوری اسلامی بعنوان مجری مسائل حقوقی ایران برای به رسمیت شناختن حق انتخاب پوشش اقدام نمی‌کند؟ آیا تمامی مشکلات پیش پای مردم در زمینه بیکاری، آموزش، نداشتن کافی پرستار و کادر درمانی، خانه و مسکن و مسئله بسیار مهم محیط زیست که در صورت از دست رفتن فرصت برای رفع کمبودها و جلوگیری از کشتار و به غارت بردن حیوانات این مملکت حل شده است؟ برخورد رژیم به مسئله «حجاب اجباری» نشان می‌دهد که این پدیده به یک امر سیاسی مبدل شده و عقب‌نشینی در این زمینه می‌تواند ارکان نظام را به لرزه درآورد و از دخالت نیروهای مذهبی در امور شخصی مردم بکاهد و سرانجام راه را برای جدایی دین از حکومت هموار سازد.

در این میان مخالفان مرتجع انقلاب ایران فرصت را غنیمت



## سخنی در مورد بلوای «حجاب اجباری» و سرکوب زنان

چهل و سه سال پیش در زمانی که ملت غیور و شجاع ایران سرگرم مبارزه با دولت دست‌نشانده پهلوی بود، خبرنگاری از «آیت‌الله خمینی» در فرانسه پرسید که «آیا زنان در ایران در فرادای انقلاب موظف به پوشیدن چادر و یا به نوعی حجاب اجباری خواهند بود؟» پاسخ «خمینی» به این مسئله منفی بود. در آن زمان مردان و زنان ایرانی با حجاب و یا بی‌حجاب دست در دست هم برای ساختن ایرانی آزاد و دموکراتیک و مستقل مبارزه می‌کردند. انسان‌هایی که تنفر خود را از آن همه بی‌عدالتی و تبعیض، فقر و بی‌سوادی، فقدان بهداشت و معلم و مدرسه در انقلابی بزرگ نشان داده و برایشان تفاوتی نداشت که زنی با روسری در مقابل توپ و تفنگ کنار چپ‌ها ایستاده، مردان با پیراهن‌های آستین کوتاه بوده و یا اینکه ریش داشته و یا نداشته و غیره. اما مدت کوتاهی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که دستور «حجاب اجباری» ابتدا برای زنان کارمند و بعد برای تمامی زنان در انظار عمومی صادر گشت. ظاهراً همه متفق‌القول بر این باورند که مذهبی‌های دو آتش به این قضیه دامن زدند. کسانی به مانند «زهرا رهنورد» و امثال او در آن زمان زنان را تهدید می‌کردند که مبادا مردان چشمشان به پاهای عریان زنان بیافتد!!

بعد از پیروزی انقلاب مشکل بیکاری به دلیل اینکه مناسبات جدید اقتصادی و سیاسی هنوز مستحکم نشده بود، واقعیتی بود که حادث‌تر گشته و سرمایه‌داری به دنبال تصمیماتی می‌گشت تا در کوتاه‌ترین وقت اندک جوابی برای هزاران جوینده کار پیدا کند. بعد از «کشف حجاب» در زمانی که زنان ایرانی با چادر اجازه شرکت در انظار عمومی را نداشتند، باعث گردید

شماره می‌شود و مردم این زورگویی و تبعیض و سرکوب را نمی‌پذیرند. برخی دیگر امام جمعه‌ها اتحاد مردم ایران را ضروری دانسته و زنان «بدحجاب» را به عنوان بخشی از جامعه پذیرفته‌اند. حتی رهبر جمهوری اسلامی، «سید علی خامنه‌ای» به صراحت تنها از «بدحجابی» به عنوان یک نقص نام برده است! در عمل هستند بسیاری کشورهای که اکثریت آنان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در این کشورها زنان با پوشش‌های مختلف در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. مردان این کشورها هم از صبح تا شب در فکر چشم چرانی و تعرض به زنان نیستند. اما واقعیت دردناک در ادامه این بحث‌ها از بین رفتن ساعت‌هایی است که به جای آنها می‌توانستیم برای از بین بردن مشکلات اجتماعی، فرهنگی وقت گذاشته و چاره‌ای بیندیشیم. جهان به سرعت در حال پیشرفت در تمامی زمینه‌های سیاسی و علمی است. هر روز اخبار تازه‌ای درباره محیط اطرافمان می‌شنویم. هر روز درهای بسیاری برای دانستن به روی انسان‌ها گشوده می‌شود. فقر و نادانی، این حق طبیعی بخش اکثریت مردم کوشا و فعال جهان را از آنان می‌گیرد. این سخت‌کوشان جهان به جای نشستن در مدارس و اتاق‌های علمی باید به دنبال قطعه نانی در سبد زبانه باشند تا سوداگران سرمایه در وال استریت‌ها و عمال فروتن‌شان در کشورهای مختلف با هر نام و نشانی در لباس‌های مختلف سیاه، قهوه‌ای و به تازگی با رنگ سبز نجات‌دهنده محیط زیست نقشه‌های شوم خود دنبال کنند و برنامه اندوختن ثروت از یک طرف و انبوه‌تر کردن خیل عظیم سلب مالکیت شدگان، گرسنگان و زحمتکشان را به اتمام رسانند. تنها یک راه باقی است؛ اتحاد تمامی کسانی که در طرف دیگر این معادله هستند. چه با حجاب و چه بدون حجاب در سنگری واحد بر علیه نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و رفع همه تبعیضات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و بر علیه دشمنان رنگارنگ خارجی و جز این راهی برای برون رفت از بحران کنونی نیست.

شمرده و با تبلیغات گسترده و سازمان‌یافته خود از طریق فضای مجازی از این مسئله برای نیات شوم خود در ایران سود می‌جویند. مسئله حجاب تبدیل به یک مسئله حاد سیاسی گشته است. از یک طرف کارمندان زن ایرانی دولت آمریکا بمانند «معصومه علی‌نژاد قمی» کلاً به همراه «فرح دیبا» و اخیراً برخی هنرمندان دست‌چندم ایرانی با نام‌های مسخره مدافعان حقوق زنان ایرانی با سوء استفاده از این نارضایتی زنان بدنبال سرنگونی حکومت از طریق به کار انداختن کمپین‌های مختلف هستند. خانم «زهررا» [امیرآبادی] هم انقلاب بعدی را انقلاب زنان می‌نامد! ظاهراً با برداشتن حجاب و بدنبال آن با بدست آوردن «حقوق زنان» تمامی مشکلات جامعه حل می‌شود! اما آزادی حق انتخاب پوشش با احترام به حقوق بقیه مردم ایران، تنها یکی از حقوق افراد اعم از زن یا مرد است. حق داشتن مسکن، بهداشت، کار، امنیت و آسودگی، تفریح و امید به آینده، تلاش برای حفظ محیط زیست و حفاظت از حیوانات کشور معضل امروز ما هستند. به عقب انداختن هر روزه این مشکلات تنها حل کردن آنها را مشکل‌تر خواهد کرد.

«معصومه علی‌نژاد»، که با دست خالی از ایران خروج کرد، چگونه توانسته است تنها ظرف چندین سال به یک میلیونر تبدیل شود؟! او ظاهراً می‌خواهد برای ایرانیان از طریق جاسوسی و فروش ایران به سرمایه‌داری آمریکا کار و مسکن فراهم کند. الگوش هم حتماً امریکاست. اما موضوع آزاردهنده درباره او تعداد کسانی است که بر این باور اشتباه‌اند، که او ظاهراً از حقوق ایرانیان و بویژه از زنان دفاع می‌کند. افرادی به مانند او و دیگر مخالفان جمهوری اسلامی تنها می‌خواهند جای آقازاده‌های فعلی را با فرزندان خود عوض کرده و ثروت‌های بیکران ایران برای خودی‌های طرفدار سرمایه از سلطنت‌طلبان و میلیاردهای خودی اصلاح‌طلب و مفت‌خوران دیگر نظیر «فاطمه هاشمی» عوض کنند. افزایش تمامی این مزدوران سرمایه‌داری وظیفه بسیار مبرم گفتگوی سیاسی در ایران است. در طرف دیگر بخشی که تعبیرهای خود را بعنوان تنها برداشت صحیح از «حرمت و عفت زن» برداشت می‌کنند و بر این باورند که پوشش غیراسلامی، تنها برنامه غرب برای نابودی فضای اجتماعی ایران و ایجاد یک فرصت مناسب برای یک کودتای درونی است. گویا اگر روزی آزادی حق انتخاب پوشش محقق بشود، جمهوری اسلامی ایران سقوط خواهد کرد! در اینباره می‌توان به سخنرانی‌های متعدد امام جمعه‌های مختلف در این روزها اشاره کرد که ذره‌ای از نظریه بخشی از جامعه، که خواستار حجاب هستند کوتاه نیامده است و آن را به عنوان یک اصل تغییرناپذیر می‌انگارند. اما در تمامی این سال‌ها گشت ارشاد با مزاحمت برای زنان «بدحجاب» و دستگیری آنان نه تنها کمکی برای «ارشاد» این زنان نکرده، بلکه تنها باعث بوجود آمدن شکاف و دودستگی در درون جامعه ایران گشته است.

در ایران امروزه بطور آشکار در کوچه و خیابان به این مسئله



### از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

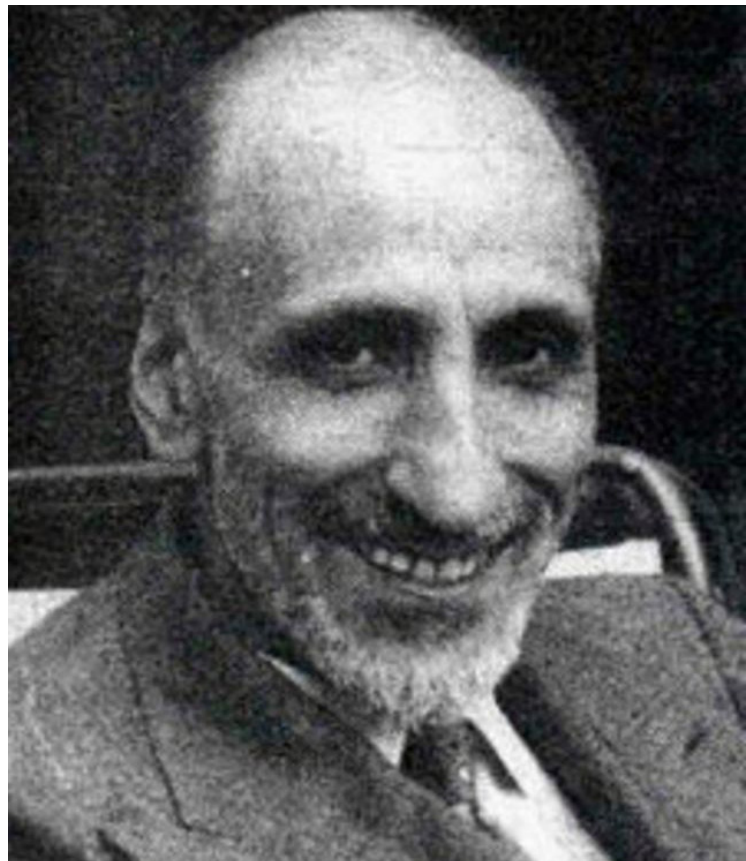
را در شهر شیراز و در «روزنامه فارس»، به مدیریت «فضل الله بنان شیرازی» آغاز کرد ولی اندکی بعد مقاله‌ای از او منتشر شد که به نوشته «رکن زاده آدمیت» عامه نپسندیدند و هیاهویی راه انداخته، اراده قتل‌اش را کردند. ناچار در منزل «عبدالحسین میرزا فرمانفرما»، که در آن وقت والی فارس بود، پناهنده شد و «فرمانفرما» به حمایت از او برخاست و پنهانی روانه اصفهانش کرد. اقامت «دشتی» در اصفهان نیز چون شیراز کوتاه بود و او پس از پنج ماه راهی تهران شد.

«دشتی» در تهران به کار نگارش و توزیع شب‌نامه‌ها و مقالات تند علیه دولت «وثوق‌الدوله» پرداخت. «وثوق‌الدوله» تکاپوی پرهیاهوی این شیخ جوان دشتستانی را برناتافت و دستور اخراج او را از ایران و بازگشت‌اش به عتبات صادر کرد، اما پس از چندی دولت «وثوق‌الدوله» سقوط کرد و «میرزا حسن خان مشیرالدوله» زمام دولت را به دست گرفت. در آن زمان «غلامرضا رشید یاسمی»، که بعدها به عنوان ادیب و محقق شهرت فراوان یافت، با دشتی دوست و محشور شد و مقدمات زبان فرانسه را نزد وی فراگرفت. «رشید یاسمی» اندکی بعد، همکار «دشتی» در روزنامه «شفق سرخ» شد. چندی دیگر دولت سپه‌سالار اعظم «محمودولی خان تنکابنی» زمام امور را به دست گرفت. و چندی بعد با کودتای ۳ اسفند «دشتی» به فعالیت‌های سیاسی خود در تهران ادامه داد، اما او و بسیاری دیگر از فعالان سیاسی بازداشت شدند و تا پایان کار دولت «سیدضیاءالدین طباطبایی» در زندان ماندند. او در این دوره یادداشت‌هایی فراهم آورد که در اواخر ۱۳۰۰ و اوائل ۱۳۰۱ در شماره‌های اول تا ۱۵ «شفق سرخ» به نام «ایام محبس» درج شد.

در ۱۱ اسفند ۱۳۰۰ آرزوی «دشتی» ۲۸ ساله تحقق یافت و انتشار «شفق سرخ» را آغاز کرد. نویسندگان جوانی چون «غلامرضا رشید یاسمی»، «سعید نفیسی»، «نصرالله فلسفی» و ... با او همکاری کردند. «دشتی» در سال ۱۳۲۰ به همراه «جمال امامی خوئی»، «عبدالرحمن فرامرزی»، «ابراهیم خواجه نوری» و ... «حزب عدالت» را تشکیل دادند. در سال ۱۳۲۸ اولین دوره مجلس سنا تشکیل شد و «علی دشتی» به آن راه یافت و تا پایان سلطنت پهلوی «دشتی» سناتور بود و در سال ۱۳۲۹ به عنوان وزیر مشاور، به دولت «علا» راه یافت و در سال ۱۳۴۱ سفیر ایران در لبنان شد.

پس از انقلاب، «علی دشتی» ۲ بار بازداشت شد. نخستین بار کم‌تر از یک ماه در زندان ماند. بار دوم در آذر ۱۳۶۰ به اتهام نگارش کتاب ۲۳ سال دستگیر شد. او اینبار نیز مدت زیادی در زندان نماند و به دلیل کهولت و بیماری و شکستگی پا آزاد شد. «علی دشتی» اندکی بعد در ۸۷ سالگی درگذشت.

نام و یادش همواره گرمی و ماناست •



## برگی از تاریخ

در باب نویسنده کتاب ۲۳ سال

این متن از طرف یکی از همراهان کانال تلگرام توفان ارسال گردید و ما بخاطر اهمیت کتاب ۲۳ سال و دیگر فعالیت‌های اجتماعی «علی دشتی» و با تشکر از این همراه عزیز و علاقه‌مند به مسائل تاریخی و فرهنگی به انتشار این متن مبادرت می‌کنیم: (زاده ۱۱ فروردین ۱۲۷۶ کربلا -- درگذشته ۲۶ دی ۱۳۶۰ تهران) نویسنده، مترجم و سیاستمدار

دشتی پژوهشگر، نویسنده، مترجم، منتقد ادبی، روزنامه‌نگار، دیپلمات و از اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا ایران در دوره‌ای از سلسله پهلوی بود. وی همچنین در دوره‌ای سفیر دولت شاهنشاهی ایران در مصر شد. آثار مختلف «علی دشتی» بالغ بر ۴۰ عنوان کتاب است.

او تحصیلات‌اش را در فقه تا مقطع سطح به پایان برد و مدتی دروس خارج را نزد «حاج حسین فشارکی» و «شیخ عبدالکریم حائری یزدی» فراگرفت. وی در کوران جنگ جهانی اول به همراه پدر و برادران، از عراق به ایران آمد و در فضایی پر آشوب به دنیای سیاست و مطبوعات وارد شد. فعالیت روزنامه‌نگاری



## سالگرد انقلاب ساندینیستی نیکاراگوئه و دست آوردها

این مقاله جالب و خواندنی در مورد سالگرد انقلاب نیکاراگوئه در کانال تلگرام «مدارسرخ» منتشر شد. ما تلخیصی از آن را در «نشریه توفان الکترونیک» به چاپ می‌رسانیم:

مردم نیکاراگوئه در جنگ داخلی کشته شدند و جنگ امریکا/کنتراها با ساندینیست‌ها هزینه‌های گزافی برای کشور داشت. کشوری که در سال ۱۹۷۹ [سال پیروزی انقلاب] کمی بیش از سه میلیون نفر جمعیت داشت، متحمل حدود ۱۷ میلیارد دلار خسارت شد. سرانجام، «دانیل اورتگا»، رئیس جمهوری وقت نیکاراگوئه در انتخابات سال ۱۹۹۰ میلادی در یک انتخابات پُرتقلب، که زیر فشار تبلیغاتی امریکا برگزار شد، از رقیب خود شکست خورد؛ شکستی که خستگی بخشی از مردم از جنگ داخلی تحمیل شده از سوی آمریکا و تحریم‌های اقتصادی از سوی واشنگتن نیز در آن سهم بزرگی داشت. با پیروزی کاندیدای محافظه کار به نام «یولتا شامورو» دوران ۱۶ ساله‌ای از «اصلاحات» نتولیرال بر کشور حاکم شد.

در انتخابات سال ۲۰۰۶ نیکاراگوئه، رئیس‌جمهور سابق «دانیل اورتگا» (از جبهه ساندینیستا) با کسب ۷۳/۸٪ آرا، مجدداً به ریاست جمهوری رسید و پس از ۱۶ سال پیروزی احزاب دیگر در انتخابات، بار دیگر جبهه ساندینیستا به قدرت بازگشت. «اورتگا» و جبهه ساندینیستا در انتخابات سراسری سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۶ و ۲۰۲۱ نیز پیروز و مجدداً انتخاب شدند و مسیر انقلاب را مجدداً در پیش گرفتند.

### دستاوردهای انقلاب

**ایجاد نظام سلامت و آموزش**، کارزار سوادآموزی، ملی‌سازی صنایع و خودسازماندهی زنان به رهبری انقلابیونی مانند «نورا آستورگا»، کیفیت زندگی را در نیکاراگوئه افزایش داد. در نتیجه، امید به زندگی که در سال ۱۹۷۰ حدود ۵۱ سال بود، تا سال ۱۹۸۵ به ۶۲ سال افزایش یافت.

در ۲ دهه اخیر، میزان جوانانی که اصلاً به مدرسه نرفته‌اند، از ۲۴ درصد به ۴ درصد کاهش یافته است. برنامه ناهار مدرسه، که روزانه یک وعده غذای گرم شامل حبوبات و برنج را برای ۱٫۲ میلیون دانش‌آموز دبستانی تضمین می‌کند، ۴۶ درصد

۴۳ سال از پیروزی انقلاب ساندینیستا در نیکاراگوئه می‌گذرد. مبارزه‌ای که تقریباً ۱۰ سال به طول انجامید تا اینکه نیروهای جبهه آزادیبخش ملی ساندینیستا (FSLN) پایتخت نیکاراگوئه، ماناگوئه، را تصرف کردند و به دیکتاتوری خانوادگی سوموزا، که به مدت ۴۳ سال بین سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۷۹ تحت حمایت امپریالیسم آمریکا بر این کشور حاکم بود، پایان دادند.

انقلابیون ساندینیستا همواره رابطه نزدیکی با دولت چپگرای کوبا داشته‌اند. همچنین سازمان آزادیبخش فلسطین پیش از سقوط سوموزا برای چریک‌های ساندینیست سلاح فرستاد و آن‌ها را آموزش داد. در حالی که اسرائیل یکی از متحدان نزدیک و تأمین‌کنندگان رژیم دیکتاتوری سوموزا بود، وقتی جبهه ساندینیست به قدرت رسید، سازمان آزادیبخش فلسطین اولین تشکلی بود که دفتر خود را در نیکاراگوئه تأسیس کرد. در دوران ریاست جمهوری «رونالد ریگان»، ایالات متحده دست به اقدام زد و با تأمین مالی گروه‌های مسلح و اسپرگرای «کنترا»، که قصد سرنگونی ساندینیست‌ها را داشتند، در کشور بذر وحشت پاشید.

واشنگتن حتی با سازماندهی قاچاق اسلحه به ایران، برغم تحریم‌ها علیه این کشور، از پول آن برای مداخله علیه دولت ساندینیست‌ها و به نفع نیروهای ارتجاعی کنترا در نیکاراگوئه استفاده کرد. بین سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ حدود ۳۰ هزار تن از



انقلاب نیکاراگوئه تقریباً همزمان با انقلاب ۵۷ ایران رخ داد و هر دوی آن‌ها دیکتاتورهای وابسته به آمریکا را سرنگون کردند و با توطئه‌ها و فشارهای فزاینده امپریالیسم و از اختلافات داخلی رو به رو گردیدند. ائتلافی از نیروهای سوسیالیست و بورژوازی در هر دو انقلاب مشارکت داشتند با این تفاوت که در انقلاب ساندینیستا این چپ‌ها بودند که توانستند رهبری نهضت را در دست گرفته و قدرت را تسخیر کنند.

نتیجه اینکه درحالی که در نیکاراگوئه، جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی به نفع توده‌های زحمتکش در حال تغییر است، در ایران بورژوازی راست‌گرای حاکم شدیدترین اشکال سیاست‌های نئولیبرالی را پیاده می‌کند.

همچنین در حالی که پیش از انقلاب نیکاراگوئه ۲۷,۰۰۰ کارگر عضو اتحادیه‌های کارگری بودند (که بسیاری از آنان در اعتصابی که منجر به سقوط سوموزا شد، نقشی اساسی ایفا کردند) فقط در عرض سه سال پس از پیروزی انقلاب تعداد اعضای اتحادیه‌ها به ۱۵۰,۰۰۰ نفر رسید. این درحالیست که در ایران در غیاب و سرکوب تشکلهای کارگری مستقل و سازمان‌های چپ‌گرای ضدامپریالیست، تهاجمات امپریالیستی و ضد کارگری ضربات عظیمی بر پیکر انقلاب فرود آورده است. و نهایتاً اینکه نیکاراگوئه تحت حاکمیت چپ‌ها، با وجود مردسالاری نهادینه و فراگیر در آمریکای لاتین، بر بخش قابل توجه این معضلات غلبه کرده و اکنون بهترین رتبه‌های جهانی از لحاظ مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان و رفع تبعیض‌های جنسیتی دارد در حالی که در ایران تحت حاکمیت جریان نئولیبرال حاکم مشارکت سیاسی - اقتصادی زنان، شرایط کاری و مزدی، حقوق باروری و حق پوشش زنان در وضعیت بسیار ناگواری است.

کاهش سوء تغذیه مزمن در کودکان زیر پنج سال و ۶۶ درصد کاهش سوء تغذیه مزمن را به همراه داشته است. در کودکان شش تا دوازده ساله میزان مرگ‌ومیر نوزادان ۶۱ درصد و میزان مرگ‌ومیر مادران ۷۰ درصد کاهش یافته است.

**ساخت‌وساز و بهسازی** ۱۵۸,۰۰۰ خانه برای اقشار کم‌درآمد و واگذاری ۴۲۷,۴۳۴ قطعه زمین از دستاوردهای زیربنایی است. مساحتی معادل ۳۱ درصد از قلمرو ملی نیکاراگوئه به صورت قطعی و غیرقابل انتقال به ۳۱۴ جماعت بومیان واگذار شده است.

**نیکاراگوئه اکنون دارای بهترین جاده‌ها در منطقه است**، و طول جاده‌های آسفالت دو برابر شده؛ نزدیک به ۲,۰۰۰ کیلومتر راه جدید ساخته شده و ۲,۰۰۰ کیلومتر دیگر مرمت شده است.

به کشاورزان خرد ۵۴۸ میلیون دلار اعتبار داده شده که سالانه ۲۵,۷۰۰ کشاورز از آن بهره‌مند می‌شوند. نزدیک به ۶,۰۰۰ تعاونی جدید ایجاد شده است که ۳۱۸,۰۰۰ عضو دارند. نیکاراگوئه اکنون ۹۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز خود را تولید می‌کند.

در سال ۲۰۰۷ خاموشی‌های ناگهانی وجود داشت و ۸۰ درصد انرژی نیکاراگوئه از نفت تولید می‌شد. امروزه ۸۰ درصد برق نیکاراگوئه با استفاده از منابع تجدیدپذیر تولید می‌شود و پوشش شبکه برق از ۵۴ درصد به ۹۹ درصد افزایش یافته است. با وجود یک دهه جنگ داخلی در این کشور، اکنون میزان ارتکاب قتل در این کشور کمترین میزان در آمریکای مرکزی است.

**زنان تأثیر قدرتمندی بر چگونگی شکل‌گیری انقلاب ساندینیستا داشتند**، به طوری که ۳۰ درصد از چریک‌های

جبهه ساندینیستا را زنان تشکیل می‌دادند و در اولین انتخابات دموکراتیک نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۴، ۶۷ درصد از زنان شرکت‌کننده به این جبهه رأی دادند. طی اصلاحات ارضی سال ۲۰۰۷، ۸۰ هزار خانوار روستایی صاحب زمین شدند و اسناد مالکیت این اراضی به نام زنان صادر شد.

**طبق گزارش جهانی شکاف جنسیتی**، در شاخص کلی برابری جنسیتی، نیکاراگوئه از رتبه ۶۲ در میان ۱۵۳ کشور در سال ۲۰۰۷ به رتبه ۵ در سراسر جهان رسیده است و این یعنی شکاف جنسیتی را بیش از ۸۰ درصد کاهش داده است. نیکاراگوئه از نظر سلامت و بقای زنان، پیشرفت تحصیلی زنان و وزیران زن در جهان رتبه اول را به خود اختصاص داده است و در توانمندسازی سیاسی زنان در رتبه سوم قرار دارد. طبق یک گزارش این کشور تا حدود ۱۲ سال دیگر به عنوان اولین کشور جهان به برابری کامل زن و مرد دست پیدا می‌کند.

منابع:

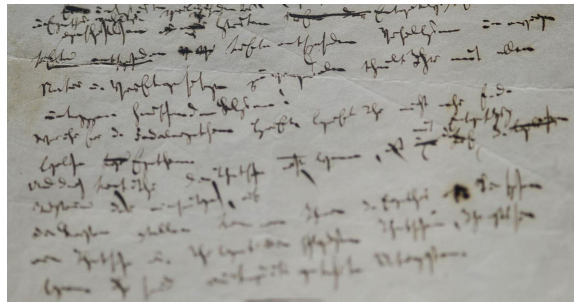
۱

۲

۳

twitter  
TOUFANHEZBEKAR

## چندیاد داشت کوتاه



## مارکسیست و ضرورت تشکیلات

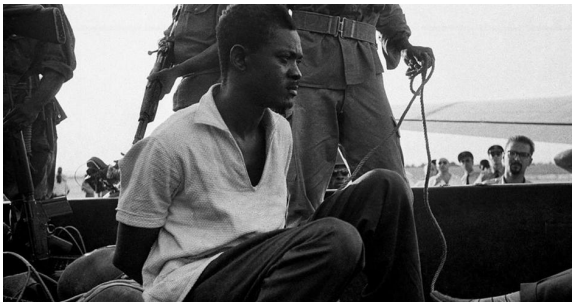
مارکس با بررسی علمی و انقلابی تاکید نمود که «آنچه موجب خیزش توده‌ها برای انقلاب می‌شود، فقر اقتصادی نیست؛ بلکه پی‌بردن به علل فقر است». اما مارکس علاوه بر این مفصلاً شرح داد که اگرچه این شناخت لازم است، لیکن کافی نیست. برای اینکه بر بورژوازی پیروز شد، باید متشکل گردید و با سلاح تشکیلات به جنگ دشمن مسلح و متشکل رفت. باید با برنامه و هدف روشن و نظام جایگزین به عنوان بدیل انقلابی دشمن را به زیر کشید. مارکس از تشکیلات و وحدت پرولتاریا و در عالی‌ترین شکل آن از حزب کمونیست، حزب واحد طبقه کارگر به عنوان پیشاهنگ طبقه سخن گفت. وی از همین رو به صورت دوراندیشانه‌ای در مانیفست پرولتاریا، برای ممانعت از سو استفاده آنارشیست‌ها و اکونومیست‌ها از این برنامه، مانیفست طبقه کارگر را به نام «مانیفست حزب کمونیست» منتشر کرد و بر حزبیت و رهبری جنبش پرولتاریایی توسط حزب کمونیستی تاکید نمود. انکار حزبیت، انکار مارکسیسم - لنینیسم و مغایر روح و محتوای مانیفست حزب کمونیست پرولتاریایی مارکس است و جز این نیست.



## غلبه رویونیسم بر حزب و آغاز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی.

کنگره بیستم حزب کمونیست بلشویک شوروی در ۱۹۵۶ مظهر پیروزی ضدانقلاب رویونیسم خروشچیفی در داخل حزب بود. این پیروزی محصول دروغ، کودتا و تصفیه‌های حزبی در آستانه کنگره بیستم بر علیه سوسیالیسم بود.

امروز مدارک‌اش را بر سرهر کوی و برزن به تماشا گذارده‌اند. روشن است که حمله و هجوم به رفیق استالین، که معمار توانای ساختمان سوسیالیسم بود، با نیت تضعیف و نابودی سوسیالیسم صورت گرفت و نه «بهبتر کردن سوسیالیسم!». انتشار دروغ‌های خروشچیف در کتاب «روی مدودوف» و توزیع سازمان‌یافته و گسترده جهانی آن به همین منظور بود. قدرت‌گیری باند «خروشچیف» در کنگره بیستم و تحمیل کردن تزه‌های ضد کمونیستی و ضدلنینی بر حزب و دولت، آغاز احیای سرمایه‌داری و فروپاشی سوسیالیسم و دست‌آوردهایش بود. غرب، به رهبری امپریالیسم آمریکا، از تحولات ضد استالینی و ضد سوسیالیستی در کنگره بیستم تحت رهبری «خروشچیف» هلهله کرد و به استقبال دوستی با «خروشچیف» و ضدانقلاب مسکو رفت. متأسفانه دژ سوسیالیسم از درون توسط خائنین به سوسیالیسم فتح شد؛ دژی که ارتش هیتلر در فتح آن ناکام ماند و در هم شکست.



## دندان «پاتریس لومومبا» به خانواده‌اش برگردانده شد

طبق گزارش بی بی سی «دولت بلژیک دندان «پاتریس لومومبا»، رهبر جنبش استقلال کنگو را طی مراسمی در بروکسل به خانواده‌اش برگرداند». کشور آفریقایی کنگو، به پایتختی «کینشاسا»، روزگاری مستعمره کشور پادشاهی بلژیک و ملک خصوصی «لئوپولد دوم»، پادشاه بلژیک بود! کشور کنگو در کنفرانس برلین، سالهای ۱۸۸۴ - ۱۸۸۵، توسط قدرت‌های اروپایی به شخص پادشاه بلژیک اختصاص داده شد. لئوپولد دوم در طول ۲۳ سال حکومت جنایت پیشه‌اش، از سال ۱۸۸۵ تا ۱۹۰۸ نزدیک به ۱۰ میلیون کنگویی را قتلعام کرد! قطع دست، عقیم کردن، شلاق زدن تا حد مرگ، گرسنگی دادن و آتش زدن روستاها از جمله جنایات پادشاه وقت بلژیک بود! «پاتریس لومومبا»، این مبارز ضد استعمار، آزادی‌خواه و استقلال طلب آفریقایی، در سال ۱۹۶۰ با رأی ۹۰ درصدی پیروز انتخابات شد و به نخست وزیر کنگو رسید و تلاش کرد تا مانعی علیه استعمار بلژیک و غارت منابع سرشار ثروت کنگو توسط استعمارگران غربی شود! لذا در سال ۱۹۶۱ به دستور «آیزنهاور»، رئیس جمهور وقت آمریکا و با توطئه و طراحی سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا «سیا» و «ام آی سیکس» انگلستان «MI۶» دولت بلژیک، توسط مزدوران و خائنان اجنبی پرست کنگویی، نظیر «موسی چومبه»، دستگیر و

یک شبکه جهانی متشکل از بیش از ۳۰۰ تاسیسات مشابه است. امپریالیسم آمریکا در گذشته نیز متهم به درگیر شدن در جنگ بیولوژیکی بوده است.

«فیدل کاسترو»، رهبرانقلاب کوبا، مدعی شده بود که آمریکا گونه ناشناخته‌ای از تب خوکی و تب دنگی را که در آزمایشگاه ایجاد شده به کشور کوبا وارد کرده‌اند. به گفته «کاسترو» هدف آمریکا ایجاد «بیشترین تعداد قربانیان ممکن» بوده است.

«آلن وینینگتون»، خبرنگار سابق «دیلی ورکر» و «ویلفرد برشت»، روزنامه‌نگار استرالیایی، پس از افشای جنگ بیولوژیکی ایالات متحده در کره در دهه ۱۹۵۰، به خیانت متهم شدند و اعتبار گذرنامه‌هایشان لغو شد.

با وجود تکذیب‌ها، یک کمیسیون علمی بین‌المللی به ریاست پروفیسور «جوزف نیدهام» از دانشگاه کمبریج به این نتیجه رسید که چین و کره شمالی در معرض سلاح‌های باکتریولوژیک قرار گرفته‌اند.



### برگی از تاریخ

قیام ۳۰ تیر، در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ یک سال و ۴ ماه پس از به ثمر نشستن نهضت ملی صنعت نفت، اتفاق افتاد. شروع قیام بعد از استعفای «دکتر مصدق» و انتخاب «قوام السلطنه» به نخست‌وزیری از طرف شاه بود. مردم خواستار استعفای قوام و نخست‌وزیری مصدق بودند. نقش حزب توده و کارگران نفت و نیروهای ترقی‌خواه و ملی در پیروزی نهضت نفت غیرقابل انکار است. در نهایت قوام طرد شد، مصدق مجدداً به نخست‌وزیری انتخاب شد. اما این قیام موجب شهادت شمار زیادی از مردم در سرتاسر کشور گردید و این لکه ننگی در کارنامه حکومت خائن پهلوی است.

«دکتر مصدق» به مناسبت تجلیل از شهدای روز سی تیر کلیه ادارات دولتی را تعطیل عمومی نمود و مجلس قیام سی تیر را «قیام ملی» و شهدای آن روز را «شهدای ملی» نامید. قیام سی تیر و رأی دیوان لاهه به منزله شکست امپریالیسم انگلیس در ایران تلقی شد و تجربه این قیام نشانه همبستگی ملی و پیروزی مردم بر استبداد و استعمار بود.

اعدام و جسدش را در اسید حل کردند تا اثری از او برای آیندگان باقی نماند!

یاد و خاطره مبارزات او هنوز استعمار و جنایات امپریالیست‌های غربی، به سرکردگی آمریکا، در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و کشتار بومیان استرالیا و کانادا را تداعی می‌کند. میراث «پاتریس لومومبا» تا ابد در یاد و خاطره آزادی‌خواهان و استقلال‌طلبان جهان زنده خواهد ماند! مبارزی که نه بخاطر خودش بلکه به خاطر مردم و استقلال کشورش، کنگو، رزمید و شرافتش به قیمت جاننش تمام شد!



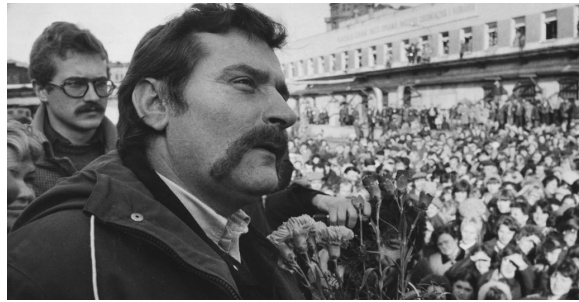
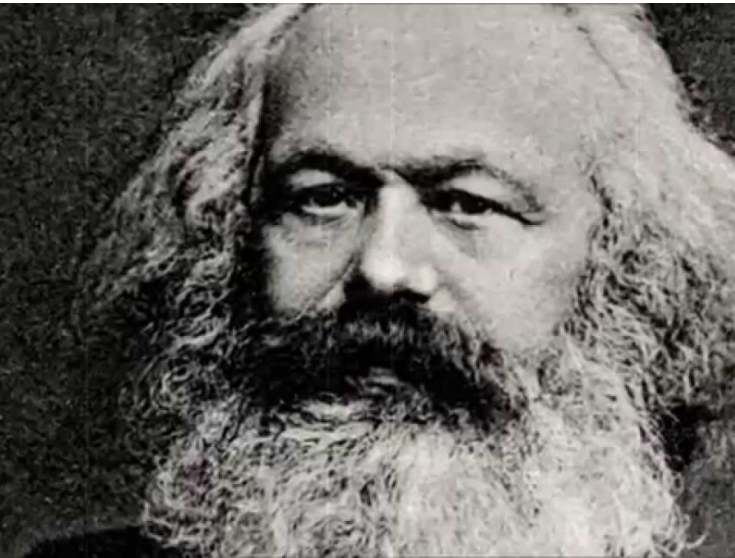
### برملا شدن آزمایشگاه‌های بیولوژیکی در اوکراین

رئیس دیدبان حقوق مصرف‌کننده روسیه امروز (شنبه) اعلام کرد، آزمایشگاه‌های بیولوژیکی در اوکراین خطری برای امنیت بیولوژیکی جهان هستند و ادعاها دال بر اینکه این آزمایشگاه‌ها در راستای مصلحت و منفعت مردم اوکراین فعالیت کرده‌اند، نادرست هستند.

به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، پنتاگون ۹ ژوئن سال جاری میلادی اعلام کرد که آمریکا به تأمین حمایت از ۴۶ آزمایشگاه بیولوژیکی در اوکراین کمک کرده تا امنیت بیولوژیکی و نظارت بر بیماری‌ها را ارتقا بخشد.

«آنا پوپووا»، رئیس دیدبان حقوق مصرف‌کننده روسیه در حاشیه اجلاس بین‌المللی اقتصاد سن پترزبورگ گفت: آنچه که توسط کارشناسان نظامی حاضر ما در منطقه افشا شده، یک خطر امنیت بیولوژیکی برای جهان است. این کاملاً مشخص است. بیانیه‌های اخیر، که ادعا کردند تمامی این کارها به خاطر مصلحت و منفعت مردم اوکراین انجام شده‌اند، کاملاً غیر واقعی هستند. وی افزود: هیچکسی در اوکراین با مسائل اپیدمیولوژیکی سر و کار ندارد و هیچ خدمات اپیدمیولوژیکی نیز وجود ندارد در نتیجه هیچکسی نمی‌تواند این اقدامات ارتش یک کشور خارجی را به عنوان امنیت بیولوژیکی ارزیابی کند.

وزارت دفاع روسیه در فوریه سال جاری میلادی وجود ۳۰ آزمایشگاه بیولوژیکی نظامی در اوکراین را، که توسط آمریکا تأمین بودجه می‌شوند، کشف کرد. به گفته مسکو، واشنگتن بیش از ۲۰۰ میلیون دلار برای ساخت تسلیحات بیولوژیکی در این تاسیسات هزینه کرده است. روسیه همچنین اعلام کرده که این آزمایشگاه‌های افشاشده در اوکراین تنها بخش کوچکی از



رئیس جمهور سابق لهستان خواستار کاهش جمعیت روسیه به ۵۰ میلیون نفر شد.

«لخ والسا»، رئیس جمهور سابق لهستان می گوید روسیه باید تجزیه شود».

به گزارش اسپوتنیک، به نقل از «لوفیگارو»، «لخ والسا»، رئیس جمهور سابق لهستان، برنده جایزه صلح نوبل، خواستار کاهش جمعیت روسیه به ۵۰ میلیون نفر شد.

## ادبیات مارکسیستی به زبان

### مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیک» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه «توفان الکترونیک» ستونی برای این امر اختصاص می دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.



#### دولت و حقوق

##### «دولت» روبنای سیاسی است

موضوع «دولت» و ماهیت آن، چه از لحاظ تئوری و چه از لحاظ سیاسی و پراتیک حائز اهمیت است، موضوعی است که بیش از هر مسئله دیگر با آزادی پرولتاریا و همه زحمت کشان در ارتباط است. بیهوده نیست که طبقات حاکمه همواره کوشیده اند و هم اکنون می کوشند حقیقت آن را بپوشانند، تئوری مارکسیستی - لنینیستی دولت را به انواع حیل تحریف کنند و وارونه جلوه دهند. لنین در اثر خود «درباره دولت» بویژه به این نکته اشاره می کند: «به زحمت می توان مسئله دیگری را یافت که به اندازه مسئله دولت بوسیله نمایندگان دانش، فلسفه، حقوق، اقتصاد و روزنامه نگاری بورژوائی، به طور عمدی و غیرعمدی، دست خوش آشفستگی شده باشد... این مسئله از آنجهت این چنین دست خوش بغرنجی و آشفستگی گردیده که بیش از هر مسئله دیگری (از این حیث فقط مبادی علم اقتصاد بر آن مقدم است) با منافع طبقات فرمانروا تماس دارد. تعالیم مربوط به دولت در این راه بکار می رود که امتیازات اجتماعی را تیره کند، وجود استثمار را تیره کند، وجود

«لخ والسا» اظهار داشت که لازم است «تغییر در نظام سیاسی کشور، سازماندهی قیام مردم» در روسیه ضروری گردد. او معتقد است که برای رسیدن به امنیت در جهان، روسیه باید تجزیه شود». او توضیح داد: «یا سیستم سیاسی روسیه را تغییر دهید، یا آن را به جمعیتی کمتر از ۵۰ میلیون نفر برسانید».

«لخ والسا»ی لهستانی، که عامل و مجری انقلاب رنگی غرب در لهستان بود، ابتدا در سال ۱۹۸۳ برنده جایزه نوبل اش کردند و سپس به کمک آمریکا و متحدینش از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ رئیس جمهور لهستان شد. او درست مثل «ولودمیر زلنسکی» و دیگر نئونازی های «ناتویی» و اوکرایینی، خواهان شکست و تجزیه روسیه است! او خواستار روسیه ای با جمعیت کمتر از ۵۰ میلیون نفر شد. طبق سرشماری سال ۲۰۲۲ جمعیت روسیه کمی بیش تر از ۱۴۶ میلیون نفر برآورد شده است و این جوجه فاشیست خواهان کشتار نزدیک به ۱۰۰ میلیون روسی است!

فاشیست ها شاخ و دم ندارند. آنها «آدمهائی» اند که خوی حیوانی دارند که به آنها فاشیست می گویند نظیر «موسولینی»، «هیتلر»، «پینوشه»، «فرانکو» و سران «ناتو»!

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم

# facebook

## TOUFAN.HEZBEKAR

### گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: «دوستان محترم حزب کار ایران (توفان) ضمن عرض سلام، به نظر من استالین باعث شد که زحمتکشان جهان و روسیه از سوسیالیسم دولتی روگردان شوند و بهانه برای تبلیغات ضد کمونیستی در جهان شود که به دست بورژوازی انجام می‌گیرد. البته این تبلیغات هر چند بر اساس بعضی از واقعیت‌های جنایتکارانه استالین بوده است، ولی نشانی از ترس و وحشت جهان غرب سرمایه‌داری از کمونیست دارد. حزب «آه‌نین پرولتاریا» را اگر آن طور که استالین در عمل انجام داد، لنین و مارکس رد می‌نمودند و پس از تجارب با احزاب این چنین «آه‌نین» که «قاطعیت انقلابی» را در اعدام و پاکسازی استالینیستی بیان می‌کنند و بعد از چند دهه تجربه با احزاب مختلف داخلی و خارجی که در تاریخ احزاب به اصطلاح مارکسیستی نشان داده شده است، باید گفت که زحمتکشان نیاز به خودسازماندهی شورائی دارند و نه یک حزب که به جای ولایت فقیه بنشیند و خود را مقدس بخواند و «نماینده پرولتاریا» و بعد هم پدر پرولتاریا را جلوی چشمش بیاورد و هر کس هم که انتقادی کرد به سبک حزبالهی‌های رژیم به عنوان عامل امپریالیسم معرفی کرده و بعد هم اگر در قدرت باشد، سرکوب نماید. نه! زحمتکشان نیاز به این نوع احزاب ندارند و باید خود پایه‌های حکومت خود را بر اساس شوراها به پا کنند و اگر هم با تهمت «منشویسم» آمده‌اید. من معتقد هستم اگر مارکس و لنین هم زنده می‌بودند و این دگماتیسم و مقدس بودن حزب و احزاب را تجربه می‌کردند، امروز حرف دیگری می‌زدند، همان طور که بین گفته‌های مارکس جوان و مسن تر تفاوت بود. امروز هم پس از بیش از گذشت صدسال، مارکس در این رابطه با سازماندهی زحمتکشان حرف‌های دیگری می‌زد که حتما دگماتیست‌های حزبی امروزی او را نیز مورد اتهامات مختلف قرار می‌دادند.»

پاسخ: بخش نخست پاسخ به این نامه در شماره ۱۹۲ منتشر شد. لطفاً به شماره قبل رجوع کنید.

اکنون پاسخ بخش دوم را ملاحظه فرمائید:

**سوم:** «می‌گوئید مارکسیسم دگم نیست!» این درست است که مارکسیسم شریعت جامد نیست و همواره تکامل پیدا خواهد

سرمایه‌داری را تیره کند. پس در این مسئله انتظار بی‌طرفی داشتن یا در این مسئله چنان برخورد کردن که گویا ممکن است مدعیان علمیت در این مورد نظریه‌ای صرفاً علمی ابراز دارند، اشتباهی عظیم خواهد بود.»

«دولت» یکی از تاسیسات روبنائی جامعه، یکی از تاسیسات سیاسی جامعه است و بنابر این مانند هر پدیده روبنائی دارای خصلت طبقاتی است. دولت روبنای سیاسی زیربنای اقتصادی است، مستقیماً از زیربنای اقتصادی برمی‌خیزد و بر زیربنای اقتصادی خود تاثیر عمیقی می‌گذارد. دولت قدرت اقتصادی طبقه حاکمه را با قدرت سیاسی تکمیل می‌کند، مبین منافع اساسی طبقه حاکمه است، منافعی که از نظام اقتصادی سرچشمه می‌گیرد. دولت نیرومندترین ابزار طبقه حاکمه در تمام سیستم روبناست و برای حفظ سلطه اقتصادی و سلطه طبقه، برای حفظ و صیانت زیربنائی که خود از آن برخاسته است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما از اینجا نباید نتیجه گرفت که نقش اشکال دیگر روبنا ناچیز است. نیروی روبنا در وحدت و تاثیر متقابل همه عناصر آن است. معذالک در این میان نقش قاطع و تعیین کننده از آن دولت است.

سرنوشت نظام اقتصادی وابسته به تناسب نیروهای طبقاتی، به جریان مبارزه میان طبقات و درجه رشد این مبارزه است. مبارزه طبقاتی در تکامل یافته‌ترین شکل خود همانا مبارزه سیاسی است یا به مفهوم دیگر مبارزه به خاطر تصرف قدرت دولتی است. بنابراین سرنوشت نظام اقتصادی وابسته به قدرت دولتی است. انگلس می‌نویسد:

«جنبش اقتصادی در مجموع و بطور کلی راه خود را می‌گشاید اما این جنبش باید همچنین تاثیر متقابل جنبش سیاسی را، که خود ایجاد کرده و از استقلال نسبی برخوردار است، بر روی خود احساس کند... تاثیر متقابل قدرت دولتی بر تکامل اقتصادی سه نوع می‌تواند باشد: قدرت دولتی ممکن است در همان جهت تکامل اقتصادی تاثیر بخشد در اینصورت کار به سرعت پیش می‌رود، ممکن است علیه تکامل اقتصادی تاثیر گذارد، در این صورت در حال حاضر، در مورد هر کشور بزرگ پس از فاصله زمانی معینی کارش به ورشکستگی می‌انجامد، یا این که ممکن است در برابر رشد اقتصادی در جهات معینی موانعی ایجاد کند و در جهات دیگر آن را به جلو راند، این حالت سرانجام به یکی از دو حالت قبل منجر می‌گردد. اما روشن است که در حالات دوم و سوم قدرت سیاسی می‌تواند به رشد اقتصادی زیان عظیمی وارد آورد، می‌تواند موجب ائتلاف مقادیر انبوهی نیرو و ماتریل گردد.» (نامه به اشمیت. اکتبر ۱۸۹۰).

دولت با وضع قوانین به دفاع از نظام اقتصادی موجود می‌پردازد، امتیازات طبقه حاکمه و اشکال مالکیت را تحکیم می‌کند، بقایای روبنای جامعه کهنه را برمی‌اندازد، از فعالیت و عمل سازمان‌ها و تاسیسات نوینی که با دست طبقات انقلابی بوجود می‌آیند، جلو می‌گیرد. از اینرو دولت و حقوق با یکدیگر ارتباط ناگسستنی دارند. اگر دولت عنصر سیاسی روبناست، «حقوق» عنصر قضائی آن است، حقوق، سیستم موازین قضائی است که مبین منافع طبقه حاکمه است و تبعیت از آنها حتمی و اجباری است. •



# با توفان همراه شوید

@TOTOUFAN

## پاسخ به دوپرسش در شبکه تلگرام

**پرسش:** دوستان محترم توفان، جنگ را روسیه تهاجمی آغاز کرد و کشور اوکراین را اشغال نمود. چرا اقدام روسیه را تدافعی تعریف می‌کنید؟ آیا این یک تناقض در موضع شما نیست که تجاوز امپریالیسم روس را به خاک اوکراین تایید می‌کنید؟ با تشکر. امضا محفوظ

**پاسخ:** دوست عزیز! برای شناخت صحیح از ماهیت جنگی که در گرفته است، باید به ریشه‌های آن، یعنی ۸ سال قبل، که با مداخله غرب و کودتا علیه دولت منتخب اوکراین، «ویکتور یانو کوویچ» صورت گرفت، پردازیم تا به نتایج منطقی و درستی دست یابیم. این کودتا آغاز جنگ ناتو برای محاصره روسیه و تجزیه آن بود. این یک اقدام تهاجمی و امپریالیستی از سوی غرب به سرکردگی آمریکا برای ممانعت از پیشروی چین و نظم جدید جهانی بود. روسیه بیش از ۸ سال از غرب خواست که بیش از این به مرز روسیه نزدیک نشود، دیگر بس است و بیش از این تحمل نخواهد کرد!

از اینرو، جنگی که ۴ ماه پیش آغاز شده است، جنگی عادلانه، مشروع و تدافعی و ضدفاشیستی و ضدناتو و ضد نظم تک قطبی کهن است که به نفع صلح جهانی است. جنگ از طرف غرب، جنگی تجاوزکارانه و امپریالیستی برای حفظ نظامی است که جان ملت‌ها را به لب رسانده، جز اشغال و بمباران و تحریم و زورگویی و غارت و قلداری..... دست‌آوردی برای بشریت نداشته است. اینکه ماهیت نظام اقتصادی روسیه امپریالیستی است، شکی نیست، اما روسیه امروز توان و امکان تصرفات سرزمینی و چنگ‌انداختن در حوزه نفوذ غرب را ندارد و مانند چین در موضع تدافعی است. از اینرو اگر غرب در اوکراین مداخله نمی‌کرد و خواهان کشورگشایی نبود و دست به

کرد. سرمایه‌داری رقابت آزاد به انحصارات و سرمایه مالی، یعنی امپریالیسم تبدیل شد. لنین با توجه به این تکامل سرمایه‌داری تئوری و تاکتیک پرولتاریا در عصر امپریالیسم را تدوین کرد و تئوری مارکس را تکامل داد و به جلو راند. «لنینیسم» محصول تکامل مارکسیسم در دوران امپریالیسم است. انقلاب در یک کشور آن هم در کشور عقب‌مانده با رشد پائین نیروهای مولده، ممکن است. دیدیم که انقلاب در روسیه عقب‌مانده آغاز شد و تحت رهبری حزب بلشویک به پیروزی رسید. این صحت تئوری لنین و تکامل مارکسیسم را به اثبات می‌رساند. لنین حزب و تئوری حزبیت مارکس را نیز تکامل داد، همانطور که تئوری دیکتاتوری پرولتاریای مارکس را تکامل بخشید. شما دوست عزیز، الفبای مارکسیسم را، که سازمان و حزب کمونیست است به دور افکندهاید و همراه با بورژوازی بی‌حزبی و بی‌سازمانی را تبلیغ می‌کنید در حالی که بورژوازی حزب و تشکیلات خود را دارد و از این طریق کارگران را تحمق و به دنبال خود می‌کشاند. آیا غیر از این است که مارکسیسم با انقلاب، کسب قدرت سیاسی، استقرار سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و طرح با نقشه و هدفمند اقتصاد برای جلوگیری از هرج و مرج و آناارشی و تولید بر اساس نیاز مردم و نه سود و همه آنها تحت رهبری ستاد فرماندهی واحد یعنی «حزب» تعریف می‌شود؟ با لجاجتی که نمی‌توان به مسائل بغرنج جامعه پاسخ داد. مارکس آگاهانه کلمه «کمونیست» را بعد از مانیفست قرار داد و این امر بدین معناست که حزب کمونیست برای کارگران و زحمتکشان و روشنفکران کمونیست است، یعنی عناصر پیشرو و نه کارگران عقب‌مانده و ناآگاه. کارگرانی که هنوز به مارکسیسم نرسیده‌اند، در اتحادیه‌های صنفی متشکل می‌شوند تا در این مکتب آموزش پایه‌ای فعالیت تشکیلاتی را فراگیرند..... سوسیالیسم جامعه آگاهی است زیرا رهبری سیاسی آن در دست آگاه‌ترین نیروی جامعه است که از همه کارگران و زحمتکشان دفاع می‌کند. شما امروز به آناارشیسم رسیده‌اید که این نه تکامل مارکسیسم، بلکه یک پس رفت سیاسی و بر ضد اصول و مبانی کمونیستی است

در جمع است که می‌توان به نیروی جمع پی بُرد و با منش فردی و روحیات خرده بورژوائی مبارزه کرد و زمینهای را فراهم نمود که امکان خوش‌رقصی و رشد انفرادمنشی و روحیه ضدحزبی را از بین بُرد. این است که دشمنان حزب، که در جبهه ضدحزبی با منش فردی و بر اساس «منیت» خویش گرد آمده‌اند، با تلاش زیاد مانع آن هستند که رهروان صمیمی راه آزادی طبقه کارگر، راه درست خویش را پیدا کنند. دامن زدن به آشفته فکری از این قبیل سلاح‌هایی است که آنها در مبارزه ایدئولوژیک از آن استفاده می‌جویند. آنها مریدان خویش را پند و اندرز می‌دهند که صبر را پیشه سازند، تا آنها از غوره حلوا سازند و همه مسایل جنبش را در گذشته و حال و آینده حل کرده و برای آنها پاسخ قانع کننده پیدا نموده و آنگاه از نقطه صفر شروع به مبارزه نمایند. مبارزهای که باید بر خلاف مبارزه گذشتگان «بی‌عیب و نقص» باشد و مولای درزش نرود. با این اطمینان که دیگر در مقابل همه مانورهای دشمن، تهدیدات، ستون پنجمی‌ها و اشتباهات مصونیت پیدا کرده‌اند. امید که این پاسخ برایتان در راه دفاع از انقلاب و طبقه کارگر مفید افتد. برایتان موفقیت آرزو می‌کنیم. ●

در جامعه است که به ثروت‌های هنگفتی دست یافتند و به این زودی در چپاول ثروت عقب‌نشینی نخواهند کرد. بنابر این فقر عمومی اقتصادی ناشی از سیستم سرمایه‌داری و سیاست‌های نئولیبرالی و خصوصی‌سازی‌ها و عدم نظارت بر اموال عمومی از طرف مردم است. باید این نظم را با برنامه و نیروی داخلی از بیخ و بن تغییر داد و طبعاً این امر بسیار زمان‌بر است.

اما در مورد برنامه هسته‌ای که غرب بسیار روی آن حساس است و برجام را آفریده و بعد زده زیرش، دست یافتن به این تکنولوژی اگر نخواهیم کوتاه مدت بیاندیشیم، یک ضرورت تاریخی و نیاز درازمدت برای تامین انرژی جامعه ۸۵ میلیونی ایران است. برنامه هسته‌ای ایران از دوره شاه آغاز شده و پول تهیه اولیه تکنولوژی را به المان و فرانسه پرداخت کرده که بعد از انقلاب به قول و قرارهایشان پشت کردند و پول‌های ایران را عملاً مصادره نمودند.

«اکبر اعتماد»، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در دوره شاه، اطلاعات خوبی در مورد برنامه هسته‌ای ارائه کرده که در تلویزیون «بی بی سی» به شرح دقیق مسائل پرداخته است. خوب است فرصت کردید، این برنامه را تماشا کنید و به بسیاری از مسائل پیچیده در این زمینه پاسخ می‌دهد، موفق باشید!

اکبر اعتماد - آرشیو برنامه به عبارت دیگر - تاریخ اولین

پخش: ۲۷/۱۰/۲۰۰۹ - YouTube

<https://www.youtube.com/watch?app=desktop&v=EiouBaPwEoA>

تحریک نمی‌زد، روسیه هرگز وارد خاک اوکراین نمی‌شد. روسیه راهی برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی خود جز این «اقدام ویژه» پیش روی خود نداشت. فرانسه امپریالیستی در جنگ جهانی دوم وقتی از طرف ارتش آلمان مورد تعرض قرار گرفت، دست دوستی به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تحت رهبری استالین داد تا از موجودیت‌اش در مقابل ارتش نازی دفاع کند. از اینرو در اینجا به صرف امپریالیست بودن ماهیت فرانسه، جنگ از سوی این کشور، امپریالیستی محسوب نمی‌شد و هرگز محکوم هم نگردید.

اگر کسی نبرد روسیه را محکوم و آن را غیرعادلانه تحلیل می‌کند، آنوقت باید از جنگ دولت اوکراین به عنوان «جنگی تدافعی» و از حامیان ناتوی‌اش نیز حمایت کند و به بسیج افکار عمومی بر علیه روسیه کمر همت بندد، شق دیگری وجود ندارد. از منظر حزب ما شکست اوکراین و ناتو در این جنگ محکوم است، نقطه عطفی برای استقرار نظمی چند قطبی است، اگرچه با ماهیت سرمایه‌داری و امپریالیستی، اما این نظم مطلوب‌تر از نظم متعفن و متجاوز امپریالیستی غرب تحت سرکردگی آمریکاست و شرایط تنفسی بهتری برای خلق‌ها و ملل ضعیف برای ادامه مبارزه فراهم می‌کند و این امر مثبتی است. موفق باشید.

\*\*\*

پرسش: سلام به دست اندرکاران نشریه توفان، بنظرم «هزینه هسته‌ای ایران بسیار بالاست و عامل بدبختی مردم است و نیازی به سرمایه‌گذاری در این زمینه نیست و ایران می‌تواند آن را از کشورهای دیگر بخرد و خود را اینقدر درگیر این مسئله نکند. چرا اینهمه به مسئله هسته‌ای اهمیت می‌دهید و چه نفعی برای ایران دارد؟ در انتظار پاسخ شما هستیم. با احترام امضا محفوظ. تهران

پاسخ: با درودهای صمیمانه و تشکر از پرسش‌تان. در مورد هزینه برنامه هسته‌ای آمارهای مختلفی وجود دارد و طبعاً تولید و استقرار چنین تکنولوژی ابتدا برای هر کشوری هزینه دارد و این شامل تمام ممالکی است که به تکنولوژی هسته‌ای دست یافتند، از جمله کشورهای آمریکا، المان، فرانسه، سوئد، چین و روسیه و.....

اما اینکه عامل بدبختی و فلاکت مردم انرژی هسته‌ای است، استدلال نادرستی است. علل فقر و شکاف طبقاتی در ایران، نظام سرمایه‌داری سوداگر تجاری است که شامل قشر نازکی

امپریالیسم آمریکا باید خاک عراق و منطقه خاورمیانه را ترک کند!

پیمان تجاوز کار ناتو منحل باید گردد!



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کارایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کارایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کارایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کارایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346